

مبارزات پرولتاریا و نقش پیشرو

در اسفند ماه گذشته شاهد
افتخارات وسیعی در سطوح کارخانه
ها و مراکز صنعتی بود. هر که در
مقابله با مجموعه حرکات کارگری در یک
سال گذشته شاهد چشمگیری داشته
است. پرولتاریای ایران در سال
گذشته و به ویژه در اسفند ماه، طبعی
مبارزات انقلابی بقیه در صفحه ۱۳

کمپون جاودانه است

در صفحه ۵

اول اردیبهشت

روز حماسه و مقاومت

دانشجویان انقلابی

در سالگرد حماسه خونین اول
اردیبهشت ۵۹ و بشهادت رسیدن
جمعی از بهترین فرزندان انقلابی
خلق، قصد آنند آریم تا وقایع آن
روزهای سیاه را به تحریر آوریم چرا
که هر دو ما بقیه در صفحه ۲۶

آینده مبارزات

زنده باد همبستگی کارگران

سراسر ایران

اگر بازوان نیرومند شما را زده کند
تمام چرخها از حرکت باز خواهد ایستاد

کارگران مبارز سراسر ایران!

۱۱ اردیبهشت روز اول ماه مه،
روز همبستگی جهانی کارگران سراسر
جهان، روز قدرت نمایی اردیبهشت
کار علیه سرمایه فرامیرسد. کارگران
ایران اسال در شرایطی با استقبال
این روز تاریخی میشتابند که نظام
سرمایه داری حاکم بر ایران عظیم ترین
مصائب را برای کارگران و کلیت
زحمتکشان بیار آورده است.
تقریر و فلاکت عمومی زندگی کارگران را به
تاهی سوق بقیه در صفحه ۲

در تدارک قیام

نقش قهر و اشکال قهر

ارتجاع را سرنگون ساخت. هنوز
خاطر مرا هبماتش های میلیونی نودده
در یاد ها هست که در آن اکثریت
جمعیت بقیه در صفحه ۱۱

تجربیات اخیر مبارزه طبقاتی در
کشور ما اثبات کرد که تنها از طریق
اعمال قهر انقلابی، تنها از طریق قیام
سلحهافتواری سراسری میتوان

بررسی اشکال مبارزاتی
کارگران و زحمتکشان

مهرماه ۶۰ الی مهرماه ۶۱ - (پیشرو)

وظایف

پیشرو

دوره پیشتر وجود ندارد

هر وضعیت سیاسی خود ویژه ای،
تحولات سیاسی ویژه خود را میطلبد.
خود ویژگی شرایط سیاسی پس از قیام
که بطور مستمر تمام با ناآرامیهای
سیاسی، مبارزات سخت طبقاتی،
تضادها و کشمکشهای درونی نیروهای
حاکمه و بحران عمیق اجتماعی بود.
است تحولاتی را ایجاد میکند.
است که منتج از این وضعیت سیاسی
است. این وضعیت سیاسی که چند
بقیه در صفحه ۲

ما تا کنون بارها و بارها در باره
لزوم شرکت در مبارزات توده ها،
سازماندهی آنها و ارتقاء شان به
اشکال عالی تر سمت و سوز آن آنها
در جهت سرنگونی انقلابی رژیم
صحبت کرده ایم. اما امروز پس از
پیرایی - هر چند محدود - مبارزات
کارگران و زحمتکشان در فاصله مهر ۶۰
تا مهر ۶۱ و اطلاع نسبی از خواستهها
روشها و اشکال مبارزاتی که مبارز کرده اند
همچنین ضعف هایی که در طی این
مدت در جریان مبارزات آنان رخ -
نموده و به توجه بقیه در صفحه ۹



گرمی باد خاطره

رفیق جوانی و همبزمی

در صفحه ۲۶

اخبرار کوتاه کارگری

در صفحه ۳

کمیته های مخفی اعتصاب را برای برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایجاد کنیم



داده است. بیکاری به آنچنان ابعاد فاجعه آسانی رسیده است که میلیونها تن از کارگران و زحمتکشان ایران با بیکاری و گرسنگی روبرو هستند. سطح زندگی کارگران بنحویت آوری تنزل نموده است در حالیکه دستمزد کارگران به حداقل ممکن باقی مانده است. افزایش بیابایی قیمت ها سبب شده است که حتی نتوانند ما محتاج روزمره خود را تهیه کنند. عدم اعتماد به آیند مو فقدان تأمین اجتماعی بنحوروز افزونی گسترش یافته است. در حالیکه سرمایه داران و ملاکین که کمترین و اساسی ترین بخش وسائل تولید، زمین، کارخانه و... را در اختیار دارند با استثمار هولناک کارگران مداوم غنی تر شده اند. کارگران که ناگزیر از فروش نیروی کار خود هستند، مداوم فقیرتر شده اند. تضاد میان فقر و ثروت بنحویت روزی در همه جا چشم میخورد. این شرایط هولناک زندگی کارگران موج عصیان و نا رضایتی را شدت در میان کارگران در آمدن زده است. موج اعتصاب تعداد زیادی از کارخانه ها و دیگر موسسات تولیدی را فرا گرفته است. اعتصابات اخیر در تاسیسات ذوب آهن، ایران ناسیونال، رنو، زامیاد و بسیاری از کارخانه های دیگر بیاتنگر تلاش کارگران برای رهایی از یوغ تحمل ناپذیر سرمایه است. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی که پاسدار نظام سرمایه داری، مدافع استثمار و استثمار کارگران و حافظ منافع سرمایه داران ایران و امپریالیسم جهانی است، برای حفظ این نظام پوسیده در برابر پیشرفت انقلابی کارگران، به بسیجیت و در بند خوئی کم نظیری متوسل شده است. هزاران تن از روشنفکران انقلابی و نیز کارگران آگاه منافع طبقاتی خود، این آگاهترین، پیشروترین و مصمم ترین بخش کارگران ایران، این قهرمانان دفاع از منافع خود، های زحمتکش، این مناد بیان نبرد کار علیه سرمایه، این مبشرین سوسیالیسم و آیند روشن و تابناک بشریت را بجرم دفاع از منافع و آرمانهای والای کارگران به جوخه اقدام سیرد میابیزند آن افکنده است. مهم اکنون تعداد زیاد از کارگران مبارز صنعت نفت، تاسیسات ذوب آهن، صنایع دفاع، جنرال موتورز، ایران ناسیونال و بسیاری از کارخانه های دیگر اقدام شده و یاد رزندگانهای رژیم آسیرند. رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی برای درهم شکستن کشتی بک و دیگر اشکال مبارزات کارگران به حیوانی ترین و فاشیستی ترین شیوه ها متوسل شده است. کارگران مبارز و قهرمان ذوب آهن را بگولمی بندد و کارگران کارخانجات رنو را با سرنیز مسرکوب میکند. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی حتی کار رسوائی را بجائی کشانده است که در طرح قانون کارش با کارگران بنشایبیرد سرمایه دار بر خیزد کرده است. سرمایه ای این رژیم را ارتجاع محض فرا گرفته است. امروز دیگر ماهیت کثیف ضد کارگری و ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی بر اکثریت بسیار عظم کارگران آشکار شده است. و ماهیت رسوائی عدالت اسلامی و حکومت مستضعفین، خصمی این عوام فریب و شارلاتان تاریخ پر همگان آشکار شده است. بیش از چهار سال استکبری و جنایت، دروغ و فریب، فقر و بدبختی کافی بود تا حتی توده های نا آگاه نیز به ماهیت ضد خلقی و ارتجاعی این رژیم بپیرند. دیگر حتی عوام فریبی مزدوران و خود فروختگان سرمایه نظیر حزب توده و اکثریتی های خائن این روسپیان سازش طبقاتی که هر چه خیانت طبقاتی کارگر را بدوش میکشند تماما رنگ باخته است. کارگران بنحویت جز افزونی آگاه میگرددند که سوسیالیسم تنها راه نجات

رژیم ضد بشری را درهم کوبند و هیچ نیروئی قادر نیست، جنبش توفند مطبق کارگر را علیه ظلم و ستم و استثمار سد کند.

نه اعدام، نه زندان و کشتار و ستجمعی کارگران هیچیک قادر نیست در مبارزه آنها خللی ایجاد کند. این حکم تخطی ناپذیر تاریخ، این رسالت دوران ساز کارگران است که برای همیشه جهان را از کثافات و تولیدی های وجود سرمایه داران، همه استثمارگران و نیز روحانیون مفت خروانگ که کاری جز مفت خوردن و ادا نامه زندگانی آنک و ارشان بخرج کارگران و زحمتکشان ندارند پاک کند.

طبقاتی کارگر بدون وقفه و زام رسیدن به سوسیالیسم، برانداختن نظام مبتنی بر ستم و استثمار، محو طبقات و ایجاد نظامی تنی از استثمار و ستم مبارزه میکند. اما امروز رژیم جمهوری اسلامی نفتها بر طبقه کارگر بلکده بود و سوسیالیسم از مردم را در معرض ستم اقتصاد سوسیالی قرار داده است. شرایط زندگی عموم توده های زحمتکش در وضعیت آسف باری است. اختناق، ترور و دیکتاتوری هرمان عموم خلق را از ابتدائی ترین حقوق انسانی خود محروم کرده است. مجموعه این شرایط توده وسیع مردم را به مبارزه علیه رژیم برانگیخته است. بنا بر این طبقه کارگر که در امپریالیسم مبارزه میکند، برای رسیدن به هدف نهائی خود باید در مرحله کنونی انقلاب رهبری عموم خلق را بر عهده گیرد و با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی انقلاب دموکراتیک را بفرجام برساند.

کارگران آگاه به منافع طبقاتی خود، با درک این واقعیت که طبقه کارگر در مبارزه خود علیه سرمایه داران سلاح جز تشکل و ایدئولوژی ندارند باید عموم توده های کارگر را بجز برجم سرخ سا زمان که همانا برجم برافراشته مارکسیسم - لنینیسم است مبارزه طبقه رژیم فراخواند و با ایجاد کمیته های مخفی کارخانه که در شرایط کنونی هدف اصلی آنها بر تپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی است. هر کارخانه را به دستگیر نماید در مبارزه کارگران علیه سرمایه داران تبدیل کنند. آنها باید شعار اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه را بسهماء در میان کارگران تبلیغ کنند.

کارگران ایران در روز اول ماه مه بمنظور نشان دادن همبستگی خود با کارگران سراسر جهان علیه سرمایه داران، بمنظور نشان دادن وحدت و یکپارچگی خود در مبارزه علیه رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران باید همانند تمام کارگران سراسر جهان، در این روز دست از کار بکشند، کارخانه ها را تعطیل کنند و طبقه رژیم ارتجاعی حاکم دست به تظاهرات بزنند. هیچ قهر و زوری از جانب مرتجعین قادر نیست، جلومارش طفر نمون انقلاب ایران و پیشرفت تاریخ را سد کند. رژیم جمهوری اسلامی با قیامی که بهار آورده است، که خود پراکنده است و در زیر بار اده خلل ناپذیر توده ها، تحت رهبری استوار و تنزل ناپذیر طبقه کارگر، بگوسپرده خواهد شد. کارگران در این مبارزه جیسی جز زنجیرهای خود را از دست نخواهند داد، اما در عوض جهانی را بدست خواهند آورد.

زنده یاد همبستگی کارگران سراسر جهان زنده میاد سوسیالیسم، مرکز بر امپریالیسم بهر روزیاد نینسرد کارگران علیه سرمایه داران. سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار بسام جمهوری دموکراتیک خلق

مبارزه ضد امپریالیسم، از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

اخبار کوتاه کارگری

شیراز - کارخانه ایگار :

در پی خودداری رژیم از پرداخت عیدی به کارگران و اختصاص آن به مصارف جنگ ارتجاعی، اعتصابی یکبارچهار کارخانه ایگار در صورت میگرد که مزدوران رژیم در صفا چه متابلبر خاستند و کارگران با گذر اهلولمسی بندند که در نتیجه

تعدادی از کارگران مبارزین مبارات میسند . حرکت اعتراضی کارگران مورد حمایت تودمهای منطقه قرار گرفته وجوشم از همین سبب سیاسی شده است .

هواداران سازمان در شیراز نیز با صدور اعلامیهای ضمن حمایت از این حرکت کارگران ، بطور فعال در جهت گسترده کردن حرکت اعتراضی و مبارزاتی تودمها بر طبقه رژیم تلاش کردند .
در روزی ، متن اعلامیه هواداران پر تلاش سازمان در شیراز صفا درج میگردد .

چشم کارگری



پارس مثال :

کارگران این کارخانه مبارزه برای دریافت حق بهر موری کار را که باید اعتصاب ناموفق آغاز شد مهود بشکل کم کاری و امدادار موسولین را به عقب نشینی واداشتند .

مدیر کارخانه برای مقابله با کم کاری آشکاری که وجود داشت پیشنهادات متعدد به کارگران داد که هیچکدام مورد موافقت قرار نگرفت و اینها چار در مقابل مبارزه و همبستگی کارگران قدم بقدم عقب نشست ، ابتدا مطرح شد که اگر تولید به ۲۰ تن در روز برسد حق بهر موری پرداخت خواهد شد ، سپس پرداخت ۱۵۰۰ تومان بازای ۲۰ تن تولید در روز مطرح شد و این مبلغ بحرور به ۲۰۰۰ تومان بالا خره به ۲۵۰۰ تومان رسید . اما کارگران بطیرغم همدمهای مدیر کم کاری و امدادار موجود حاضر نبودند به همدمهای او اعتماد کنند . بالا خره هفتادوم اسفند ۶۱ مدیر ناچار شد مبلغ ۲۵۰۰ تومان بابت حق بهر موری پرداخت کند . کارگران قبل از دریافت این مبلغ اعلام کردند که این پول براتسما بعنوان حق بهر موری خواهد شد و چنانچه حالت وام داشتند باید از دریافت آن خودداری خواهند کرد . پس از دریافت پول کارگران افزایش تولید را بپذیرفتند و شادی ناشی از این پیروزی باعث شد تولید را تا دو برابر افزایش دهند . کارگران مبارز پارس مثال باید بدانند که اینگونه نفعیاد واقع بخشی از دستمز آنهاست که باید بحقوق پایه افزوده شود . تنها زاینصورت است که هوامل سرما پنخواهند توانست به هنامین مختطف انرا قطع نموده و برای پرداخت آن کارگران را به تولید بیشتر که باعث استثمار و چپاول بیشتر دستمز آنان است وادارند .

گلوه ۳ - عیدی رژیم به کارگران

همشهریان مبارز!

در تاریخ چهارشنبه ۱۸/۱۲/۶۱ پاسداران سرمایه با حمله وحشیانه خود بکارخانه پارچه بافی ایگار کارگران مبارز این کارخانه را مورد تهاجم قرار دادند .

حمله مسلحانه مزدوران رژیم در پی اعتصاب کارگران در رابطه با عدم پرداخت عیدی صورت گرفت که در آن از طرف حاکمیت شیرازی از کارگران خواست شد مهود که عیدی اسال خود را به جیبهای جنگ ارتجاعی اختصاص دهند . کارگران زیر بار این حمل ضد کارگری نرفته و با دادن شمار بطیر رژیم به شورای فرمایشی کارخانه حمله میسوند ، رژیم مستضعفان نیز که مانند همیشه سیاستی جز دفاع از منافع سرمایه داران ندارد بوسیله مزدوران مسلح اش بسروکوبت کارگران میبرد ازند که با مقاومت کارگران روبرو میسود . در این درگیری که حدود ۲ ساعت بطول انجامید پاسداران با شلیک های بی دربی خود سینه های این زحمتکشان را نشان فرقت و چندین نفر را زخمی و تعداد زیادی را نیز دستگیر نمودند . این بیورش بار دیگر نشان داد که پایه و اساس این رژیم بر ترور ، سروکوب و خفقان استوار است و رژیم در زمین کارگران و زحمتکشان هیچگونه یگانه اندارد .

ما ضمن حمایت از کارگران انقلابی از تمامی مردم زحمتکش میخواهیم که با گسترش حرکات اعتراضی خود و با مقاومت در برابر سیاستهای ضد مردمی رژیم زمینراهی بک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه بطیر رژیم و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق فراهم نمایند .

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی بیناسی و قیام مسلحانه برانداخت

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شیراز ۲۰/۱۲/۶۱

ایران فاسیونال :

روز چهارشنبه (۱۲/۱/۶۲) مدبرعامل کارخانه سخنرانی داشت و کارگران در شیفیت (صبح مصر) بالا جبار باید در جلسه شرکت میکردند . عده زیادی از کارگران به تسمه های مختطف از شرکت در جلسه سر باز زدند بطوریکه مدبرعامل در

سخنانش به آنان اعتراض کرد که چرا در ساعت از وقت بیت المال را که صرف سخنرانی شد میسوره تلف نموده اند همانطور که کارگران حدس میزند و طبق روش همیشگی سرمایه داران - سخنرانی در مورد کار و تولید بیشتر بود . مدبرعامل در ادامه صحبتهای خود اعلام کرد که اسال نیز باید به حقوق اضافه بقهد رصفحه ؟

رهبری طبقه کارگر صامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

اول اردیبهشت

بقیه از صفحه ۲۶

دستانشان سلسل، به مقابله با سرکوبگران خلق برخاسته و چگونه بهاد کانی را یکی پس از دیگری خلع سلاح کردند و دستاورد مبارزات خود یعنی تا مقطع سرکوب و آتشگاه توسط رژیم جمهوری اسلامی چگونه صحن دانشگاه را بدرسه انقلاب و تجمع توده ها بدل ساختند. کارگران و دیگر زحمتکشان پس از گذراندن کارگاه فرسای روزانه، طیرقم خستگی ناشی از شقت کار، بدانشگاه می رفتند، اعلامیه ها، نشریات و... سازمانهای انقلابی را با اشتیاق میخواندند در جریان سرکوب و کشتار خلق کرد و ترکمن و سایر جنایات رژیم قرار میگرفتند و میبوند خود را با فرزند آن انقلابی خویش مستحکم میساختند، در بحثهای سیاسی شرکت می جستند و به افشاگریهای سازمانهای انقلابی در مورد واقعیات نظام پیوسیده سرمایه داری و جزوه ماهیت رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی گوش فرامیدادند. دانشجویان انقلابی با تعلیم و ترویج مواضع سازمانهای انقلابی، به توده های متوهمی که پس از سرنگونی رژیم شاه، بدلیل ضعف سازمانهای انقلابی، قدرت رانان آگاهانه به رژیم جمهوری اسلامی سپردند ماهیت ضد مردمی رژیم را افشا میکردند. پایه پای کارگران، شهرهای کارگری برپا میکردند و یاد حفظ و تدوام شهرها

تاکید میورزیدند و بر نقش شهرها در مقابل سرمایه داران تاکید میورزیدند و شاد و شاد تو دهم های زحمتکش به صادره انقلابی اما کن سرمایه داران فراری مبارزت میکردند و در مقابل تهاجم پاسداران سرمایه به توده های تحت ستم، بمقاومت و مبارزه برمی خاستند و ضرورت تشکیل سازمانهای انقلابی را در توده های واقف میگشتند. رژیم کماشاهد در هم شکستن توهم توده ها بود نتوانست چنین وضعی را تحمل کند و بدنبال یک توطئه محاسب شده و از پیش طرح شده، دانشگاه و کلیه موسسات آموزش عالی را بمحاصره کشید و محل تاخت و تاز جماعت داران و قدرتمندان میسازد. این تیدیل نمود. مقاماتهای حماسه آفرین دانشجویان انقلابی را که با دستهای خالی از سنگر خود دفاع میکردند در هم شکست. اینبار گارد شاهنشاهی در قبال پاسداران جمهوری اسلامی وارد عمل می شد و ۱۶ اردیبهشت در ابعاد وسیعتر در اول اردیبهشت ۹ تکرار گردید. گرچه بدنبال این تهاجم گسترده رژیم، دانشگاه بسته شد اما با این واقعیت رژیم جمهوری اسلامی در رویت زد و دشتن توهم توده ها گامی دیگر برداشت و ماهیت جنایتکارانه خود را خود افشا کرد و علاوه بر دانشجویان انقلابی مبارز با بسته شدن دانشگاهها همچنان مبارزه انقلابی خود در میان توده ها و در کتا توده ها در آمیخته دادند و ثابت کردند که آنان در هر کجا که باشند بوظائف انقلابی خویش پاسخ مثبت خواهند داد. شکلیه

کاههای اوین و سپاه جالهای رژیم گواه بارزی بر این امر است. اما در جریان این تهاجم خونین نقش جنایتکارانی چون بنی صدر نیز فراموش ناشدنی است که اعلام ولادت حکمت را جشن گرفت و حتی تیراندازی و کشتار پاسداران جنایتکار رژیم را تیراندازی دانشجویان به یکدیگر اعلام نمود و حال که از قدرت بدور افکنده شده ادعای آزادخواهی را سر داد است. اما توده ها این سازندگان واقعی تاریخ تضاد خود را گردانند و از سوره را آزمودن خطاست.

ایران ناسیونال . . . بقیه از صفحه ۳

خواهد شد و میزان حقوق چون سال گذشته خواهد بود. یکی از کارگران میگفت: "حتماً میخواهند از افزایش تولید حرف بزنند چون هیچوقت صحبتی از افزایش مزد و حق گرفتن و اینکه فلان چیز را شما میدهیم نیست بعد از سخنان مدبر مامل یکی از گوزانندگان جلسه اعلام کرد نمایند همدان هم سخنرانی خواهد کرد تا پایان این جلسه در بهای پارکینگ بسته است و هیچ نیرویی حرکت نخواهد کرد. کارگران صبح کارگساعت کارشان پایان یافته بود و در توجه به تهدید است سخنرانان همگی جلسه را ترک کرده بطرف درب خروجی روان شدند. نگهبان پارکینگ نیز بیچاره در راگشود. کارگران علیه رژیم و اد و فریادهای مسئولین کارخانه را ترک کردند و بدینوسیله نفرشان را از مزد و آن سرمایه داری اعتمادی بحر صهای آنان را به نمایش گذاردند.

دوره . . . بقیه از صفحه ۲۲

موسسات تولیدی تاکید شده است. بهداشت و در میان رایگان، آموزش رایگان، اجرای خواستهای رفاهی و عمومی کارگران از جمله خواست چهل ساعت کار و دو روز تعطیل در هفته. حق و هفتاد آن تحت ستم در مصداق انقلابی اراضی زمینداران بزرگ و لغو کلیه بدهی های آنها بدین قید و شرط خواسته شده است. چه چیز وحشتناک و غیر قابل اجرائی در این برنامه وجود دارد که مجاهدین و حزب و مکررات کبیر خود نام و مکررات انقلابی گذاشته اند از پذیرفتن آن میترسند، اما در عوض برنامه مبتنی صد ررامی پذیرند که برنامه ما برنامه توده های انقلابی ایران برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است. تنها این برنامه قادر است توده های وسیعی را حول خود علیه رژیم مبارز مواد آورد و نه هیچ برنامه دیگری. اجرای این برنامه نیز چند آن دشوار نیست، یک دولت حقیقتاً انقلابی که تحت هژمونی طبقه کارگراست قادر

خواهد بود که طی چند فرمان و مدت نه چند آن دو رفتار این برنامه را بهر حله اجرا آورد. بگذارد از حزب و مکررات هر چه میخواهد بگوید بگذار مجاهدین خلق همچنان در کنار تندی صد ریائی بمانند و از خط و مشی و برنامه انقلابی عدول کنند. بگذارد همه گمانیکند در روزی تا بودی سازمان هستند هر چند وقت یکبار پیروزی خود را جشن بگیرند. بگذارد کلیه کسانی که در روزی را محل سوم هستند و در رویای برقراری حکومتی مرکب از لیبرالها و مکرراتها بسر میبرند با این خیال باطل خود دلخوش کنند، ما با شناخت این حقیقت که در راه بیشتر وجود ندارد با حل مسائل بشیوه ای انقلابی، با حل مسائل با شیوه های یکدیگر ضد انقلابی را محل مسائل بشیوه ای انقلابی را برای پاسخگویی به خواستهای نیازهای توده ها برگزیده ایم. گزینش اینس راه متضمن این امر است که ما در عین مبارزه بجد آنقدر را سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و کلیه نیروهای که در جهت حل مسائل با شیوه های یکدیگر ضد

انقلابی تلاش میکنند در همان حال بپر حمانها بیکدیگر میجاهد بین خلق را نیز افشا کنیم. ماهم چنین برای اینکه توده های هوادار مجاهدین که اکثریت آنها را عناصر صادق و مبارز تشکیل میدهند، نشان دهیم که این رهبران آنها بودند که با ائتلاف و سازش با بورژوازی، راه وحدت یکا نیروهای انقلابی را سد کردند، کلیه اعضا و هواداران سازمان را موظف میکنیم که بر اساس رهنمودهای قطعنامه های کنفرانس بین ملی برنامهم عمل سازمان یا توده های هوادار مجاهدین در رسته های مقاومت و کفایتها، اعتصاب و در هر عمل انقلابی مبارزاتی، دست با اتحاد عمل بزنند، به آنها نشان دهند که بر اساس یک خط و مشی و برنامه انقلابی از جانب ما هیچگونه مانعی بر سر راه اتحاد برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی وجود ندارد. بلکه این رهبران مجاهدین هستند که اتحاد با بورژوازی را بر اتحاد با نیروهای انقلابی کارگری ترجیح دادند.

کمون جاودانه است

پاریس برمی خیزد

یکصد و وازده سال پیش، روز ۱۸ مارس ۱۸۷۱ پاریسیان برقراری کمون را اعلام داشتند. در این روز تجربه تاریخی نظامی زمین بر اساس خلق یکد از خلق یکدکنندگان بوقوع پیوست تا کارگران جهان را به عظمت اراده و اقدام تاریخی و طبقاتی خود آشنا سازد. پاریس و در رأس آن پرولتاریا، اگر چه بصورت خید بخود یو بی هیچ نقش قبلی بیاخته بود و تنها با انگیزه اش خشم و نفرتی بود نسبت به شرایط فقر، بیکاری بود یک مصائب جنگ و محاصره، لیکن از آن رو که پیش از این پرولتاریا همیشه مشاهده کرده بود که سرمایه داران و زمینداران - انقلابیانی را که خونبهای آنها خود و دیگر هم زنجیریان زحمتکش او بر دلخته بودند به سر آهه میکشند و زنجیرهای اسارت را بیشتر و محکمتر بر دست و پای آنها می بندند، هنگامیکه می بینیم دستاویز به جمهوری خیانت کرده و از مقابل ارتش متجاوز پروس با حالت تسلیم به ورسای گریختند و بی درنگ قدرت را در دست گرفت. پرولتاریا با این آگاهی که بدون پاره کردن زنجیرهایی که او را به اسارت سرمایه در آورده است و بدون درهم کوبیدن و خرد کردن همه اربابزاری که این اسارت را بر او تحمیل میکند بنیاد نظم اجتماعی کهن و سلطه مستم را نمی تواند براند آزد، با عزم سرنگونی کامل بورژوازی و رهانیدن کار از یوغ سرمایه بیاخته، انترناسیونال اول بار هیزرانی چون مارکس و انگلس از طریق شعریه فرانسوی خود که در پرگورنده انتریت شرکت کنندگان در کمون پاریس بود این افتخار را ببند کرد که مهربان پرولتاریای جهان را بر درفش ظفر نمون کمون حک کند.

مارکس این در دست گرفتن قدرت توسط پرولتاریا در فصل آخر هیجد هم برورم چنین پیش بینی کرده بود که انقلابات فرانسه بعد از ۱۷۸۹ دیگر مانند انقلابات پیشین دستگاه بورژوازی را از دستی بدست دیگر نخواهد داد، بلکه آنرا مشابه پیش شرط هر انقلاب خلقی در قاره اروپا دادگان خواهد کرد زیرا این انقلابات با توجه به شرایط

اقتصادی فرانسه دارای خصالت پرولتاریائی میباشد.

جامعه فرانسوی انقلاب میبرد

از مهمترین عواملی که جامعه فرانسه را در سال ۱۸۷۰ بسوی انقلاب سوق داد همان شرایطی بود که در نتیجه جنگ فرانسه و پروس به وجود آمد. ۱۹ ژوئیه ۱۸۷۰ با آغاز حملات سوی تایلئون طبعی پروس جنگ خاتمه نسبی به زحمتکشان آلمان و فرانسه تحمیل شد. شعبه انترناسیونال در فرانسه ضمن ترغیب اجتماعی دانستن سیاست جنگ طلبانه پارت کارگران همه کشورهای اروپائی را به اتحاد زیر شعار صلح و کار، آزاد ی و علیه جنگ خاندانهای سلطنتی فراخواند. کارگران آلمانی ندای برادرانه کارگران فرانسوی را پاسخ گفته، بر ضرورت کار مشترک در راه اتحاد کارگران همه کشورهای تاکید کردند.

روز دوم دسامبر ارتش امپراطوری در فرانسه شکست خورد و تایلئون اسیر شد و مفاصله در روز امپراطوری کاغذی از هم فروپاشیده و جمهوری اعلام گردید. بورژوازی فرانسه که در این وضعیت بحرانی به صف جمهوری خواهان خزید میبود توانست دولت دفاع ملی را که بزودی ماهیت خیانت ملی خود را آشکار نمود بر ملت فرانسه تحمیل نماید. ولیلم امپراطور آلمان که در همان آغاز جنگ گفته بود که ممکن است حوادث نظامی او را وادار نماید که از مرزهای فرانسه بگذرد، اکنون علی رغم شکست و اسارت تایلئون، سقوط امپراطوری و تشکیل جمهوری، بدنیال همان "حوادث" نظامی عطیات تهاجمی خود را با هدف تجزیه فرانسه گسترش داد.

کارگران آلمانی اعلام کردند که اکنون با توجه به تشکیل جمهوری فرانسه و خاطر صلح و آزادی هرگز اقدامات ولیلم را نمیتوانند تحمل کنند و حاضر به تجاوز بخاک فرانسه نیستند و خواستار آنند که فوراً با جمهوری فرانسه قرارداد صلح بسته شود. مارکس همصد ابا کارگران آلمان به

جمهوری فرانسه درود می فرستد. اما از آنجا که جمهوری نه بعنوان یک اقدام اجتماعی بلکه صرفاً بعنوان یک اقدام ملی برای دفاع اعلام شده بود از احساس وقوع حوادثی که ممکن است در پیش باشد ابراز نگرانی میکند. او بر بیانیه دوم انترناسیونال در باره جنگ فرانسه و پروس مینویسد این جمهوری در دست حکومتی است مرکب از اوزر لثا کیستهای سرشناس با ضافه جمهوری خواهان طبقه متوسط گهرویی پیشانی برخی از آنها داغ ننگ پاک نشدن حوادث ۱۸۴۸ خوره است برخی از اقدامات اولیه نشان میدهد که آنها از امپراطوری روم (ناپلئون) نه تنها خرابی بلکه وحشت از طبقه کارگر را نیز مشاهده کرده اند

براستی طبقه کارگر فرانسه در آستانه تشکیل جمهوری در وضعیت بسیار دشواری بسر میبرد. در حالی که دشمن بسوی دروازه های پاریس برای محاصره این دژ رزمنده در حرکت است، سپاهیان امپراطوری سابق که بسیاری از آنها کارگران و زحمتکشان میباشند در اسارت لشکریان فاتح پروس میگردند. بیگاری فقر و روشکستگی جامعه فرانسه را داشت از یاد رومی آورد و بسیاری از رهبران جنبش طبقه کارگر در اسارت پروس می ها و یا هنوز در زندانهای امپراطوری ساقط شده به بند کشیده شده اند. در چنین شرایطی دستمای از توطئه گران مرکب از وکلای جاه طلب مجلس قانونگذاری سابق که می بر مرد سیاسی آنها و تروش و ژنرالشان بودند شهر داری پاریس را اشغال کرده در میان هممه و فریاد جمهوری خواهی ملت در حالی که خلق در سرگینجه ناشی از توهمت وطن پرستانه پروسین در حکومت دفاع ملی توسط این توطئه گران تن در داد. همه شمر روندانی که قادر به حمل سلاح بودند بخاطر دفاع از جمهوری و صیمن خود مشتاقانه وارد کار و ملی شدند. در پی نیابتی که میان این شورانگیزی کارگران و زحمتکشان با حکام جدیدی که مارکس بحق آنها را اگر کتان جمهوری می نامد اختلاف بالا میگردد و تضاد میان خلقی کنه خواستار جمهوری اجتماعی است و بورژوازی کنه این جمهوری تها به عنوان پلی جهت بازگرداندن خاندان اوزر لثان می نگرند. بورژوازی که آشکارا زیر تمام وعد مهای داد میدهد از جمله انتخابات کمون میزند از آنجا که وجود کارگران بقیه در صفحه ۶

پیروزیاد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

کمون . . .
بقیه از صفحه ۵

سلح را تهدید مگر باری
برای خود میدانست بعنوان اولین
اقدامات قانونی خواستار خلع
سلح آنها میگردد . تودمهانی در
مقابل بارها مقرر ولت را که در
ساختن شهر آری پاریس قرار
داشت طعمه خشم خویش نمود .
اشغال میکنند اما هر بار کارگران و کمیته
مرکزی گارد ملی بخاطر احترام از جنگ
داخلی در شرایط محاصره پاریس و
اشغال مین از سوی بیگانه قبیح
نشینی نمودند . مارکس نیز در آن
شرایط در این باره مکارگران نباید به
قیام زود برس اقدام کنند هشدار
داد موقت بود که هرگونه تلاش برای
سرنگونی حکومت جدید در جنبش
شرایطی یک عمل دیوانه وار میباشد .
او از کارگران خواست که با
خونسردی و وقایعیت از امکانات
ساخت آزادی ناشی از جمهوری برای
کار سازمان طبقاتی خود استفاده
کنند . زیرا چنین سازمانی نیروی
هر کولی تازه ای برای فرانسه و کوشش
مشترک انترناسیونال یعنی آزادی
کار بوجود خواهد آورد . با اینهمه
وقتی که ولتاریا پاریس ابتکار در
دست گرفتن قدرت را با تشکیل کمون
از خود نشان داد ، مارکس بعنوان
یک معلم انقلابی و یک شرکت کننده
در امر همکاری صمیمانه خود را با
کموناردها داده داد و زیباترین
حماسه ها را در باره قهرمانان پاریس
تاریخی پرولتاریا پاریس سرود .
او در واقع انگیز متود ما را با لا تسراز
تحلیل های روشن فکری قرار داد و
دانستی است که همین تجربه عظیم
کمون بعنوان دستاورد بزرگ توسط
او و همزمش انگلس در تبیین و
تصحیح هر چه بیشتر مانع است
کمونیت بکار گرفته شد .

گفتیم پاریس در سرگیجه ناشی از
اشغال فرانسه توسط بیسمارک به
تشکیل ولت توسط پرولتاریا منتهی
والبته این تنها شرطی بود که برای
دفاع از آن استفاده شود . از سوی
دیگر تیرس و شرکا از همان آغاز
تصمیمی جز تسلیم پاریس نداشتند و
هرامشان از پاریس انقلابی بیش از
بیسمارک بود . بهمین خاطر زمانی
که پاریس بعد از ۷ ماه تحمل رنج
محاصره بسیار تکلیف شد میورد بی
خیانت خود موجب از یاد آمدن آن
شدند . ولتیان بعد از سقوط
پاریس به ورسای گریختند و دستور
تسلیم قلعه ها و استحکامات و اسلحه

بپاد نظام و گارد سیار را بد شمشیر
دادند . اما گارد ملی با ستون فقرات
پرولتاریا پیش اسلحه و تپهای خود
را حفظ کرد و بسیاری از سلاحها و
توپخانه های را که دست خائنین
میباشست بد شمشیر تحویل داد میشد
به مونس مارت و بلویل و سایر مناطق
منتقل کرد . در حالیکه کلیه افراد سپاه
بیاد نظام فرانسه بعنوان اسیران
جنکی محسوب شدند فاتحین هرگز
خیرات نکردند پیروز ماندند وارد
پاریس شوند . یونگرهای ورسای که
برای سراب کردن حس انتقام خود
بگارتون انقلاب یعنی پاریس آمدند
بودند حال مجبور بودند در برابر
همان انقلاب مسلحانه احترامات
نظامی بجای آورند . این سرافرازی
پاریس که همت گارد ملی و خلقی که
بیکار چه در کنار سرها زانش قرار داشت
وحشت تی پروسایر ولت در آن خیزه
دورسای را صد چند آن کرد آنها
مصمم شدند تا پاریس را از این موقعیت
فرور آفرین به زیر آورند و از گسترش
انقلاب بسایر مناطق نیز جلوگیری
کنند . ولت در برابر همه امتیازاتی
که بیسمارک داد تنها این امتیاز را
گرفت که تحت حمایت و تضمین ارتش
اشغالگر طی ۸ روز مجلس ملی تشکیل
شود ، وظیفه این مجلس ظاهر تصمیم
گیری در باره جنگ و صلح و در واقع
مشروعت بخشیدن به تسلیم خفت بار
در برابر ورسای ها و نیز تحکیم حکومت
ورسای و قانونیت دادن به آن بود .
در عمل نیز وقتی مجلس با اصطلاح مکی
در ۱۳ فوریه ۱۸۷۱ در ورسای
تشکیل شد و بخش اعظم اعضای آنرا
سلطنت طلبان تشکیل میدادند
(۵۰ نفر از ۲۵۰ نفر) بعنوان اولین
اقدام داخلی از حکومت قانونی
خلع سلاح پاریس را خواستار شدند .
(برخی اقدامات دیگر این مجلس ،
تهدید بد به خلع پاریس از نایبختی ،
بستن قرارداد خفت بار و تسلیم طلبانه
صلح با ورسای ، تصویب مالیاتی برابر
دوسا تنظیم بر هر نسخه انتشاراتی ،
صدور حکم اقدام علیه بلانکینی و
فلورانس که در راس کارگران حمله کننده
بقصر ولتی قرار داشتند ، منوعیت
روزنامه جمهوری خواه ، انتقال مجلس
به ورسای و تجدید حکومت نظامی و
نیز انتصاب "وی نوا" دسامبر جسی
معروف بعنوان حاکم پاریس ، ولتین
ژاندارم سلطنتی در راس پلیس و
دولد و لایا دین بعنوان سر فرمانده
گارد ملی بود .)

مارکس در بخش یک جنگ داخلی
منویسد : پاریس نمیتوانست در برابر
تجاوز کاران ورسای از خود دفاع کند
مگر آنکه طبقه کارگرش را مسلح نماید و
در سازمانی فعال متشکل سازد و از
طریق خود جنگ آنانرا تعلیم دهد .

اما پاریس مسلح معنایش انقلاب
مسلحانه بود . پیروزی پاریس بر ورسای
متجاوز یعنی پیروزی کارگر فرانسوی
بر سرمایه دار فرانسوی و انگل های
دولتی آن بود . پس تی بخدا انقلاب
میباشست برای خلع سلاح پاریس
بدنبال بهانه مناسبی باشد . اما چه
چیز صخره تر از این بهانه که جنون
سلاحهای گارد ملی اموال دولت است
باید تحویل دولت داده شود .
سلاحهای گارد ملی برای دفاع از
پاریس بیاری مردم تدارک دیده بود
و در قرارداد تسلیم ژانویین بعنوان
اموال خصوصی گارد ملی شناخته شده
بود . کاملاً واضح بود که تی برپا این
ادعای دروغ قصد لشکرکشی پاریس
را داشت . حال پاریس با باقی
سلاحهای خود را بیفرمانده بسرد
فروشان برود و واگذار کند و بعد
که معنی انقلاب است میگرد فرانسوی
تعبیرش قدرت از بنا پارت بحریمان
همانندش بوده است و با معنی
قهرمان فرانسه آماره مجانیازی باشد .
فرانسوی که نجاتش از افلاس و زندگی
در مبارش جزا ز راه درگونی بنیادی
سیاسی واجتماعی امکان نداشت .

اما پاریس طی رفم همزنجوریش در
اشتر محاصره و ماهه ، لحظه ای هم در
دولتی قرار نرفت و مصمم شد تنها
عقاب مقاومت در مقابل توطئه گران
فرانسوی در شرایطی که تسلیم
ورسای که یعنی خیانت تسلیم شدگان
در بالای سرش کار گذاشته بود ،
بجان بخرد . با اینهمه ، صرفاً بخاطر
جلوگیری از جنگ داخلی روشی کاملاً
دفاعی داشت . اما غاصبان قوه
مجریه مجلس در شرایط تیرکز قوای
دشمن پیرامون پاریس از هرگونه تحویک
علیه پاریس کوتاهی نکردند از جمله
"وی نوا" را در راس عده زبانی از
گروههای شهری و هونگ پیاده
نظام شبانه به مونس مارت فرستاد
(۲۱ مارس) تا گارد ملی را غافلگیر
کرد و متوخیانهاش را ضبط نماید . این
توطئه صخره مقاومت در لورانسه
پاریس و همین همکاری بسیاری از
سر بازان بیاد نظام که با خلق همزوری
کردند در هم شکست شد تی بر عقب
نشینی کرد و نیز گوارانه طی بیامی
اجازه داد تا گارد ملی اسلحه را حفظ
کند . در این پیام البته اظهار
امید وار میشد که گارد ملی همراه اسلحه
خود به حکومت خواهد پیوست و طبقه
یاغیان بر خواهد خواست (از سیصد
هزار نفر افراد گارد ملی تنها ۳۰۰ تن
تحت تأثیر مفریبی تی بر قرار گرفتند
و طبقه نافع طبقاتی خود به آن توطئه
- گریختند .)

یک روز بعد روز ۱۸ مارس پاریس
باغزش بقیه از صفحه ۱۵



دوره ۱۰۰۰

بهار صفحه ۱

سال مد اوام است جامعه را در یک بحران عمیق گرفتار کرده است، بیش از پیش ضرورت دوراه حل قطعی را در قبال پاسخگویی به مسائل و معضلات جامعه در دستور کار قرار داده است. یا حل مسائل بشیوه های انقلابی، یا حل مسائل بشیوه های بکسی ضد انقلابی. برای شرایط سیاسی موجود راه حل های بینابینی مطلقاً وجود ندارد.

اکنون پس از گذشت چهار سال تمام از قیام بهمن ماه این واقعت بیش از همیشه محرز شده است که نه توده های مردم و نه طبقات ستمگر و ارتجاعی هیچیک طالب دورام و بقاء چنین اوضاعی نیستند. اوضاعی که مدام نیروهای مولده را به تباهی کشانده است، جامعه را بسوی برسیت قرون وسطایی و توده مردم را به فقر و زندگی نکبت بار سوق داده است.

واقعت امر این است که از مدتها پیش مبارزه طبقات و اقشار انقلابی و ضد انقلابی بچنان مرحله ای از تکامل خود رسیده است که توده های انقلابی بی تنها یک راه در برابرشان قرار دارد: ویران کردن بنیاد های این نظام کهن، در دست گرفتن ابتکار عمل و حل قطعی مسائل بشیوه های انقلابی. ضد انقلاب نیز بخوسی آموخته است که بجز تسلیم شیوه های بکلی ضد انقلابی نه قادر است از عقب و زرفسای بحران اجتماعی موجود بکاهد و نه تضاد هائی را که بنیاد هستی آنها تهدید میکنند مهار کند. این دوران، دوران نسویه حساب قطعی است. این است راز شکست تمام آرزوهای خیالی با فانی که در رویای شفق ثالثی هستند. این است دلیل ورشکستگی مطلق شورای ملی مقاومت و ناکامی قطعی مجاهدین خلق.

امروز دیگر کدام قشر و طبقه حقیقتاً انقلابی میتواند بر این اعتقاد باشد که حکومتی که پای آن بنی صدر و پای دیگر آن رجوی است قادر است به مسائل و خواستهای توده مردم پاسخ گوید. مگر توده های مردم پیش از این واقعت حکومت خمینی - بنی صدر را تجربه نکردند و مگر این توده عظیمی که امروز بادشوار ترین شرایط و عظیم ترین مصائب روبروست چهار سال

تمام در خواب فرورفته بود؟ خیر! توده مردم به تجربه دریاقتند که راه حل های بینابینی و حکومتی که پای آن لیبرالها و پای دیگر آن مکرانها باشد جز ادامه فقر و فلاکت و مصائب اجتماعی برای آنها شره ای نخواهد داشت. اگر ه سال پیش توده های که پس از سالها گرد و دوری از مبارزه آشکار سیاسی بیخاسته بود به یک "ناجی آسمانی" امید بسته بود، امروز دیگر دوران این تصورات واهی نیز سپری شده است. چرا که آنها این "ناجی آسمانی" را در زمین دیدند و تمام جنایات، پلیه ها، ستمگریها و شقاوت های این پاسدهار حکومت الهی را بر روی زمین با تمام وجود خود لمس کردند و آنها طی چهار سال تمام کفاره نا آگاهی و زور باوری خود را نیز پرداختند. امروز کارگران و زحمتکشان ایران خوب میدانند که معنای حکومت خد اوندی بر روی زمین که خمینی بارمغان آورد، چیست؟ آنها نیک میدانند که چگونه با پوشش دین و مذهب دستاوردهای انقلاب و شره قهرمانیهای توده مردم را گرفتند. چگونه سرمایه داران و تمامی مترجمین را که در معرض خشم انقلابی توده ها قرار گرفته بودند دوباره بنام "خدا" و "امام" بر لیک قدرت نشانند. آری! مجموعه این تجربیات توده های مردم بسیار آموخته است و امروز با صراحت میتوان گفت دورانی که طبقات و اقشار جامعه بهره حل های بینابینی امید می بستند سپری شده است. دورانی که توده های عموم خلق چون یک توده بی شکل بد نیال "ناجی آسمانی" میکشند به فرجام رسیده است. دورانی که توده مردم آرزوی نا آگاهی و زور باوری به خمینی نامی اعتماد میکردند به وعده های دروغین این بزرگترین شارلاتان و شیاد تاریخ باور داشتند و رهبری بلا منازع او را می پذیرفتند تمام شده است. طبقات و اقشار جامعه، طبقات و اقشار امروزی جامعه نیستند. اما گویا هنوز برخی سازمانها و گروهها از جمله مجاهدین خلق این حقایق را که حتی توده های عقب مانده نیز بانها پی بردند، درک نکردند. اشتباه امثال مجاهدین در این است که ه سال بعد با جای پای خمینی میکشند بدون توجه باین واقعت که جامعه تغییر کرده است، توده ها تغییر کرده اند، ذهنیت طبقات تغییر کرده است و هیچیک همان نیستند که ه سال پیش بودند. مجاهدین هنوز به این واقعت بسیار ساده که جمهوری اسلامی یکبار برای همیشه مرد

بی نیز نداند، درک نمیکند که اوضاع سیاسی جامعه راه حل های بینابینی حکومت های لیبرال - دمکراتیک را بگور سپرده است. نفهمیده اند که طبقه کارگر ایران با تجاری که طی چهار سال اخیر آموخته است دیگر تبدیل به عقب دار باصطلاح "دمکراسی" مجاهدین نخواهد شد و از همه مهمتر اینکه ما بمتاب نهانندگان آگاه پرولتار - یای انقلابی ایران در برابر هر کسی که بخواهد جنبش را با نحراف بکشاند سرسختانه ایستاده ایم.

اگر حقیقتاً مجاهدین خلق بجای اینکه این همه انرژی صرف میکردند و تلاش مینمودند که با جنجال های تبلیغاتی بر سر آمدن و رفتن یک خلبان و دیپلمات به شورای ملی مقاومت به ضرب سیلی صورت خود را سرخ نکه دارند، یکبار از خود سوال میکردند که چرا توده مردم چندان اعتدای بانها ندارند، دلایل شکست های خود را می فهمیدند و می میبردند که چرا شورای ملی مقاومت باورشکستگی مطلق روبرو شده است و جمهوری اسلامی آنها نیز هنوز متولد نشده، مرد است. حزب دمکرات گروستان نیز که اخیراً فرستنده رادیوسی خود را در دفاع از مجاهدین خلق به تریبون - تبلیغات ضد فدائی تبدیل کرده است، نشان میدهد که یک دریا واقعینهای سیاسی جامعه و سیر تحولات آینده آشنائی ندارد و در چارچوب ذهنی گرائی محلی خود غرق شده است. دفاع حزب دمکرات از مجاهدین خلق حقیقتاً ساده لوحانه است. حزب دمکرات فکر میکند که به بهر چه زدن برای مجاهدین عین ایاز دوستی نسبت به آنهاست. در حالیکه یک چنین سیاستی نه تنها مجاهدین خلق را بیشتر در منجلابی که در آن فرورفته اند غرق خواهد کرد بلکه شکست جنبش را نیز تسریع خواهند نمود. هر کس که امروز مجاهدین خلق را در معرض انتقاد بیرحمانه قرار دهد خود در شکست جنبش نقش خواهد داشت. حزب دمکرات به فدائی توده های مجاهد اشاره میکند، گویا که فدائاری و قهرمانی نیروهای سیاسی انقلابی دیگر دست کمی از آنها دارد. از این گذشته حزب دمکرات نمیداند که قهرمانی و فدائاری توده های مجاهد برای سرنگونی رژیم کافسی نیست، باید دید که از تاکتیکهای آنها چه چیزی عاید جنبش شده است. حزب دمکرات گروستان نمیتواند درک کند که چرا ما میگوییم تاکتیکهای مجاهدین خلق به جنبش ضربه زده است. علتش در اینست که بقیه رصفحه ۸

هر چه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی



حزب د مكرات فكر ميكند كه سراسر ايران گردستان است . در كردستان شكل عمد مبارزه مسلحانه است . در كردستان بايد اشكال گوناگون تاكتيك مسلحانه از جمله ترور را بخدمت گرفت . اينها واقعيتهاي مسلم است . اما كسي كه از اين امر نتيجه بگيرد پس هر كسي كه در سراسر ايران شكل عمد مبارزه را مسلحانه بداند به جنبش خدمت كرده است ، يك جنبش فري الفباي مبارزه سياسي را هم نفهميده است . امروز در مناطق ديگر صواي كردستان كسي به جنبش انقلابي خدمت ميكند كه تاكتيكهاي صحيح سياسي تودهاي تاكتيك عمد ميداند . هسته هاي مخفي مقاومت را در ميان توده ها شكل ميدهد ، كميته هاي مخفي اعصاب را ايجاد ميكند و تاكتيك مسلحانه را امثال بهيك تاكتيك فرعي بكار ميگيرد . آيا تجربه نژاد يك به نژاد و سال گذشتنه نشان نداد كه مجاهدين خلق با عمد و انستين تاكتيك مسلحانه ابتكار عمل را از توده ها گرفتند و جنبش ضربه زدند ؟ كسي كه امروز بر تاكتيكهاي زيانبار مجاهد بين خلق صحميكندارد ، چنين كسي يك زره به جنبش خدمت نكرده است . اما بعد ، مجاهد بين خلق با جريان بني صدر جنايتكار و ضد خلق كه دشمني خود را در عمل به توده هاي مردم سراسر ايران و خلق تحت ستم كرد نشان داد و متحد شدند و سازش كردند . حزب د مكرات كردستان چگونه خود اجازت ميدهد كه در رجنين شرابطسي و قاع از مجاهد بين را يك وظيفه ملي و ميهنی قلمدار كند . حزب د مكرات با بيستين خود به شوراي ملي مقاومت گدام منافع را عايد جنبش انقلابي خلق كرد نموده است ؟ آيا جزاين است كه چند روزي بر عمر موجود محتضري بنام شوراي ملي مقاومت افزود ؟ و با اين كار خود مجاهد بين را بيشترو در مجالين كه در آن فرورفته اند گرفتار كرد ؟ حزب د مكرات كردستان با قاع از مجاهد بين خلق در حقيقت به دفاع از شوراي پر خاسته است . اما واقعيت اينست كه شوراي ملي مقاومت و رشكسته شده است ، مرده است و تنه انامي از آن باقي مانده است كه آقاي رجوي ميخواهد با جنايلهاي تبليغاتي خود اين نام را حفظ كند . از اينرو دفاع از مرده بن قايده است . اگر حزب د مكرات كردستان از خارج از كردستان اطلاعي ندارد ، اين را بايد بداند كه اكثريت عظيم توده هاي مردم كه خواهان سرنوشتي رزيم چنانيتكار خميني هستند براي شوراي ملي مقاومت قائل نميكنند و با اعتماد ندارند . چرا كه در راس ان جنايت داران بنام امثال بني صدر قرار دارند كه در اغ ننگ جنايتهاي خميني بر پيشاني آنها نيز حك شده است .

دو راه . . .

بقيه از صفحه ۷

چرا كه برنامه اين "شورا" همان برنامه خميني بارنگ و لعاب تازه اي است . وضع مجاهد بين نيز بتهتاي بهتر از اين نيست . از يد كا متعدد از كشي از توده هاي مردم مجاهد بين خلق با سازش با جريان بني صدر ، با اتخاذ تاكتيكهاي توطئه گرانه بلانكستي و تروريستي ، بي لياقتي خود را در امر رهبري جنبش در عمل نشان دادند . آنها اين اصل مسلم و بلا ترد بد تاريخ را بكار برد بگريشايات رساندند كه قادر نيستند اقتصاد و سياست را بشيوه خودشان پيش برند . آنها قادر به اتخاذ موضع مستقل و رهبري جنبش نميباشند . اگر آنها تحت رهبري برونلاريا قرار نگيرند لا جرم بايد در سياست و اقتصاد رهبري سرمايه داران را بپذيرند . پس خيال حزب د مكرات صدر رصدا جمع باشد كه تبليغات را ديوي حزب د مكرات كردستان طيه سازمان قادر نيست حتى يك زره در ميان توده مردم نسبت به سياست انقلابي سازمان و سياستهاي سازشكاران را مجاهد بين خلق تود ايجاد كند . اين سياست سازمان مبنائي است كه مضمنا تا سرنوشتي رزيم جمهوري اسلامي و برقراري جمهوري د مكراتيك خلق را ادمخواهد داشت سياست مادر همه عرصه ها قاطع و سازش ناپذير است . همچنانكه مابه مثابه نمايندگان آگاه طبقه كارگر و وظيفه خود ميدانيم كه بيوسته از مبارزه برحق و عا دانه خلق كرد دفاع كنيم و بتودهاي سراسر ايران بي آموزيم كه بدفاع از مبارزه خلق ستمديد و كسر برخيزند . همچنانكه ما قاطعانه از سياست پرولتري حق تعيين سرنوشت براي مليتهاي تحت ستم ايران تا سر حد جدايي و تشكيل دولتهاي مستقل دفاع ميكنيم ، اينها به كارگران ايران آموزش ميدهيم و با آنها ميگوئيم كه با سياست ستمگري ملي رزيم جمهوري اسلامي مبارزه كنيد ، با آنها ميگوئيم ملتي كه بر ملت ديگر ستم كند نمیتواند خود آزاد باشد . همچنانكه رفقا ي ما در كردستان همدوش خلق كرد مبارزه ميكندند و در نبرد هاي حماسه آفرين خود ايمان بيمارزه را در عمل نشان ميدهند . در عرصه هاي ديگر نيز سياست مابهمين اندازه قاطع ، تخطي ناپذير است . ما در هيچ شرايطي بر سر اختلافات اصولي سازش نميكنيم . حزب د مكرات كردستان از اين جهت نيز خيالش جمع باشد . صحبت كه به اينجا رسيد خوب است كه كارگران و زحمتكشان سراسر ايران و نيز خلق تحت ستم كرد و تود بيشمركيان

حزب بد اند كه حزب د مكرات با اين سياست عملا به شعارهاي خود نيز پشت پازره است . حزب د مكرات با شعار د مكراسي براي ايران و خود - مختاري براي كردستان ميدان آمده است ، بسيار خوب ! اين شعارها عالي است ، اما با در عمل نيز با اين شعارهاي اي بند است ؟ خيرا حزب د مكرات كردستان كلفد مكراسي را به سخره گرفته است ، مگر ميشود كسي به جمهوري اسلامي (البته جمهوري اسلامي رجوي) معتقد باشد و در همان حال بعد مكراسي نيز اعتقاد داشته باشد ؟ و يا شايد حزب د مكرات هنوز معنای جمهوري اسلامي را نفهميده است و نميداند جمهوري هنگاميكه اسلامي باشد ديگر تفاوتی ندارد كه خميني در راس آن باشد يا رجوي بوني صدر . چرا كه جمهوري اسلامي بيشر شكل آن اساسا دشمن آزادي و مكراسي است . جمهوري اسلامي از جانب هر كس كه طرح شود ارتجاع محض است . آيا تفاوتی ميان جمهوري اسلامي خميني و رجوي وجود دارد ؟ خير . بيايد يك مقايسه ساده كنيم . در هر دو مورد يعني جمهوري اسلامي خميني و جمهوري اسلامي رجوي حكومت در دست سرمايه داران است . در هر دو مورد از اعمال حاكميت توده ها خبري نيست . از ارگانهاي اقتدار تودهاي چون شوراها و تسليح عومي خلق خبري نيست . البته از حق نبايد گذشت كه در برنامه شوراي ملي مقاومت نيز همانند قانون اساسي جمهوري اسلامي خميني به شوراها نيز اشاره شده است ، اما مشوراهائي كه ارگان اعمال حاكميت تودهاي باشند ، نه شوراهاي كه تودا مبناي هاي اجرائي و مقتضه باشند ، بلكه فقط نقش مشورتی دارند ، يعني زائده دستگناه پرور و كراتيك اند . از اينرو در جمهوري اسلامي رجوي شوراها همانقدر رنگش دارند كه در جمهوري اسلامي خميني . از اين گذشته در هر دو مورد ارتش و دستگا پرور و كراتيك بنیان ماشين دولتي را تشكيل ميدهند ، ارتش و دستگا ها داري آريامهري اكنون به خدمت مقاصد سر كوبرانفوخد خلقی دارود ستمخميني جلا در آمده اند و فردا بايد در خدمت آقاي رجوي - بني صدر قرار گيرند . حزب د مكرات كردستان كه بعد قاع از رجوي شوراي ملي مقاومت پر خاسته است بايد پاسخ دهد كه مگر همين ارتش آريامهري نبود كه در دوران رزيم شاه خلق كرد را سر كوبر كرد ، مگر همين ارتش نبود كه بدستور خميني و بني صدر خلق كرد را سر كوبر كرد مگر همين ارتش ، امروز خلق كرد را سر كوبر نميكنند ؟ آيا با هم فردا در جمهوري اسلامي رجوي اين ارتش بايد بقدر صفحه ۲۱

بررسی اشکال . . .

بقیها: صفحه ۱

بکلیه شرایط موجود در جامعه (بخصوص جواختاقی و سرکوب عربان) ، سوال اینست که چه حرکت مشخصی از سوی پیشاهنگ کمونیستی پیشرو میتواند و میبایستی صورت گیرد و در مقابل این سیر رشد یابند مبارزات کارگران و زحمتکشان چه باید کرد ؟

در مقام جوابگویی به این پرسش ، پیش از هر چیز میبایستی نقطه ضعف هارادراین مبارزات شناخت و سپس به چاره اندیشی برای برطرف کردن آنها همت گماشت . بررسی مبارزات کارگران و زحمتکشان نشان میدهد که ضعف اتحاد و تشکلی و سازماندهی متناسب با شرایط ، بی برنامه و هدفمند نبودن مبارزات و فقدان یا ضعف رهبری انقلابی بر آنها کاملاً شاخص بوده است .

بررسی مبارزات کارگران و زحمتکشان در فاصله یکساله مذکور بخصوص از نقطه نظر وظائف پیشاهنگ کمونیستی پیشرو و توجه جدی بیک ویژگی و مشخصه بارز قریب به اتفاق این مبارزات ، یعنی خود بخودی بودن آنها را اجتناب ناپذیر و ضروری میسازد . در این میان باید گفت که غالب به حالتی انفجاری و ناگهانی و بطور خود انگیزه رخ داد و مانند بیدون در نظرگیری موفقیت یا عدم موفقیت ، یا اصولاً به سطحی بالاتر ارتقا نیافته و یا این مسئله همچنان تابع جریان خود به خودی مبارز بود هاست ، و این مبارزات عمدتاً با ایجاد تشکلی برای هماهنگ کردن مبارزات بعدی منجر نگردیده است . مبارزات کارگران نیز علیرغم وسعت و استمرار بیشتر ، همچون مبارزات زحمتکشان عمدتاً در سطح خواسته های صنفی و اقتصادی باقی ماند و از چارچوب کارخججات منفرد خارج نشد . و این در حالی است که از هئیت اکثریت کارگران و زحمتکشان سیاسی و بر ضد رژیم است . البته یکی از مهمترین علل این امر این است که در شرایط سرکوب ، کارگران مبارزات اقتصادیرا کانال مناسبتر و

کم خطرتری تلقی میکنند . اما بهر حال در کارخججات مشاهده میکنیم که خواسته ها متناسب با توان مبارزاتی تعیین نمیشوند ، حمایت توده کارگران بحد لازم نیست ، زمانبندی و هدف مشخص در مورد حرکتها یا اعتراضی و مبارزاتی بدستی وجود ندارد ، گاه کارگران بدون توجه به نیروی خود بعرصه های از مبارزه وارد میشوند که هنوز آمادگی لازم را برای آن بدست نیامده اند و گاه درحالی که توان لازم برای ارتقاء خواسته ها و اشکال مبارزه را ندارند ، بیکباره با دستیابی به بخشی از خواسته ها عقب می نشینند . اینها همگی ناشی از رها شدن مبارزات بحریان خود بخودی و مرور ال بر خود انگیزگی اکثریت قریب به اتفاق حرکات اعتراضی کلگری است که عمدتاً بهمان گونه یابان یافته اند بدون آنکه متناسب با پتانسیل مبارزاتی کارگران بطور کلی یا حتی پتانسیل همان حرکت مبارزاتی تد او و ارتقا یافته باشند . اما بهر رو در مقابل مبارزات خود بخودی و بی برنامه و طبیعت این طبقه بیشتر جنبه شعری داشته ، مبارزات خود بخودی کارگران منظم تر و مستمر تر بوده است . در گزارشی در زمینه خود انگیزگی مبارزات آمده است : اخراج و دستگیری کارگران مبارزه آگاه و آزهام یا شدن تشکلهای کارگری باعث شد که تشکلی و رهبری در مبارزات کارگران وجود نداشتند . شروع حرکات اکثریت بشکل خود بخودی بود و گاهی حتی شکل شورشی داشته است و ججز در موارد معدودی به ایجاد کانوهای تشکلی برای تصمیم گیری و ادامه حرکت منجر نشد و خود این مسئله سر درگمی و عدم پیگیری آنان کمک کرد هاست . در گزارشی دیگر دربارتحریم اضافه کاری در راه آهن روند خود بخودی و تحریم بخوبی ترسیم شده است : وقتی کارگران میدانند از بیول خبری نیست بدون آنکه کسی یا تشکلی آنها را سازماندهی کند خود بخود در تمامی نقاط روزهای تعطیل سر کار نیامدند . عدم حضور پیشرو کمونیستی علاوه بر آنکه باعث شده مبارزات سازمان نیافته و چنانکه باید ارتقا نیابد ، بلکه همچنین زمینه مناسبی برای نفوذ ایدئولوژی و سیاستهای بورژوازی و خورد بورژوازی فراهم کرده است . جریانهای رفومست اعتماد به رژیم سرمایه در آن و عمال آنان را موعظه کرده و به پهنه های مختلف چون تد اعمی و "میهنی" جلوه دادن جنگ ارتجاعی

افزایش تولید و فعالیت را تبلیغ کرد و میبکند و در غیاب تبلیغ شعارهای انقلابی بر ولتری که باید زمینه ساز مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکشان باشد و جوانان ریسمانسی حرکات پراکنده آنان را متشکل کند و مهم پیوند دهد شعارهای خورد بورژوازی بر رود یوار شهر و به یوار کارخججات نقش می بندد و این تازه در حالی است که نمایندگان سیاسی خورد بورژوازی (مجاهدین خلق) سا زماندهی جنبش کارگری و توده ها ، اکاملاً فرعی تلقی کرده اند . در آن هنگام نیز که ترورهای مجاهدین ابعاد وسیعی داشت ، بحثهای سیاسی کارگران و زحمتکشان تا مدت ها حول این ترورها عملیات در میزد و آنان چون تماشاگران تنها ناظر این صحنه ها بودند . البته واقعیت موجود جامعه که اینگونه تلاشها برای براندازی را بهین بست میکشاند و تجربه عملی مبارزات کارگران بخصوص بتدریج کارگران و زحمتکشان را بعد از کارائی روشهای او اتورستی خرد بورژوازی و خیانتها یر فرمیست (حزب توده ، اکثریت و) آکام ساخته و پیش از پیش آنان را از نقش تماشاچی بودن در آورده و به صحنه مبارزه رویارویی با رژیم کشانده و میکشاند . البته شواهد نشان میدهد که کارگران بنا به خصوص طبقه های خوشتر از همان ابتدا نیز کمتر از اقل متوسط و پایین خورد بورژوازی تحت تاثیر این تاکتیکها قرار گرفته اند . در شرایط کنونی بطور کلی میتوان بد پرش تد رچی ضرورت و اجتناب ناپذیری رسیدن آن آمدن خود کارگران و زحمتکشان را نشانده شد . نسبی آگاهی آنان و بخصوص طبقه کارگر در مبارزه علیه رژیم وینفع منافع طبقاتی خویش دانست که عمدتاً در نتیجه تجربه عملی خود شان بدست آمده است . بعبارت صحیح تر تجربه مبارزاتی به توده ها آموزش میدهد و لیکن بقول لنین اگر همین روند نیز بحال خود رها شود و توسط پیشرو و پیشاهنگ کمونیستی ارتقا نیابد ، اگر بجای ز هنیات و تاکتیکهای انحرافی که در جریان مبارزه نفی میگردد ، خود آگاهی طبقاتی و تاکتیکهای انقلابی ننشینند و جایگزین نگردد ، چه بسا انحرافات دیگری رخ نمایند و زمینه هر زروی هر چه بیشتر توان مبارزاتی کارگران و زحمتکشان و حتی امکان بهره برداری خریاناتی چون اپوزیسیون سلطنت طلب ضد انقلابی تد ر جبار شد یابد و جنبش را با بقیه در صفحه ۱۰

کمیته های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

خطر بزدگتری مواجبه گرداند .

در چنین شرایطی کاملاً واضح است که کمونیستها بدون حضور فعال و سازمان یافته در صحن مبارزه بدون سازماندهی مبارزات و اعتراضات توده‌ها، بدون سازمان دادن - تبلیغات سراسری قادر به ارتقاء خواسته‌ها و مبارزات آنان در جهت اعتصاب عمومی سیاسی و تدارک قیام مسلحانه برای سرنگونی انقلابی رژیم نبودند و نخواهند توانست هر گز ایشات خرد بهورژواقی در سطح جامعه علیه کرده و بر مبارزات پرولتاریا و کل جنبش اعمال رهبری نمایند .

در گزارشات بسیاری از حرکتات کارگری همواره می‌بینیم که صرفاً بخشی از کارگران یا یک قسمت از کارخانه برای تحقق خواسته‌های خویش دست به حرکت زدند، خواهشهایی که مستوانسته می‌شد پستیانی کارگران دیگر کارخانه‌ها یا اهل کارگران قسمتهای دیگر همان کارخانه قرار گیرد ولی کار تبلیغی و تدارکاتی لازم برای شروع حرکت صورت نگرفته در ضمن حرکت اتحاد لازم بین کارگران وجود نداشته است . بعنوان مثال در فروردین ۶۱ کارگران قرقمزیسا برای افزایش پاداش دست به اعتصاب چند ساعته می‌زنند ولیکن چون کار تبلیغی و تدارک لازم در میان کارگران صورت نگرفته فعالیت عوامل رژیم مسئولین ضد انقلابی کارخانه بین کارگران تفرقه می‌اندازد و همین باعث شکستشان می‌گردد . دو ماه بعد در خرداد ماه با درسی آموزی از این تجربه عملی ، اعتصاب کارگران این کارخانه بلند شدن صوت و خاموش شدن همزمان کلیه ماشینها در اعتراض برای نصب کولرها شروع میشود و به بار می‌نشیند . اما آنچه کارگران را پیش از دستیابی به خواست خویش تحت تاثیر قرار میدهد و خوشحال میکند اتحاد و حرکت همزمان و یکپارچه آنانست . ولی آیا بدون ارتقاء این آگاهی‌ها که در جریان عمل بدست می‌آید امکان کسب موفقیت‌های اساسی وجود خواهد داشت ؟ البته اتحاد تنها با گفتن کلمه اتحاد شکل نمی‌گیرد بلکه در جریان و در دسترهای رژیم بدست می‌آید و تحکیم می‌یابد ولیکن میبایستی این اتحاد را از زمینه‌اش منافع طبقاتی مشترک کارگران علیه سرمایه‌داری و خواسته‌ها و اهداف انقلابی مرحله‌ای

پرسی اشکال . . .

بقیة از صفحه ۹

کلیه کارگران و زحمتکشان است تقویت کرد . تلاش پیشا هنگ کمونیستی و پیشرو میبایستی در خدمت :
 ۱- ارتقاء خواسته‌ها . ۲- تکامل و ارتقاء اشکال و مضمون مبارزات کارگران و زحمتکشان . ۳- یافتن مناسبترین اشکال سازماندهی انقلابی برای این مبارزات در راستای تحقق اهداف مرحله‌ای جنبش باشد .

۱- ارتقاء خواسته‌ها - برای اینکه منظورمان را از ارتقاء خواسته‌ها بطرز روشن تری بیان کردیم به سه ذکر چند نمونه می‌پردازیم . مثلاً بررسی ما در فاصله مهر ۶۰ تا مهر ۶۱ نشان داد که مبارزات کارگران عمدتاً حول چهار خواسته در می‌گردد است : ۱- جلوگیری از کاهش دستمزدها و مزایا و مقابله با سختی و شدت کار و جلوگیری از افزایش ساعات کار ، ۲- رد انتخابات فرمایشی ، ۳- مخالفت با مزدوران انجمن اسلامی و ۴- اعتراض بدستگیری و اخراج .

اگر این موارد را بررسی کنیم خواهیم دید که اینده مشخصی سبب طرح هر کدام از این خواسته‌ها شده است . خواست جلوگیری از کاهش دستمزدها . . . و کاهش ساعات کار در حقیقت منتج از این واقعیت است که رژیم جمهوری اسلامی همچون تمامی رژیمهای سرمایه‌داری میخواهد با بحران فزاینده اقتصاد ایران کارگران و زحمتکشان سرشکست سازد و اینکار را جمیع صورت کاهش مجموعه حقوق آنها و افزایش ساعات و شدت کار و وجه از طریق افزایش هزینه‌ها و کمی و قیمت کالاها می‌مورد نیازشان بطور غیر مستقیم صورت میدهد . امروزه کارگران و زحمتکشان و بخصوص کارگران با این واقعیت‌ها را کاملاً درک کرده‌اند و یاد آری زمینه مناسب برای درک این مسئله هستند . از همین رو تلاش بیشتر می‌تواند در جهت کانالیزه کردن این سری خواسته‌ها و ارتقاء آنها به خواسته‌های مشخص تری در این زمینه‌ها قرار گیرد ، خواسته‌هایی که از قدرت بسنجی زیاد برخوردار بوده و هر چه بیشتر جنبه عمومی یابد از جمله این خواسته‌ها و شعارها میتوان از ۱۸ ساعت کار در روز ، ۴۰ ساعت کار و دو روز تعطیل در هفته یا حقوقی متناسب با میزان تورم و رشد

آن و . . . یاد کرد .

رد انتخابات فرمایشی نیز عمدتاً بدین دلیل از سوی کارگران صورت می‌گیرد که آنها در تجربه خویش دیدند که عوامل رژیم با انتخابات فرمایشی ، خود را بعنوان قیام کارگران قلمداد کرده و خواسته‌ها را سر نوشت آنها را تعیین کنند ، جلوی مبارزات آنها را بگیرند و از وارد شدن ضربه بمسیستم ممانعت بعمل آورند . به همین دلیل کارگران خواهان اعمال آزاده خویش هستند و می‌بایند حرکتی مستقل و ارگانی مستقل برای طرح خواسته‌هایشان و مبارزاتشان داشته باشند . این انگیزه و خواسته‌ها کارگران را میبایستی تشویق کرد و تکامل بخشید ، هر کجا که امکان داشت و شرایط بخاطر رشد مبارزات کارگران آجا زمینه‌ها را (وقتها چنین مواردی در شرایط کفونی و هنر و بندرت پیش خواهد آمد) کارگران را میبایستی بهم معرفی نمایند گامی مستقل از میان خود ترغیب نمود و در غیر این صورت (که عمدتاً در شرایط فکلی چنین خواهد بود) تحریم فعال انتخابات فرمایشی را در دست قرار داد و با اساساً انتخاباتی مستقل را بی‌ریخت . در هر حالت محور اصلی حرکت کارگران میبایستی ایجاد شکل‌های مستقل مبارزاتی متناسب با شرایط کفونی و سطح مبارزه در منطقه‌ها یا کارخانه مربوطه باشد .

مخالفت با مزدوران انجمن اسلامی و غیره . نیز علاوه بر انگیزه داشتن ارگانها و تشکل‌های مستقل ، بعلمت نقش سرگوبگرانه و جاسوسی این نهاد های رژیم است . میبایستی با تمام قوا این نهاد ها را افشاء و طرد نمود و تا حد امکان توده کارگران را علیه شان برانگیخت . باید بیوند میان آنها و رژیم جنایتکار را آشکار کرد و توضیح داد که تلاش کارگران میبایستی در جهت انحلال کامل آنها و نه صرفاً خلع ید از این یا آن عامل مزدور آن باشد . تجربه عملی خود کارگران در این زمینه در خدمت این تلاش ما قرار خواهد گرفت .

چنانکه پیشتر گفتیم موج وسیع - اخراج و دستگیری در کارخانه‌جات پس از ۳۰ خرداد سال گذشته گریبان بسیاری از کارگران را گرفت . در شرایط کفونی اخراج و دستگیری بعنوان مهمترین سلاح سرمایه‌داران رژیم حامی آنها بر علیه کارگران عمل میکند . آنها هم بخاطر بحران شدید اقتصادی بقیه در صفحه ۱۲

۴۰ ساعت کار، دو روز تعطیل در هفته حق مسلم کارگران است

نقش قهر...

بقیه از صفحه ۱

کشور آشکارا مخالفت خود را با رژیم بیان داشتند ولی با وجود این خلق مجبوسند بر ای رسیدن به اهداف خود دست بسلاح بردن رژیم را از طریق قهر انقلابی سرنگون کنند. این امر البته علیرغم تمام کوششهایی بود که اروپا و مستعمرات برای جلوگیری از حل قهر آمیز مسئله سرنگونی رژیم شاه بعمل می آوردند. حاکمیت تا زمانی که دستگاه زور خود را در میدان جنگ علیه خلق نیازی نبود و یکبار نتوانست و در جنگ شکست نخورد، حکومت را برهان کرد. سران ارتش و امیرالبحرین تا آخرین لحظه در تلاش بودند که دستگاه زور خود را که عدم کارائی آن در مقابلها خلق بیخواب است، هر روز پیش از روز پیش، آشکارتر میگشت، مجدداً بکارند ازند. واضح بود حاکمیتی که طی سالیان سال خود را برای چنین روزی تارند آن مسلح کرده است، با میل خود قدرت را تسلیم نخواهد کرد. مردم تنها زمانی توانستند حاکمیت را سرنگون کنند که سلاح نقد را به نقد سلاح بدل کردند و با این عمل خود، یکبار دیگر این اصل تاریخی را تأیید کردند که سلاح بزرگ تاریخ تنها از طریق زور و قهر حل میگردد.

هیات حاکمه جمهوری اسلامی خیلی سریع این درس تاریخی را فرا گرفت. بعد از قبضه کردن قدرت، بلافاصله از یکسوفرمان خلق سلاح عمومی را صادر کرد و از سوی دیگر دستگاه زور دیگری را در کنار آنجا رژیم قبلی به وی به ارث رسید و بود سا زمان را در خود را در برابر خلق تا بن دندان مسلح کرد. وی کاملاً به این حقیقت آگاه بود که مطالبات اساسی انقلاب مانند خود مختاری برای خلقها، شوراهای انقلابی، کنترل کارگری تولید، زمین برای دهقانان، آزاد سیاسی، استقلال و... بین خلق و رژیم وی جز از طریق زور قابل حل نمیشد.

حمله مسلحانه رژیم جمهوری اسلامی به خلق کرد، ترکمن صحرا، و... قتل عام وحشیانه سراسری پس از ۳۰ خرداد تاکنون نشان داد که توده ها برای رسیدن به اهداف خود چاره ای ندارند بجز اینکه قهر انقلابی متوسل شوند و در مقابل خشونت ضد انقلابی رژیم، خشونت انقلابی را قرار دهند. رژیم خمینی را از طریق اعمال قهر انقلابی سرنگون سازند.

ساخت بزرگ تاریخی تنها از طریق قهر حل میشود. درستی این اصل تاریخی را نه تنها تجربیات اخیر مبارزه طبقاتی در کشور ما تأیید میکنند، بلکه همچنین مبارزه طبقاتی در سطح جهان و تاریخ طولانی تکامل جوامع بشری نیز بر صحت آن مهر تأیید میگویند و تا زمانی که تمایزات طبقاتی و مبارزه طبقاتی در پهنه گیتی وجود دارد، همچنان بشما به قانون مسلم تاریخ باقی خواهد ماند. بی جهت نیست که مارکس تاریخ تکامل بشری را تنها استقرار کمونیسم در جهان، تاریخ ماقبل بشریت مینامد.

نگاهی اجمالی به صف آرائی طبقات در یک مقیاس جهانی و دولت های حاکم بر کشورهای مختلف، با آشکارا نشان میدهد که چگونه طبقات مختلف برای تجهیز خود تلاش میکنند و در صددند که دستگاه زور خود را هر روز پیش از پیش قوی تر سازند.

از زمانی که جوامع بشری بطبقات مختلف، طبقات غالب و مغلوب، استثمارگر و استثمارشونده تقسیم شد، دستگاه زوری نیز بوجود آمد که از تمایزات طبقاتی فوق حراست کند و آنرا تحکیم و استوار سازد. طبقات مسلط دستگاه زوری را سامان دادند که شرایط حیات و حاکمیت آنها را بر طبقات تحت سلطه حفظ و نگهداری کند. و در مقابل طبقات تحت سلطه نیز چاره ای نداشتند بجز اینکه برای تغییر شرایط حیات خود، دستگاه زور خود را بوجود آورند و بر علیه طبقات مسلط بجنگند. ولی همیشه در تاریخ این طبقات مسلط بودند که جنگ را علیه طبقات تحت سلطه تحمیل و آغاز کرده اند. لنین میگوید: "جنگ همیشه و همه جا بوسیله خودشان، بوسیله استثمارگران، بوسیله طبقات حاکم و ظالم، آغاز گشت است." (ارتش انقلابی، حکومت انقلابی)

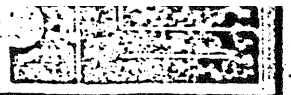
قهر همواره و نقش متضاد در تاریخ داشته است، نقش انقلابی و نقش ضد انقلابی. قهر زمانی نقش ضد انقلابی داشته است که در مقابل حرکت تکاملی تاریخ قرار گرفته و در خدمت حفظ و حراست از نظام کهن و سرکوب نیروهای انقلابی و پیشرو بکار گرفته شده است. در یک مقیاس تاریخی، قهر ضد انقلابی همچنانکه نظامهای کهن و نیروهای ارتجاعی در مقابل چرخش تکاملی تاریخ و وام نیاوردند و نابود شده اند، در زیر چرخهای آن له میشود و از بین میرود.

ولی، برعکس، قهر زمانی نقش انقلابی داشته است که در تناقض با تکامل تاریخ نبوده و حرکت آنرا در آنجهت تسریع کرده است. قهر انقلابی، وسیله ای است برای بازگردن راه تکامل و از بین بردن و درهم شکستن نظام کهن و متحجر، مارکس میگوید: "قهر قابله هر جامعه کهنه است که آهسته آهسته نوینی است و اینکه قهر کارافزایی است که بوسیله آن حرکت اجتماعی راه خود را باز میکند و اشکال سیاسی متحجر و زکا را افتاد و درهم میشکند." قهر انقلابی همواره در مقابلها قهر ضد انقلابی متولد گشته و در خدمت آزادی توده های در بند است. قهر انقلابی همواره برای پاره کردن زنجیرهای زندگی در محکمان برپا می شود و آنها بکار برده میشود و شبهه آخرین وسیله برای راهائی توده ها از بند های متحجر گذشته و کسب آزادی عمل میکند. لنین میگوید: "توده های کماحضر نیست برای آزادی خود سلاح برگیرند و برای آن بجنگند. بهتر است که همان برد و باقی بماند."

انقلاب اساساً عمل قهر آمیز توده هایی است که از بند نظام کهن میگلند و زنجیرهای سالها بر دوشی و بندگی را دریده و علیه تمام اشکال متحجر و بازدارند می شورند. بهمین علت است که مارکس در بسیاری مواقع مفهوم انقلاب و قهر را مترادف با یکدیگر بکار میبرد. کسانی که نمفهمشوم مخالفت با قهر انقلابی را سر میدهند، جغد های ارتجاع هستند که خواهان حفظ نظام کهن میباشند تا در مخروبه های آن لانه های خود را از "گزند" انقلاب حفظ کنند. اما قدمهای سترگ تاریخ فرامیرسد و توده های مسلح تمام مردگان را به مردگان میسپارد.

در طول تاریخ مبارزه طبقاتی و تکامل جوامع بشری، اشکال قهر انقلابی همچنان که اشکال قهر ضد انقلابی متفاوت بوده است، با یکدیگر فرقی نداشته اند. نوع قهر اساساً ساریشده در شیوه تولید داشته و با تغییر شیوه تولید همیشه شرط های مادی آن، اشکال قهر نیز تغییر میکند و معیاری هام تر با تغییر هر صورت بندی اقتصادی - اجتماعی، اشکال قهر نیز تغییر میکند. انواع قهر به نوع تولید، ساخت طبقاتی جامعه، صف بندی نیروهای اجتماعی و وضعیت عینی مبارزه طبقاتی و نیز به نوع تملیحات، رشد تکنولوژی و وضعیت طبیعی وابسته است. اما تملیحات و ترکیب بقیه از صفحه ۱۲

رژیم جمهوری اسلامی را باید بایک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت



تفرات سازمان
سدهی، تاکتیک و استراتژی پیش از
هر چیزی به مرحله تکامل تولید و وضعیت
هنی مبارزه طبقاتی در یک جامعه
وابسته میباشد.

بقیه از صفحه ۱۱

بنابه نقش و جایگاهشان در سازمان
اجتماعی کار به نوع جدیدی از قهر
متوسل میشوند. اگر در دوران ماقبل
سرمایه داری، تقسیم نازل اجتماعی
کار، وجود اقتصاد معیشتی، خود
کفائی نسبی روستاها با تولید اتسی
نسبتاً همگون، عدم سلطه کامل و همه
جانبه قدرت سیاسی مرکزی و غیره جنگ
سلحانه طولانی مدت را ایجاد
میکرد، در نظام سرمایه داری بارش
تولید کالا بی سرمایه داری و اجتماعی
شدن روز افزون کار، کل جامعه به یک
واحد ارگانیک تبدیل میشود که تمام
رشته ها و بخشها در عین استقلال
نسبی بنحوی ساقطی به یکدیگر
وابسته شده و در ارتباط تنگاتنگ با
یکدیگر قرار میگیرند. از این پس،
سرنوشت سیاسی جامعه نه در
روستاها و بلکه در شهرها که متحرکترین
و آگاهترین اقشار طبقات نوبین
پرولتاریای صنعتی و بورژوازی صنعتی
راد رخورد جای داده است، رقم
میخورد. از این نقطه منظر دیگر روستا
در وجه عام و نهائی تابع سیاستها و
سازرات شهر میشود.

شکل اصلی قهر در جوامع سرمایه
داری قیام است، اما عوامل مختلف
میتوانند هم شکل بروز قهر به قیام را
تحت تاثیر قرار دهند و هم اینکه
اشکال دیگری از قهر (مثلا مبارزه
سلحانه طولانی مدت) را در کنار و
یا حول آن ضروری سازند. از جمله این
عوامل میتوان مرحله تکامل جامعه،
شکل انکشاف سرمایه داری در روستا
ها و مرحله آن و در این رابطه ترکیب
طبقاتی دهقانان، قشر بندی و
گسترده گی آن، مساله سلطه
امپریالیستی و شکل و خالت قدرت
امپریالیستی، مساله ملی و غیره را
برشمرد.

وجود این نوع عوامل میتواند اثرات
بزرگی در چگونگی بروز قهر داشته
باشند، شکل، مدت و چگونگی مرحله
تدارک قیام و قیام را تحت تاثیر قرار
دهند و یا اشکال متنوع دیگری از قهر
را نیز الزامی گردانند. تجربه های
مبارزات جهانی در جوامع سرمایه
داری و نیز تجربه انقلاب ایران نشان

دارد و است که قیام به مثابه شکل اصلی
قهر عمل میکند. در عین حال تحت
شرایط مشخص، اشکال دیگری از قهر
نیز از طرف انقلابیون بکار گرفته شده
است. در حقیقت بقول کنین:
"مارکسیسم متنوعترین اشکال مبارزه
را می پذیرد. مارکسیسم این اشکال
را اختراع نمیکند، بلکه اشکال
مبارزاتی طبقات انقلابی که توسط
خود آنها در جریان جنبش بوجود
می آید، بیانی آگاهانه می بخشد، آن
را تعمیم میدهد و سازماندهی
مینماید" این اولاً و ثانیاً، مارکسیسم
مطلقاً یک بررسی تاریخی در باره
اشکال مبارزه را می طلبد. برخورد
به این مسئله جد از بررسی شرایط
مشخص تاریخی نشان دهنده عدم
درک مفاهیم ابتدائی ماتریالیسم
دیالکتیکی است (جنگ چریکی).

بر مبنای یک بررسی تاریخی از
ساخت اقتصاد اجتماعی جامعه
مرحله تکامل آن، شناخت از اشکال
مبارزاتی طبقات انقلابی که توسط
خود آنها در جریان جنبش بوجود
می آید و نیز شناخت از عوامل
متعددی که چگونگی مبارزه (و در
اینجا چگونگی قهر) تاثیر میگذارد
است که میتوان شکل و چگونگی اعمال
قهر را تشخیص داد. بعنوان مثال
در جوامع در حال گذار مانند جوامع
نیمه فئودال و نیمه مستعمره، بر مبنای
ساخت اقتصاد و ترکیب طبقاتی
جامعه، هر دو شکل قهر بکار گرفته
میشود، یعنی هم قیام و هم مبارزه
سلحانه طولانی مدت. ولی در این
نوع جوامع که تولید عمدتاً فئودالی
است و اکثریت جمعیت در روستاها
تمرکز هستند، مبارزه سلحانه
طولانی مدت نقش کلیدی و اصلی را به
عهد میگیرد. البته باید اضافه کرد
که مسئله گری هر انقلابی در این
دوران بویژه بعد از پایان گرفتن
رسالت تاریخی بورژوازی، مسئله
چگونگی اتحاد کارگران و دهقانان،
مسئله هماهنگی و رهبری مبارزات آنها
توسط سازمان پیشاهنگ پرولتاری
است. حزب کمونیست چین بعد از
شکست قیام در سال ۱۹۲۷ در شهرها
بطلنوم این اتحاد و هماهنگی مبارزات
انقلابی کارگران و دهقانان پی برد و به
روستاها رفت تا بین مبارزات انقلابی
دهقانان و کارگران هماهنگی ایجاد
کند و اتحاد آنها را در عمل تحکیم
بخشد و تحت رهبری پیشاهنگ
پرولتاری انقلاب را در جهت پیروزی
راه نمائی کند.

همانگونه که قبلاً ذکر شد، شکل
اعمال قهر انقلابی در جوامع سرمایه
داری، بنا به خصلت شیوه تولیدی
در وجه عام

شکل قهر در جامعه ای که اکثریت
جمعیت آن بشکار مشغولند با جامعه
ای که جمعیت آنرا عمدتاً دهقانان
تشکیل میدهند، فرق میکند. شکارچی
ها به علت تحرک در شیوه زندگی
قادرند از تاکتیک شیخون، پایه
مبارزات دیگر از حملات ناگهانی و
اختفا استفاده میکنند و از ابزار تولید
شان - یعنی سلاح - در جنگ
بهر بهره و متحمل هزینه های اضافی
نمیشوند و غیره. ولی دهقانان قادر
نمیشوند محل زندگی خود را ترک کنند،
بلکه باید در محل زندگی خود باقی
مانند و از آن دفاع کنند. ترک محل
زندگی تقریباً معنی مرگ از گرسنگی
خواهد بود. چرا که آنها قادر نخواهند
بود قوت خود را در جایی غیر از محل
زندگی خود تهیه کنند. بنابراین تا
زمانیکه قادر نگشتند در یک روز
زوتی نظامی بر دشمن فائق آیند،
نمیتوانند طناً و آشکارا دشمن را به
پیکار بطلبند. به همین جهت است
که در جوامع فئودالی، از انجائی که
قدرت سیاسی نیز به علت عقب افتاری
تولید و تکنولوژی بطور معمول قادر
نیست سلطه خود را بطور همه جانبه
در سراسر کشور اعمال کند، دهقانان
از این فرصت استفاده کرده و در مناطقی
که قدرت مرکزی ضعیف است و یا
اساساً قدرتی ندارند و یا قادر نیست
قوای ملکی به آنجا گسیل دارد، شورش
میکند و قدرت را بدست میگیرند.
سیس یا همکاری و ارتباط با دهقانان
سایر مناطق سعی میکنند در ججا،
طی یک نبرد طولانی مدت قدرت
مرکزی را تضعیف کرده و بتدریج کسه
تناسب نیروها به نفع آنها به هم
میخورد، در یک جنگ تمام عیار قدرت
مرکزی را سرنگون کنند. این تاکتیک را
جنگ سلحانه طولانی مدت مینامند.

با تولد و تسلط شیوه تولید سرمایه
داری، بوجود آمدن شهرها و بدل
شدن آنها به مراکز تعیین سرنوشت
سیاسی جامعه، همچنانکه نوع قهر
ضد انقلابی جدیدی متولد میگردد،
نوع قهر انقلابی نوینی نیز بوجود
می آید. این نوع جدید قهر انقلابی
قیام سلحانه توده ای است که در
زمانیکه توده ها را اشتیاق انقلاب
فرا گرفته و دشمن در ضعیفترین حالت
خود قرار دارد بکار گرفته میشود.
با فروپاشی نظامات ماقبل
سرمایه داری و رشد و گسترش شیوه
تولید سرمایه داری، طبقاتی پایه
معرضه زندگی اجتماعی میگذارد که

مبارزات

بقیه از صفحه ۱

خود یکبار دیگر نشانه‌هایی از رسالت تاریخی خویش را در مبارزه با سرمایه‌داران و رژیم حامی آنها، بضمیمه ظهور رسانند. حرکات اعتراضی بالنسبه گسترده کارگران در راه گذشته پدیده‌های ناگهانی نبود، کار سنگین و طاقت فرسای روزانه، شرایط دشوار زندگی، فشارهای اقتصادی سیاسی و فرهنگی، فقر روزافزون، گسستن بحران اقتصاد که بیشترین بار آن بر دوش کارگران سرشکن شده است، مالیات‌های گوناگون که عمدتاً بصورت غیر مستقیم هستی کارگران را بلعیده است و بالاخره اخراجات جمعی و ... زمینه‌های عینی بروز حرکات اعتراضی را علیرغم جو سرکوب و خفقان حاکم پدید آورده است.

طبقه کارگرایان، این نیروی پیشتاز جامعه که به اعتبار اعتصابات گسترده و بنیادین خویش، شیرازه اقتصاد رژیم پیشین را درهم ریخت و بیش از دیگر طبقات و اقشار اجتماعی در انهدام آن نقش آفرید و وجهه در جریان قیام وجهه تامدنی پس از آن با تشکیل، حفظ و تدوین شوراهای ساپراگانهای اعمال اراده توده‌ای به قیام سرمایه‌داران را توصیف کرد. پرداخت، همواره بیش از دیگر اقشار مورد کینه و ستیم رژیم جمهوری اسلامی قرار داشته است. رژیم تا بد اینجا به مبارزه کارگران نیاز داشت تا رژیم گذشته شست‌شوگون گردد اما از آن پس وحشیانه رژیم از این نیروی بالنده تاریخ آشکار گشت چرا که کینه طبقه‌ای پرولتاریا را نسبت به سرمایه‌داران دریاخته بود. از همین رو پورش همه‌جانبه علیه پرولتاریای پیشتاز و شوراهای کارگری آغاز شد و دستگیریه‌ها و اخراجات‌هایی آمد آن بود.

پورش همه‌جانبه رژیم پس از ۳۰ خرداد در تمامی احاد جامعه و بویژه دستگیری، اعدام و اخراج کارگران پیشرو و آگاه موجب افت نسبی مبارزات کارگران و دیگر تشار خلق گردید اما از آنجا که زمینه‌های مادی مبارزات توده‌ها یا پر جا بود. عقب نشینی موقت کارگران و دیگر زحمتکشان برای تدارک خیزش بعدی بود. اینک باید دیگر شاهد آنیم که اعتراضات کارگری روندی آوج یافته می‌یابد کارگران در شرایطی مبارزه

انقلابی میبرد ازند که تجارب گرانپهائی از قیام بهمن را بدوش میکشند. مبارزات کارگران در شرایطی بوجود می‌آید که رژیم در کلیه سطوح جامعه حکومت نظامی اعلام نشده‌ای را برقرار کرده و در کلیه کارخانجات آرگانهای سرکوب رژیم چون انجمنهای اسلامی، بنایب جاسوسان، بورژوازی به شدت محیط‌های کارگری را تحت کنترل پلیسی قرار داده‌اند. هر چند رژیم با اخراجات‌های دسته‌جمعی کارگران قدیمی و دستگیری و اعدام کارگران پیشرو و سازمانهای انقلابی مدافع طبقه کارگری کرد تا هرگونه زمینه شکل و سازماندهی را از میان برداشته و هرگونه حرکت اعتراضی دسته‌جمعی را در نطفه خفه سازد، اما طی سال گذشته ما شاهد رشد روزافزون مبارزات و اعتراضات کارگری بودیم. بعلاوه این اعتراضات چه از نظر کمی و کیفی و چه از لحاظ اشکال مبارزاتی از تکامل نسبی برخوردار بوده است.

(نسبت به سال قبل) اگر پس از ۳ خرداد و چند ماه بعد از آن شکل عمده حرکات تشبیه طومار و مراجعه به وزارت کار و یا کم بوده است اما در چند ماه اخیر و بالاخص در اسفند ماه ما شاهد اعتصابات متعدد بوده ایم. طبقه تلاش رفرمیست‌ها این خادمان و متحدین بورژوازی حاکم یعنی حزب توده و اکثریت کارگران را با اشکال سرفاقانونی مبارزه دعوت میکردند و تشبیه طومار و گدائی از سرمایه‌داران را توصیه مینمودند، کارگران با انتخاب اشکال انقلابی مبارزه مشت محکمی بر دهان این دشمنان طبقاتی خود زدند.

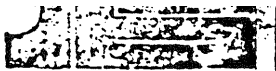
در بهمن ماه در کارخانه ماشین سازی پارس کارگران در اعتراض به اخراجات، مدیریت کارخانه را از کارخانه اخراج کردند و بعد از ۱۰ روز دست از کار کشیدند. اسفند ماه در کارخانه شیشه قزوین بدنبال خواست بحق کارگران مبنی بر پرداخت عیدی و پاداش، اعتصاب آغاز شد و وقتی بدستور کارفرمایان از کارگران قدیمی را دستگیر کردند اعتصاب تند اوم یافت و خواست آزادی کارگران فوق به خواست قبلی اضافه شد. در شیراز کارگران نساجی ایگار و بریجستون وزیمین ریسی که لا در اعتراضی باینکه دولت عیدی کارگران را بحساب جنگ گذارده است دست از کار کشیدند و پاسداران سرمایه‌ها تمام جم و وحشیانه خرد و نفر از کارگران ایگار را زخمی کرده و ۱ نفر از کارگران بریجستون را

بشهادت رساندند. اعتصابات در جنرال موتورز، صنایع دفاع (بخش مهابت سازی)، شرکت واحد، پارس متال در تهران، ایران موکت در قزوین و ذوب آهن و نساجی های اصفهان، کارخانجات آرد کرج و ... حاکی از آنست که طبقه کارگر جهت احقاق حقوق خویش بیجا خاسته است. (لازم بتوضیح است که در اسفند ماه ۶۰ نیز جنبش اعتراضاتی در مورد سود ویژه وعیدی یادش جریان داشت. اما این اعتراضات در اسفند ۶۱ به مراتب بیشتر و از لحاظ شکل بروز متکاملتر بوده است. هر چند حرکات فوق در بزرگی باید یکپارچه نبوده و هر یک جداگانه صورت گرفته است و در آن موارد با تهاجم سرکوبگران رژیم تمام بوده است اما بدنبال همین حرکات و اعتراضات بود که رژیم جمهوری اسلامی ناچار به عقب نشینی شد و وعیدی کارگران را پرداخت نمود. این عقب نشینی از سوی رژیم در پانزدهم اسفند در رابطه با قانون کار ارتجاعی و بدنبال اعتراضات گسترده کارگران صورت گرفت. در مبارزات اخیر کارگران جاسوسان انجمن اسلامی علیرغم تلاششان موفق نشدند مانع پدید آورند. چرا که کارگران در تمامی کارخانجات این مزدوران را شدت سائی کرده و در جریان تصمیم گیری با رعایت پنهان سازی را مینمودند تا مانع اخلال این مزدوران شوند.

حرکات اخیر جنبش کارگری نشان داد که حتی اگر پیروزی چشمگیری و بلاواسطه‌ای بدست نیاید از یک سو گولباری از تجربه نصیب کارگران خواهد نمود و آگاهی سیاسی کارگران را ارتقاء خواهد داد و از سوی دیگر رژیم حامی سرمایه‌داران را بعقب نشینی وادار خواهد ساخت. بعلاوه هر حرکتی که از سوی کارگران صورت میگردد علاوه بر تاثیراتی که در کل جنبش کارگری پدید می‌آورد و تجاربی را به سایر کارگران منتقل میسازد، بر جوعه‌های جامعه و روحیه مقاومت و مبارزه دیگر اقشار خلق تاثیرات شگرفی خواهد داشت.

طبیعی است که این مهم بخودی خود صورت نمیکرد بلکه از طریق رساندن اخبار مبارزات کارگران به گوش توده‌ها میسر است. همچنین این تاثیرات در شکل ابتدائی خود صیق و همه‌جانبه نیست یعنی هنوز قادر نیست اقشار دیگر خلق را بزرگ پرچم پرولتاریا گرد آورد و انسان را بدفاع از مبارزات کارگران برانگیزد. هر چند از جنبه معنوی حمایت انسان را پدید می‌آورد. بقیه در صفحه ۱۴

پیش‌پسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



جراکه دیگر افسار خلق در مقابل خود نیروی را میبندد که با شکل مختلف، با دشمن مشترکشان در ستیز است، اما از آنجا که هنوز اشکال مبارزه کارگران و خواستهای ارائه شده از سوی آنان ارتقاء لازم را نیافته است و عمدتاً خواستههای صنفی و بعضاً سیاسی است و در پیوند با سوسیال دموکراسی قرار ندارد و - شکل و انسجام لازم را نیافته است و جنبه بسیج کننده عموم خلق را فاقد است، نمیتوان انتظار داشت که خود ماه به گرد پرچم پرولتاریا متحد شوند. پرولتاریا نقش هرزموئیک خود را ایفا نماید. همین ضعف موجب گردید تا طبقه کارگر در جریان قیام علیه نقش که در سرنگونی رژیم شاه داشت نتوانست نقش رهبری در جنبش را ایفا نماید و قدرت سیاسی را به پرولتاریا تفویض کرد و پرولتاریا به زانده دیگر طبقات بدل گردید.

هم اکنون ما شاهد آنیم که اعتصابات متعدد در مراکز صنعتی روی میدهند اما حتی خواستههای اقتصادی یابد لیل نبود تشکیلات نمیتواند سراسری گردد. گرچه هر یک از اعتصابات بر آکنده از آنجا که کارگران را در مقابل مستقیم با سرکوبگران رژیم قرار میدهند به سرعت سیاسی میشود اما تجربه قیام نشان داد که سیاسی بودن خواسته کارگران به تنهایی کافی نیست اما شک نیست که کلیه اشکال جنبش خود بخوردی اعم از صنفی یا سیاسی، زمینه مناسبی جهت کسب آگاهی سوسیالیستی است و شرکت فعال پیشرو کارگری در هر حرکت اعتراضی یک ضرورت مبرم است.

جنبش خود بخودی کارگری بدون پیوند با اعتراضات پرولتاری و قشر پیشرو کارگران بدون پیوند تنگاتنگ با سازمان سیاسی طبقه کارگر قرار نیست از محدود و تنگ موجود فراتر رود. و سرانجام نیز جنبشها یکی به زانده دیگر افسار و طبقات تبدیل میگردد. سوسیالیسم علمی یعنی طم رهایی پرولتاریا از طریق همین هنام پیشرو که از یکسو با کارگران مربوطند و از سوی دیگر با سازمان سیاسی طبقه کارگر در ارتباط قرار دارند بدون طبقه کارگر برده میشود.

هنگامیکه صحبت از جنبش خود بخودی و پیوند آن با آگاهی سوسیالیستی میشود باین مفهوم نیست که اگر تحت شرایط جنبش خود بخودی وجود ندارد کمونیستها باید منتظر بمانند تا جنبش جنبشهای پدید آید، بلکه کمونیستها همواره در هر شرایطی اعم از دوران رکود یا دوران انقلابی و جد رشتراپست ضرکوبهای خشن و یا دموکراسی های

مبارزات

بقیه از صفحه ۱۳

نیم بند و پرولتاریائی بهر حال وظیفه دارند پیوند خود را با طبقه کارگر برقرار کرده و مبارزه طبقاتی پرولتاریا را سازمان دهند. تنها شرایط متفاوت تاکتیکیهای متفاوت را طلب میکند و وظیفه همواره بقوت خود باقی است.

طبقه کارگر ایران هر چند هم اکنون با اشکال مختلف به مبارزه انقلابی روی آورده است و اعتصابات خود بخودی و خیزشهای نوین اما بر آکنده هر چند افزایش یافته است اما طبقه کارگر هنوز تا مرحله رسیدن به اعتصابات سیاسی همگانی و سرانجام قیام مسلحانه فاصله دارد. طبقه کارگر هنوز به رسالت تاریخی خود در امر رهبری انقلاب واقف نیست شک نیست که بخش عظیمی از کارگران رابطه استثمار و بهره کشی از نیروی خود را از سوی سرمایه داران روزیم حامی آنها لمس میکنند چرا که در تجربه روزمره مخوفی مشاهده میکنند که هرگونه اعتراضی نسبتاً از سوی سرمایه داران و اعمال آنها که از سوی سرمایه داران سرکوب و دیگر ارگانهای سرکوب رژیم با گلوله پاسخ داد میشود و طبیعتاً است که حمایت از سرمایه داران از سوی رژیم با گولشت و پوست خود حس کنند اما مسئله اساسی اینست که بدلیل نداشتن آگاهی طبقاتی نفی شرایط موجود را هنوز قدرت با آزران توانمند خود نمی بینند. باید طبقه کارگر از یک طبقه در خود بیگانه طبقه برای خود بدل شود و رسالت تاریخی خود را در امر رهبری کل جنبش با ثبات رساند، و این نیز وظیفه پیشاهنگان طبقه است که با شرکت فعال در هرگونه حرکت اعتراضی سازماندهی کمیتههای مخفی اعتصاب راه پیش ببرند. هسته های سرخ کارخانه که نقش رابط بین کارگران و سازمان سیاسی طبقه کارگر را به عهده دارند موظفند در جریان مبارزه بهترین و صادق ترین کارگران را در این کمیته ها سازمان دهند. همچنین با کار مستقیم بر روی آندسته از کارگران که زمینه مستعدتری برای آموزش سوسیالیستی دارند، کمیتههای صادق و اعضای آتی حزب را پرورش دهند این آموزش در پیوند با حرکت انقلابی و مبارزاتی است. عبارت دیگر شهری در محک تجارب عملی برای و کارائی خود را بمنصه ظهور میسازند. سازمان پیشاهنگ طبقه کارگر از طریق کمیته های مخفی اعتصاب بقادر است مبارزات کارگران را در یک پیوند

تنگاتنگ قرار دهد و جنبه همگانی و سراسری بد آن بخشد. همچنین جنبش کارگری در تداوم تشکلی و سازماندهی خود با طرح خواستههای عموم خلق و محدود نکردن مبارزات خود در درون کارخانه قادر است کلیه افسار خلق را در مرحله کنونی انقلاب تحت رهبری خود در آورد و رهبری عملی خود را بر جنبش اعمال نماید.

کمون

بقیه از صفحه ۲۵

تبلیغات و افشاگری و جنگ سیاسی علیه دشمن نشانه کم توجهی کمون به این موضوع بود. لنین زمینهای خطاهای پرولتاریا را چنین توضیح میدهد: یک انقلاب پرولتاریا اجامای مستلزم و پیش شرط میباشد (۱) - تکامل نیروهای مولده (صحنی) (۲) - آمار کسبی پرولتاریا (ذهنی) و این هر دو در فرانسه امروز رخداد لازم بلوغ نیافته بود. از این گذشته چیزی که از همه بیشتر کمون فاقد آن بود فرصت لازم برای تامل در باره کارها و پرداختن به تحقق برنامه ها پیش بود همچنین کمون در یک روشنی از وظایف در یکتاتوری و ماراتیک نداشت و صرف آنکه قدرت را در دست گرفت درین برقراری در یکتاتوری سوسیالیستی بود. لنین این خطای کمون را مورد توجه قرار میدهد و تاکید میکند که کمون میبایست با توجه به شرایط فرانسه (کشور خرد پرولتاریاها) قبل از هر چیز برنامه (حد اقل) پرولتاریا را انجام دهد. در اینصورت کامهای اصولی و صورتهای اراد رجعت تحکیم موصیبت خویش بر آورد.

با اینهمه کمون پاریس علیه غم اشتباهاتش که اشتباهات تاریخی پرولتاریا بود بحق شکوهمندترین نمونه بزرگترین جنبش پرولتاریائی قرن نوزدهم را ارائه داد و به نقطه عطف پس آموزنده ای برای جنبش پرولتاریائی تبدیل شد. پس پیروده نیست که ما رکن برای اهمیت تاریخی کمون ارزش والا نمی قائل بود. او - آخرین سطور جنگ داخلی را چنین بی پایان می آورد:

پاریس کارگر با کمونش بعنوان پیشتان را افتخار جامعه نوجا و بعد خواهد ماند. شهیدان آن در طلب بزرگ طبقه کارگر جای خواهند داشت قاتلان آنرا تاریخ از هم اکنون چنان به چارمخ کشیده است که تمام داهای کشیشان نشان هم قادر به نجاتشان نیست. زندمیان کمون.

رغد آسای زند مبارکسون
از خواب برخاست . قیام افتخار
آفرین ۱۸ مارس تسلط کارگران بر
پاریس قلب انقلاب فرانسه برقرار
گردد . طبقاتی کسرها به داری داع
لمنت بر پیشانی زب بود بیکار و
وزند کی علیه نهایی فقر و درگی را آغاز
نمود . کمیته مرکزی کار ملی ، این
ستاد فرماندهی پرولتاریا وقتا در
امور را درست گرفت و در اولین پیشه
خود چنین گفت : پرولتاریا پاریس
در میان ضعف و خیاانت های طبقه حاکمه
در ریافتند که ساعت عمل برای نجات
اوضاع از راه دست گرفتن امور کشور
فرار سیده است . پرولتاریا پی برد
است که حق مطلق و وظیفه فوری
اوست کسر نوشتش را بدست گیرد و
از راه قیض کردن قدرت اثر امپروزی
رساند . اما بقول مارکس پرولتاریا
تعیوانست فقط به تصاحب ماشین
دولتی از پیش آماده اکتفا نماید . او
باید نقشه افغان کردن چنین ماشین
را داشته باشد . ماشین کاساسا با
تمام اجزایش هم از ارتش و پرولتاریا
پلیس و روحانیت ، قوه قضائیه و سایر
ارگانهای که طبق یک سیستم تقسیم
کار مستقرانه و ارتجاعی جهت تحکیم
سلطه فئودال و استبداد ایازد بر باز
توسط دشمنان طبقاتی پرولتاریا
ترتیب یافته و سازماندهی شده است .
تجربهارخی پرولتاریا نشان میداد
که حتی در دستمای نوین از نمونه آنچه
در این انقلاب کبیره پیشوانند
جانبا نهیهای د لیرانه مرد می کس
اکثریتشان را در هقانان و کارگران تشکیل
میدادند . هنگامی که تحت کنترل و
رهبری پارلمان بورژوازی قرار گرفت
چگونه همزمان با گسترش صنعت و
سرمایه داری خود به هزاری تبدیل
گردید که مانند زنجیرهای هر دو کی قرون
وسطی بر دست و پای کارگران پیچیده
شد و کار را در اسارت سرمایه قرار داد
و نزد بیکترین تجربه پرولتاریای فرانسه
به اوم نشان میداد که چگونه بورژوازی
لیبرال و جمهوریخواه کدر انقلاب
فوریه قدرت را بدست گرفت و در قتل
- عام ۱۸۳۰ آن قدرت را طبقه
کارگران مورد استفاده قرار داد و بنده
آنها ثابت کرد که "جمهوری اجتماعی"
بورژوازی یعنی جمهوری که اسارت
اجتماعی کارگران را تضمین نماید .
پرولتاریا بخوبی میدانست که بنا بر
نیز با ادعای پائیان دادن به تفوق -
بورژوازی بر پرولتاریا و متحد کردن
همه طبقات پارلمان بورژوازی از زمین
برد چگونه با ایجاد دولتی در بالای
سرجامه موجب تقویت سرمایه داری
و تبدیل آن دولت به ابزاری برای
اسارت هر چه خفت بارتر کار توسط
سرمایه گردید (در آن زمان بورژوازی
توانایی حکومت بر ملت را کاملاً از
دست داد و طبقه کارگر هنبوز

کمون . . .
بقیه از صفحه ۶

قاد به در دست گرفتن قدرت نبود و
بنا بر آن بعنوان ناجی فرانسه و در
واقع در خدمت منافع بورژوازی بود
(روی کار آمد) .
اکنون پاریس بها خاسته است تا
خواست میهم گذشته خود را که در
فریاد جمهوری اجتماعی تجلی
می یافت اینبار در شکل مشخص آن
کمون تحقق بخشد . قیام
سلحانه پاریس و استقرار قدرت
پرولتاریای پاریس است نه تنها شکل
تسلط طبقاتی سرمایه (امپراطوری)
بلکه اساس این تسلط را در هم کوبد
نظام کهن را بسوی زباله دان تاریخ
بروید و نظمی نوین را در پرولتاریا
برای تحقق این امر میبایست خود را
از شرارتش رانی امپراطوری کس
بنیاد آن بر سنت مزدوری استوار بود
رها کند و این اولین اقدام کمون و -
پرولتاریای پاریس در جهت نفی
ماشین سرکوب و ایجاد یک نهاد
اجتماعی و مردمی در خدمت حراست
از انقلاب و حفظ آن در برابر هر
مخاروژی اعم از بیسمارک پروسی یا
توطئه گران فرانسوی بود زیرا این ارتش
داعی سیاسی بود آن شاهان کار
جمهوریخواهان سلطنت طلب و
شکر جان نثار امپراطوری و بکتانوران
بود که هر کس لقمه چرب ترسوسش
برتاب کند میتواند خود را به سروری
آن منصوب نماید . این ارتش از سوی
د بکر هموار بود در حال تازانسه
دست ستمگران بر گردن زحمتکشان
ستندید نبود . در یک کلام نابودی
آن یعنی محروم کردن داعی ضد
انقلاب از بالفعل ترین ابزارش جهت
رجعت به گذشته ویا تحکیم دوران -
سیاهی و ظلمت بر جامعه کموناردها
ورژیم اجتماعی خود را بر علیه انتخاب
بر مبنای آرای حقیقی و آزادانه عموم
و از یائین ترین نهاد اجتماعی پاروستا
قرار دادند کمون پاریس تشکیل میشد
از مشاوران انجمن شهر به انتخاب
مردم محلات مختلف . پاریس که در
پرولتاریای صنعتی فرانسه بود اکثریت
اعضایش نیز از همین پرولتاریای
انقلابی و یا معروفترین نمایندگان آن
تشکیل میشد . کمون پاریس میبایست
نمونهای برای مراکز صنعتی فرانسه
قرار گیرد . در صورتیکه کمون بعنوان
یک رژیم در پاریس و مراکز در جهد و
استقرار می یابد حکومت مرکزی
میبایست بسود رایه حکومتهای
خود مختار تولید کنندگان در صراسار
فرانسه بسیار د . در طرح مختصر
سازمان کشوری که کمون وقت نکرد آنرا

تکمیل نماید بر روشنی اعلام شده بود
که کمون میباید شکل سیاسی کوچکترین
واحد روستائی باشد . ارتش داعی
جای خود را به جریک محلی با نظام
خدمت بسیار کوتاه مدت می داد
اداره کمونهای روستائی هر منطقه به
عهد همجلس بود که در شهر مرکزی
هر منطقه قوهها شرکت نمایندگان کمونها
تشکیل میشد و این مجالس به نوبه
خود میبایست نمایندگان همجلس
ملی پاریس بفرستد . هر نماینده هم
در هر لحظه قابل انقصال و مقید به
اختیارات حکمی موکلانش میبود با این
ترتیب وحدت میهنی نیز نه تنها
شکسته نمیشد بلکه توسط نظام کمونی
شکل میگرفت و از انشرد کردن قدرت
دولتی کهاد ما میگرد تجسم وحدت
ملی است ولی مستقل از جامعه و مافوق
آن قرار داشت و در حقیقت جز یک
برآمدگی انگل و آبر بیکر جامعه نبود
وحدت مذکور عملاً تحقق می یافت .

کمون نه تنها مجمع قانونگذاری
(پارلمان) که خود یک ارگان کار و
اجرائی نیز بود ، پلیس از حامل اجرایی
حکومت مرکزی و تابع سیاست آن بودند
خلع و به کارگزاری کمون منصوب شد
و مانند کارمندان دیگر شاخه های
اداری در عین مسئول بودن تابع
قوانینی شد که طبق آن هرگاه خلق
بخواهد قابل انقصال باشد کلمه
اعضای کمون و نیز همه کارمندان خدمات
عمومی دستمزدی هم سطح با کارگران
در یافت میداشتند . امتیازات و -
حقوق و بر منقعات عالیتره و دولتی
در رفتار خود این پستهای عالی و اضافی
بلکی طغی شد . نه تنها ادارات
شهر بلکه همراهم همه امتیازات و
اختیارات دیگری که تا آن زمان در
انحصار دولت بود در حیطه کار کمون
قرار میگرفت . لنین این نکته از اقدامات
کمون بر مهم ترین اقدام در رابطه با
مسأله دولت میداند و در این رابطه
در کتاب دولت و انقلاب می نویسد :
" همین جاست که یکی از موارد کیفیت
به کیفیت در باره مدراسی که با جان
شکل کامل و بیکر عملی شد دید میشود
از مدراسی بورژوازی به مدراسی
پرولتاریائی و از دولت (نیروئی برای
سرکوب طبقه معین) چیزی تبدیل
میشود که دیگر دولت بمعنای خاص
آن نیست و بدین معنی (با کمون)
دولت رومزوال میگردد و بجای
مؤسسات ویژه اقلیت ممتاز
(مستخدمین دولتی ممتاز و سران ارتش
داعی) خود اکثریت میتواند این
وظایف را (وظایف ادارات امور خود)
انجام دهد و هر قدر وظایف قدرت
دولتی بیشتر بدست عموم مردم
انجام میشود بهمان نسبت هم از
لزوم قدرت کاسته میشود .
بقیه از صفحه ۶۳

نمی تواند شکلی جز قیام
باشد. اما در اینجا نیز باید به
اثرات آن عواملی که در چگونگی بروز
قهرتانی دارند، توجه داشت. به
مواردی از تاثیرات آن عوامل میپردازیم.

در جوامعی که هنوز روابط سرمایه
داری قادر نگشته که ملاک شده را از بین
ببرد و در نتیجه هنوز تفاوت های طبسی
صغیری درون یک کشور باقی است ملل
ضعیف تر علیه رژیم حاکم برای
دستیابی بحقوق برابر و مساوی دست
بمبارزه انقلابی میزنند. در چنین
مناطق، خلقها دست بمبارزه
سلحشانه طولانی مدت علیه نیروهای
نظامی و انتظامی قدرت مرکزی گسه
همانند یک نیروی اشغالگر درون
کشوری دیگر عمل میکنند، میزنند. این
مبارزات انقلابی، تنها زمانی قادر
است بروز شود که با مبارزات انقلابی
توده ها در سایر مناطق کشور، پیوسته
با مبارزات انقلابی برولتاریا که دشمن
رژیم حاکم و خواهان در مکراسی کامل
برای خلقهاست تلفیق و هماهنگ
شود. در غیر این صورت مبارزات
نظامی در مقابلها نیروی از خود قویتر
سازمان یافتن از زمین میروند و با
کمترش تجزیه طبقاتی درون منطقه
یا بهای خودی توده های خود را از دست
میدهد. مبارزات سلحشانه طولانی
مدت در چنین مناطقهائی میبایست
یا قیام، شکل اصلی قهرتونی در
جوامع سرمایه داری هماهنگ شود و
در کنار و حول آن نقش تاریخی و انقلابی
خود را در مقابلها رژیم و در پیروزی
انقلاب باز یابد.

برای تعیین تاکتیک انقلابی بطور
اهم، و تعیین اشکال مشخص اعمال
قهر، بطور اخص، نمیتوانیم با بد مرحله
تکامل مناسبات تولید و ارتباطات
درون یک جامعه و همچنین تمام
نیروهای طبقاتی درون یک جامعه را
بطور دقیق بحساب آورد بلکه
میبایست از تمام نیروهای طبقاتی
کشورهای همسایه و تمام کشورها در
سطح جهان ارزیابی دقیق بعمل
آورد و آن را در تدوین تاکتیک منظور
داشت. کنین در این مورد میگوید:
تجربہ در آورو طولانی ولی آموزنده،
این حقیقت را با ما موخت است که
تاکتیک های انقلابی نمیتوانند صرفا
با اتکا به روحیه انقلابی بنا شوند،
تاکتیکها باید با اتکا به یک ارزیابی
دقیق و صحنی از تمام نیروهای طبقاتی
درون یک کشور (و کشورهای که با
آن کشور همسایه هستند و تمام کشورها
در سطح جهان) و تجربہ جنبشهای
انقلابی بنا شوند.

تجربہ انقلابات جهانی، پیوسته
تجربہ آلسالوار و، نیکاراکوف، چین

و پتانم و غیره نشان میدهد که اگر حملت
فعالا نه - مستقیم و غیر مستقیم -
کشورهای دیگر چه در سطح منطقه و
بعد در سطح جهان از قدرت ارتجاعی
مرکزی نباشد، نیروهای انقلابی خیلی
سریع تر قادرند رژیم را منگسودن
ساخته و قدرت را بدست آورند.
در ولت های ارتجاعی کشورهای دیگر
در حالت مستقیم یعنی فرستادن
نیروهای نظامی و یا بااد خالت غیر
مستقیم، انقلاب را در نیمه راه عقیم
میگذارند، بشکست میکشاندند و در
صورت عدم توانائی خود و قدرت
جنبش انقلابی با اعمال خود مبارزات
انقلابی توده ها را جهت سرنگونی
کامل رژیم و کسب پیروزی قطعی طولانی
تیر میکنند. بدین ترتیب در خالت های
مستقیم و غیر مستقیم قدرت نهی
امپریالیستی بر چگونگی کسب قدرت
از سوی نیروهای انقلابی از طریق احوال
قهر انقلابی تاثیر میکند.

التهد در سطح جهان و همچنین در
میان کشورهای همسایه، تنها دولت
- های ارتجاعی وجود ندارند بلکه
در ولت های انقلابی و مترقی نیز هستند
که از نیروها، انقلابی و انقلاب حمایت
میکند و در پیروزی انقلاب سهیم
میشوند. علاوه بر ولت های مترقی و
انقلابی، نیروهای مترقی و انقلابی در
کشورهای دشمن نیز وجود دارند که
به انقلاب درون یک کشور کمکهای
ارزنده میکنند و سعی میکنند دولت
کشورهای خود را از حالت مستقیم
و یا غیر مستقیم در سطح از رژیمهای
ارتجاعی باز داشته و موا نعی در
مقابل آنها ایجاد نمایند. نمونه های
بسیار بارز این چنین کمکهای را در
امریکا و اروپا شاهد بودیم که چگونه
نیروهای انقلابی از مبارزات انقلابی
توده ها در پتانم دفاع کردند و
در ولت های خود را از حمایت فعالا نتر
رژیمهای ارتجاعی بومی مانع شدند.
بنابر این برای پیروزی انقلاب، نمیتوان
میبایست تمام نیروهای طبقاتی
داخلی را مورد ارزیابی قرار داد و در
تدوین تاکتیکهای انقلابی آنرا منظر
داشت بلکه میبایست تمام نیروهای
طبقاتی در سطح کشورهای جهان را
نیز مورد ارزیابی قرار داد و در نظر
داشت. اگر چه هدف انقلاب جهانی
با حمایت مستقیم و غیر مستقیم از
رژیمهای ارتجاعی که مورد تهاجم
طبقات انقلابی قرار گرفته اند، شکل
قهر ضد انقلابی و نیز قهر انقلابی را -
تحت تاثیر قرار میدهند و انقلاب را
به مسیرهای پیچ و خم و در درناک
میکشاند، جنبه انقلاب نیز
تاثیرات مثبت خود را در تسریع
انقلاب باقی میکند. از این نقطه
نظر، و از جانب برولتاریا -
انترناسیونالیسم پرولتری هیچ

نقش قهر

بقیه از صفحه ۱۲

معنای نمیتواند داشته باشد، مگر
حمایتی و معنوی میسر است از
انقلاب.

پس نیروهای انقلابی وظیفه دارند
با در نظر داشتن تناسب نیروهای
طبقاتی در سطح کشورهای همسایه و
همچنین در کشورهای سطح جهان
در جهت هر چه منفرد کرد رژیمهای
ارتجاعی حاکم بکشند، چه این یکی
در یک از اجزا و وظایف انقلابی، پیوسته
در دوره مدت ارك قیام است.

با توجه به موازونی رشد مناسبات
سرمایه داری در کشورهای اشکال
مختلفی از قهرتونی میبکار گرفته شده
است. در همین حال، بعد از رشد
پیروزی و روابط سرمایه داری و بدل
شدن شهرها به مراکز مهم تعیین
سرنوشت سیاسی کشور، قیام بشکل
اصلی قهرتونی های در مبارزات انقلابی
خلق مابدل گشت. این حقیقت
پیوسته در قیام ۲۲ بهمن بطور کامل به
اثبات رسید.

در دوران اعتلای انقلابی پرداخته
و گسترده سال ۵۷، قیامهای سلحشانه
شهری پیوسته در شهرهای اصلی کشور
نقش اساسی را در رکن جنبش انقلابی
خلق بعهده داشتند. اما به علت
کسب قدرت سیاسی توسط ضد انقلاب
و تداوم کشاکش انقلاب و ضد انقلاب،
مبارزات انقلابی مبارک گری اشکال
مختلفی از قهر انقلابی در مقابل قهر
ضد انقلابی حکومت، ادامه یافت.
در همین رابطه اگر چه هقانان کشور
ما، همانند دیگر جوامع سرمایه داری
(در وجه عام) بعد از رسیدن
شهرها، بعد از گشتند و مبارزات
انقلابی پیوستند، لیکن، پس از آن -
برای کسب مطالعات خود با شکل
قهر آمیزی از مبارزات در مقابل سرکوب
قهر آمیز حکومت مبارزات ورزیدند.
قبل از این نیز در انقلاب مشروطه ما
شاهد نقش هقانان مبارک گری قهر
از سوی آنان بودیم. بعد از انقلاب
مشروطه، عهد تا، این هقانان
بودند که با حفظ دستاورد ها و
پیشبرد انقلاب را بدوش کشیدند
(از رها جان، گیلان و...) و لسی
بعلت برانگیزی و عدم ارتباط با سایر
مناطق که جنبش هنوز در آنجا قوی
بود و پیوسته به علت عدم ارتباط با
شهرها، خیلی زود در زیر چک های
ارتجاع از بین رفتند.

این مبارزات بقیه در صفحه ۲

و هم بلحاظ جلوگیری از گسترش مبارزات کارگری دست به چنین اقداماتی میزنند. باید از یک سوم مبارزه علیه خراج و دستگیری برادر همان محدود و صنفی کارگری (ویسا کارمندی) تصمیم بخشید و کارگران (و کارمندان) را برای بازگشت اخراجیون بکار و آزادی همکاران زندانی واحد مربوطه بسیج نمود و از این طریق خواستهای ارتقاء بخشید که خود گامی به پیش است و در خدمت کل جنبش میباشد اما در عین حال وظیفه پیشرو ارتقاء و تصمیم این خواستها به سطحی عمومی و فراگیر است.

خواست تامین امنیت شغلی کارگران و کارمندان و آزادی زندانیان نه فقط یک واحد و موسسه یا صنف بلکه آزادی کلیه زندانیان سیاسی مترقی و انقلابی از جنبش کیفیتی برخوردارند. باید حول این خواستها وسیعاً تبلیغ نمود، رابطه لا ینفک آنها را با سرنگونی رژیم توضیح داد و در منشور مبارزاتی این کارخانه و آن واحد صنعتی و موسسه وارد کرد تا روشن شود اند از بر منشور کل طبقه کارگر و تبع آن بر منشور کل جنبش نقش بندد. نمونه مبارزات کارگران رزمندگان زوب آهن که در اردیبهشت ماه ۶۱ برای بازگشت اخراجیون و جلوگیری از تکه تعطیلی کارخانه صورت گرفت و کلی آن شعار آزادی زندانیان سیاسی مطرح گردید نشان میدهد که در صورت معالجت انقلابی و پیشرو و خواستهای کارگران و زحمتکشان میتواند ارتقاء یافته به شعارهای انقلابی فوق‌اند گرفتار آید.

البته در جریان مبارزه کارگران (همینطور دیگر اقشار خلق) خواستهای متعدد و گوناگونی مطرح شده و خواهد شد. وظیفه ما به عنوان پیشاهنگ کمونیستی و پیشرو اینست که مهمترین خواستهای کارگران را مورد توجه قرار دهیم در جریان مبارزه خواستهایی را که جنبه تدافعی دارند (مثلاً برای جلوگیری از کاهش دستمزد یا جلوگیری از افزایش شدت کار و...) به خواستهای تهاجمی (مبارزه برای افزایش دستمزد) ارتقاء بخشیم و زمینه‌ها را آگاهی مبارزاتی آنان را تامین نمائیم. خواستهای آتی را با... انطباق نمائیم آنها را به جهت سوی... تا به خواستهایی فرا برینند که دارای... بتأسیل بسیج هر چه بیشتر و عمومی کارگران بود و در اصولاً به شعارهای کل جنبش در این مرحله برای کارگران و زحمتکشان قابل تصمیم و تبدیل باشند. البته در این تلاش مبارزاتی

خطر و انحراف همواره وجود دارند: یکی در چارشدن به درگی عامی گم‌ایانه و اکونومیستی از رعایت تناسب آگاهی و سطح مبارزه توده‌ها یا خواستها که توده‌ها را در قالب ناآگاه‌ترین اقشار می‌ریزد و باین ترتیب در محدود و تنگ مبارزه امروز گرفتار میشود.

همواره به نیروی بالفعل اتکا داشته و آتی نگرانی را برابری بالفعل در آوردن نیروی واقعی و انقلابی بالقوه توده‌های انقلابی ندارد و بدینسان در آنه مبارزات را شدیداً انقباض می‌بخشد و به هرز میرود. خطر دیگر نیز چارشدن به جنبش روی کورگانه است و عدم توجه به اینکه ارتقاء خواستهای کارگران و زحمتکشان بیکباره و ناگهانی صورت نمیشود و نمیتوان یکباره برای همیشه پیشرفته‌ترین شعارها را پیش کشید و صرفاً مبارزه را به آگاه‌ترین عناصر خلاصه کرد این یعنی عدم درک ضرورت شرکت در مبارزات کنونی توده‌ها و البته تلاش فعالانه برای کانالیزه کردن آنها برای خواستهای شی ارتقاء یافته و انقلابی از طریق شرکت در همین مبارزات.

۲- تکامل و ارتقاء اشکال مبارزات تاکید بر ضرورت ارتقاء خواستهای کارگران و زحمتکشان بیان نکات تئوریک و ارتباط با ارتقاء و تکامل اشکال مبارزاتی توده‌ها ضروری می‌آید. اصولاً موفقیت یا عدم موفقیت در یک مبارزه چنانکه قبلاً گفتیم بستگی به این دارد که خواست مورد نظر تا چه حد قدرت بسیجی دارد و اینکه کارگردانان و لایحه‌ها در زمینه تبلیغات انقلابی و تحکیم اتحاد و تشکل نیروهای درگیر در مبارزه سازماندهی مناسب صورت گرفته است یا خیر. اما عامل دیگری که نقش اساسی ایفا میکند شکل و شیوه مبارزه است.

هر چه مبارزه حادتر و حول خواستهای متکامل تر و انقلابی سازمان یافته باشد ضرورت بکارگیری اشکال پیشرفته تر مبارزه بیشتر میشود. وظیفه‌ای که پیشاهنگ و پیشرو در کنار و هم‌وزان است ارتقاء خواستها به عهد و از رسته‌های گذشته دیدیم که کارگران به عنوان مثال به شیوه مبارزه را به مراتب بیشتر از دیگر اشکال بکار گرفته‌اند: تحریم، کم‌کاری، اعتصاب، تهیه طومار و مراجع مسئولین و همچنین مجازات مزدوران عوامل رژیم. در مورد روشهای مبارزاتی دیگر اقشار خلق نیز توضیح دادیم که عمدتاً به شکل تحریم و کم‌کاری بوده است. البته چنانکه گفتیم شهرکهای کارگری و زحمتکش نشین حرکتهای اعتراضی

پروسی اشکال

بقیه از صفحه ۱

بشکل تجمع و ایجاد راهبند ان داشته‌اند. در مورد کم‌کاری قبلاً توضیح دادیم که اغلب یا بعنوان شیوه‌ای از مبارزه برای دستیابی به خواستهای مشخص صورت گرفته و یا صرفاً عکس العملی در مقابل فشار و شدت و سختی کار بوده است. میبایستی کم‌کاری را به اشکال آگاهانه تر مبارزاتی چون تحریم کار در روزهای تعطیل یا تحریم اضافه کاری و... و یا تحریم فعالیت تولیدی و متوقف کردن کار و اعتصاب برای دستیابی به خواستهای مشخص ارتقاء داد و گرنه کم‌کاری از آنجا که بیشتر جنبه خود به خودی و عکس العملی دارد و نیروی کل کارگران را در مکان و زمان مشخص متراکم نمیکند، توان و کوشش آنها را برای مبارزه رشد نخواهد داد و چه‌بسا اگر بهمین حال رها شود بجای تقویت روحیه تهاجمی روحیه تدافعی و بی‌انفعالی را در آنها تقویت کند.

تهیه طومار و مراجع مسئولین نیز که هنوز در برخی موارد مورد استفاده قرار میگیرد، از عطف ماندنترین اشکال اعتراضی کارگران است که زمینه‌ها و برخی علل تحمل توده‌ها (بخصوص کارگران) را به جنبش شیوه‌های در شماره‌های قبلی توضیح دادیم. تلاش ما میبایستی این باشد که با تبلیغ طایفه رژیم و عوامل مزدور و شکست تجارب گذشته خود کارگران کارائی اندک و یا حتی عدم کارائی این شیوه را گوشزد نمائیم و آنها را به اشکال مستقل مبارزاتی انقلابی ترغیب کنیم. البته یادآوری این نکته ضروری است که در برخی کارخانجات و واحدهای صنعتی به علت اهمیت استراتژیکی که دارند (مثل مهمانسازی)، حتی اقدام به تهیه طومار و مراجع به مسئولین کافی است تا رژیم را در مقابل برخی خواستهای آنان به عقب نشینی وادارد. ولیکن اشکال کار در اینست که اگر قرار نیست مبارزه کارگران در همان محدوده و سطح درجا بزند، میبایستی از زمین‌گونه شیوه‌ها که خواستها را قیام‌نده توهم کارگران است و توان مبارزاتی و روحیه انقلابی آنان را تنزل میدهد اجتناب کرد و به اشکال مستقل مبارزاتی روی آورد.

در مورد اعتصاب و ضرورت بکاربرد آن بعنوان عمدترین و مهمترین شیوه مبارزاتی کارگران و سلاح پرولتاریا در مقابل سرمایه و خصوصاً در رسته‌های مبارزه انقلابی، برای سرنگونی رژیم بارها سخن

بقیه در صفحه ۱۸

بخشیم . (۵)

بردسی اشکال . . .

بقیه از صفحه ۱۲

عمال رژیم نشان دهند شدت تفرو مخالفت آنان علیه این مزدوران وحادثه شدن مبارزه است ضمن اینکه این شکل از مبارزه توجه جدی پیشاهنگ و پیشرو کمونیستی را می طلبد . ما در اینبار در قسمت گذشت توضیح دادیم که اینگونه اعمال میبایستی شدیدا زیر کنترل و رهبری سوسیال د مکرانیک قرار گیرند و در جریان این مبارزات میبایستی آنها را به سمت تشکلهای رزمی کنترل شد مورد راستای تدارک قیام کانالیز مکرد . اگر کمونیستها اینگونه حرکات اعتراضی و مبارزهجویانه کارگران و زحمتکشان را کنترل ننمایند و اسباب لازم جهت خدمت گیری این بتانسیل مبارزاتی تود هموار در راستای تدارک قیام تامین نکنند بقول لنین " کارگران به انارشیزیم و انقلابی تری بورژوازی و نظائر آن روی خواهند آورد " . (۲)

لنین همواره بکاربرد شیوه های نظامی رزمی مبارزه در زمینه ضبط اموال دولتی بشرط کنترل حزب و صرف وجود نیازمندی های قیام مجاز میدانست و عملیات رزمی بصورت ترور علیه ما مورین قلد رمنش دولت و افراد فعال باندهای سیاه را مشروط به " مراعات روحیات توده های مردم " و در نظر گیری وضع جنبش طبقه کارگر هر محمل " میکرد و اینکه " وقت بعمل آید تانیروی پرولتاریا بیبموده هدر نرود " . (۳)

بهر حال در جریان مبارزات کارگران و زحمتکشان اشکال مختلفی بکار گرفته میشوند ولی تلاش ما بر اساسی رهنمود های لنینیستی میبایستی جایگزین نمودن شکلی بجای شکل دیگر بوده به طوریکه گرایش عمومی ، ارتقا " به

اشکال بالا تر باشد " تاکتیکهای مارکسیستی شامل تلفیق اشکال مختلف مبارزه ، انتقال ما هرا نه از یک شکل بشکل دیگر افزایش مداوم آگاهی توده ها و گسترش دامنه فعالیت مشترک آنان بود که هر یک بطور جداگانه نمیتواند تعرضی یا تدافعی باشد ، یا همگی آنها مجموعه یک مبارزه قاطع تر و شدید تر بیانجامد " . (۴)

البته وظیفه ما هیچوجه اختراع اشکال جدید مبارزه نیست بلکه میبایستی شکلهائی از مبارزه طبقات انقلابی را که در جریان جنبش پدید می آیند ، تعمیم دهیم ،

" سازمان " دهیم و " کاربرد آنها را به عمل آگاه تبدیل کنیم " و ارتقا " شان

گفته ایم و سلسله مقالاتی که در باره اعتصاب عمومی سیاسی منتشر شده تا حد زیادی اعتصاب را از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داده است و شاید در اینجا ضرورتی برای تکرار آنها نباشد به همین خاطر تنها به یادآوری چند نکته در مورد اعتصابات بسنده کنیم . اعتصاب ، بخصوص اعتصابات توده های انقلابی ، از این نظر اهمیت فوق العاده ای دارند که کارگران و زحمتکشان را هر چه بیشتر به فعالیت مستقل سیاسی برمی انگیزند و به سرخفروختی ، یاس و شست آنها طلبه میکنند . تجربه نشان داده است که حتی اعتصاب در یک یا چند کارخانه توانسته است تا اشیرات فراوانی بر کارخانجات و یا شهر و منطقه مربوطه گذاشته و جو آنها را فعال و سیاسی کند .

اعتصاب دارای قدرت بسیجی فوق العاده فراوانی است بطوریکه لنین در مقامیسه قدرت بسیجی اعتصابات سیاسی به نسبت تهیه هر حال و طومار میگوید : " معلوم شد که جمع کردن حتی چند ده هزار امضای کارگران برای یک هر ضحالی معتدل غیر ممکن است از سوی دیگر این حقیقتی است که اعتصاب سیاسی به تهنائی یک میلیون از مردم را در زیر گرفته است " . (۱)

البته تاکید بر ضرورت بکارگیری اعتصاب و تلفیق اعتصابات سیاسی و اقتصادی نمیتوان یکی از موثرترین اشکال مبارزه با سمیت گیری سیاسی اعتصاب عمومی سیاسی در راستای تدارک قیام مسلحانه و تکلیف و ترویج همه جانبه پیشاهنگ کمونیستی و پیشرو در این رابطه بخصوص در شرایط کنونی که گرایش خرد و بورژوازی و جریاناتی چون مجاهدین خلق برپای اعتصاب عمومی را غیر عملی تلقی کرده و به اصطلاح خود میخوانند با " ضربنظامی زدن به دیمسروکوب و اختناق و پابدهای - نظامی رژیم فضای مناسب را برای پدید آمدن مردم و مبارزات بعدی ایجاد کنند ، از اهمیت بیشتر بر خورد ارشده و برای جلوگیری از به انحراف رفتن مبارزات کمال حیاتی است . در اینجا تنها یاد آور میشود که اعتصاب علاوه بر طبقه کارگر برای دیگر اقشار خلق نیز کاربرد دارد و تجربه اعتصابات توده های سال ۵۷ که کارمندان و دانش آموزان و دانشجویان را نیز در بر گرفت ، مؤید این واقعیت است

در میان اشکال مبارزات کارگران و زحمتکشان مجازات و اعمال قهر علیه

البته سرمایه داران و رژیم حامی آنها و مزدوران شان بیکار نخواهند نشست و سعی خواهند کرد تا با اشکال مختلف جلوی گسترش مبارزات را بگیرند و آنها را در منطقه خفه سازند و در این میان گاه طوری عمل میکنند تا کارگران و زحمتکشان را بشیوه ای از مبارزه سوق دهند که خود برای مقابله با آن آماده گئی بیشتری دارند . ما هرگز نمیبایستی اجازه دهیم تا رژیم سرمایه داران و کارفرمایان شکل مبارزه را برای ما انتخاب کنند لنین همواره تاکید میکرد که " نگذارید کارفرمایان زمان و شکل عمل ما را انتخاب کنند " (۶) . مثلا گاهی سرمایه داران برای مقابله با اعتصاب که روشی انقلابی و مستقل برای مبارزه است با سوء استفاده از رکود تولید و لشکر ذخیره کار به بستن کارخانه ها و اخراج های وسیع توده های بی بر علیه اعتصاب کنندگان متوسل میشوند در چنین شرایطی باید حد اکثر را بتکثار عمل اخرج داد و در اینگونه موارد به اشکال نوین مبارزاتی همانند تحصن ، تجمع ، میتینگ های انقلابی و حتی در صورت امکان به تظاهرات خیابانی برای جلوگیری از تعطیل کارخانه ها روی آورد ، نمونه مبارزات کارگران دوب آهن که در پی تلاش عوامل رژیم برای به تعطیل کشاندن کارخانه اعتصاب را به تحصن ، تجمع و سپس راهپیمائی تبدیل کردند و مورد حمایت ضمنی کارخانجات دیگر قرار گرفتند نشان میدهد که اینگونه تبدیل روشها و اشکال مبارزات در شرایط کنونی کاملاً امکان پذیر است و فقط محتاج تدارک ، برنامه ریزی و رهبری انقلابی است و اگر اشکال مبارزات کارگران و زحمتکشان بحالت خود به خود برها شود کارائی لازم را نداشته و چه بسا ماهیت و خصلت رشد یابنده و مبارزاتی خود را از دست بدهد . این بحث را با هشداری لنین در این زمینه بیابان میبریم :

" کاربرد هر وسیله و شیوه ای در مبارزه ، بدون هیچ استثنائی ، پرولتاریا را در جامعه بورژوازی به لایه های گوناگون غیر پرولتاری بالاتر و یائین تر از آن نزدیک میسازد و چون این وسایل و شیوه ها بدست سیل طبیعی و خود انگیخته حواثت سیرد میشوند ، این سیل آنها را می ساید و می فرساید ، مسخ میکند و فاسد میگرداند حتی اعتصابی که بدست سیل طبیعی و خود انگیخته حواثت سیرد میشوند مسخ میشوند

..... (۷)

۳- شیوه سازماندهی انقلابی

پس از عبور و سبب رژیم به شکل‌های مستقل کارگران و زحمتکشان و پیوسته پس از ۳ خرداد بخاطر جو اختناق و سرکوب امکان فعالیت‌های فوق‌العاده‌ای پیدا شد. نتیجه، تشکیلات سازماندهی مخفی مبارزات جنبه‌مد نیافته است که می‌بایستی توسط تشکل‌های نیمه‌علنی - نیمه مخفی پوشش یابند. نمونه اینگونه تشکل‌ها در مواردی حتی بصورت خود بخوری، از روی تجربه و رجعت جوایگویی به نیازهای فوری و آنی از سوی کارگران پیشرو و میانه در برخی کارخانجات بوجود آمده است. در گزارشی در این زمینه می‌خوانیم: «به دنبال یورش و حشمانه‌ها کسب و از بین رفتن تشکل‌های علنی کارگران، در بعضی از کارخانجات اقدام برای ایجاد تشکل‌های مخفی و نیمه‌مخفی در بین کارگران پیشرو و میانه چشم می‌خورد. بطور مثال در کارخانه... صندوق کمک تشکلی شده که در مهر ماه ۶۰ بطور مخفی عضوگیری نموده است. در تولید آرد کارگران در هر قسمت دست به تشکلی‌شدن و قهای وام زدند. در پایان ماه در کارخانه بایر صندوق بیکاری تشکلی شده است و... بخشی از گزارش ارسال شده از آن در ۱۰ آبان ۶۰ در تهران وجود زمینه‌های بسیار گوناگون تشکلی‌ها را نشان می‌دهد. با آخراج کارگران در میان دیگر کارگران حرکت برای تشکلی‌شدن و برای کمک به آخراج‌ها بالا گرفته است. هر روز کارگری پیشنهاد می‌دهد که منتهی به رفقای آخراجی خود کمک مالی و... کند، حتی چند نفر اعلام کرده‌اند که حاضرند هر ماه کمک کنند که این نشان‌دهنده روح زندگی مبارزاتی آنهاست. اینگونه تشکل‌ها در حالی توسط کارگران پیشرو و میانه ایجاد میشود که عمدتاً هیچگونه تشکلی مخفی سیاسی برای رهبری و هدایت آنها در همان سطح واحد یا موسسه مربوطه وجود ندارد و پیشاهنگ، نیروهای پیشرو و جنبش برای رهبری سازمان یافته و مستمر آنها آماده نکرده است. به همین خاطر این تشکل‌های نیمه‌مخفی - نیمه علنی نمیتوانند بویا باشند یا اگر می‌توانند و یا از هم جدا می‌شوند مگر آنکه بتدریج تحت کنترل و رهبری تشکل‌های مخفی سیاسی انقلابی قرار گیرند. در مواردی این صندوق‌ها در پیروسه حرکت خود به تشکلی کمیته مخفی منجر شده‌اند. پیروسه تشکلی‌شدن یک از این تشکل‌ها در یکی از واحدها بصورت زیر می‌باشد: در این واحد - ابتدا تعدادی از کارگران مبارز و مترقی با بحث، تحول تشکلی‌شدن و بیکاری

مجموع گردیدند، چند نفر که از آگاه‌های و تجربه مبارزاتی بیشتری برخوردار بودند در رأس این تشکلی قرار گرفتند و اساساً تمامی هم برای صندوق بیکاری تهیه کرده آنرا بهمان کارگران مطمئن بردند. سپس به جمع آوری پول از کارگرانی که صندوق را قبول داشتند پرداختند و وجوه جمع آوری شد در اختیار کسانی که آخراج شده، متواری بودند و یا خانواده زندانیان قرار میگرفت (مگر در مواردی که آخراج بدلیل بستگی به جریانات ضد انقلابی سلطنت طلب یا اعتیاد صورت گرفته و یا شامل افراد حزب اللهی شده که بعلمت درگیریهایی درونی عوامل خود رژیم آخراج شده‌اند). پس از مدتی فعالیت، هسته اصلی صندوق به این نتیجه رسید که متوقف ماندن فعالیت در این حد صحیح نیست و می‌بایست فعالیت خود را گسترش دهد، از این تصمیم گرفت تا ضمن تحکیم هسته اصلی که از عناصر آگاه و مبارز تشکلی‌شد در مبارزات کارگران شرکت فعال بنماید و حرکت خود را بصورت کمیته مخفی اعتصاب ادامه دهد. آنها سپس با انتشار اطلاعیه‌های پس از تشریح اوضاع سیاسی کنونی و بیان خواسته‌های کارگران اعلام موجودیت نمودند. پس از آن در موارد دیگری که خواسته عاجل بود و یا مطرح بود و جریان مبارزه، اقدام به تشریح اعلامیه و پیش‌ان نموده و از این طریق میکوشد که هدایت حرکات کارگری را بهبود بخشد. این گونه اعلامیه‌ها در بین کارگران از برد خوبی برخوردار بوده است.

این تجربه خود حاکی از آنستکه مهمترین نیاز جنبش کارگری (و همچنین کل جنبش) در هر کارخانه، واحد و موسسه تشکلی است مخفی که مبارزه علیه رژیم را سازمان دهد. این تشکل‌های مخفی در کارخانجات، کمیته‌های مخفی اعتصاب در محلات، مدارس، سربازخانه‌ها و ادارات - کمیته‌های مخفی مقاومت هستند. تشکل‌های مخفی - سیاسی که آگاه‌ترین و مبارزترین عناصر را در خود گرد آورده، ظرفیت رهبری و هدایت حرکات اعتراضی کارگران و زحمتکشان را داشته و مبارزات آنان را در راستای اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه همیشه خواهند بود. در شرایط کنونی اینگونه اشکال مخفی سازماندهی قادرند ضمن هدایت مبارزات توده‌ای در راستای سرنگونی انقلابی رژیم، استمرار مبارزات و حرکات اعتراضی را تضمین نمایند. البته بخصوص در کارخانجات می‌بایستی کمیته‌های مخفی اعتصاب از طریق تشکل‌های نیمه‌علنی - نیمه مخفی

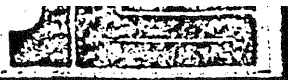
بررسی اشکال

بقیه از صفحه ۱۸

چون صندوق بیکاری، وام و کمک پوشش یابند و بدینسان ضمن حفظ موجودیت خود با توده‌های وسیعتری از کارگران در ارتباط قرار گیرند. در حال حاضر بویا توجه به آخراج‌ها از زمینه‌ها امکان فعالیت صندوق‌های بیکاری فوق‌العاده زیاد است و پیشاهنگ کمونیستی و پیشرو می‌بایستی بر چنین زمینه‌های ایجاد اینگونه تشکل‌های نیمه‌مخفی - نیمه علنی، کنترل و هدایت این تشکل‌ها و مبارزات توده‌ای توسط کمیته‌های مخفی و وظایف خود را در مبارزات مبارزات آوج گیرند و کارگران و زحمتکشان ایقان یابند.

* * *

فقا! کارگران و زحمتکشان مبارز و آگاه! بررسی مبارزات کارگران و زحمتکشان در فاصله مهر ۶۰ تا مهر ۶۱ که در اینجا به پایانش می‌بریم بر اساس گزارشات و اخبار و آمار و ارقامی است که بدست ما رسیده و بواقع باید اعترا افکر کرد که این آمار انطور که می‌باید و شاید بیانگر و تصویری کنند تمامی مبارزات انقلابی توده‌ای بر علیه رژیم نبوده و صرفاً مشتی نمونه خروار است. گزارشات و آمار حرکت‌های مبارزاتی توده‌ها بخصوص مبارزات پرولتاریا که همواره در ماسنج انقلاب بحساب می‌آید از اهمیت عظیمی برخوردار است، که بقول لنین این اهمیت هم از نظر تئوریک و هم از نظر عملی است. اطلاعات با ارزشی را فراهم می‌سازند که گذشته از جنبه‌های عمومی مبارزه - علیه سرمایه همچنین وظایف نزدیک و جاری مبارزه را توضیح میدهند. البته جویلیسی حاکم شاید امر تهیه این آمار را بسیار مشکل ساخته باشد اما بهر رو هر رفتن و تمامی کارگران و زحمتکشان مبارز و آگاه بعنوان وظیفه‌ای انقلابی می‌بایستی حد اکثر تلاش را برای گرد آوری و ارسال اینگونه آمار و گزارشات از حرکت‌های انقلابی توده‌ها برای ما بعمل آورند تا بررسی و تحلیل دقیق تر مبارزات آنها نتایج را رهنمودهای مشخص تر و عملی تر برای هدایت و ارتقا مبارزات ممکن گردد. لازمست تا گزارشات دقیق از هر حرکت اعتراضی (بخصوص مبارزات کارگران) تهیه شود و در آن، زمان شروع و پایان و محل و منطقه، تعداد شرکت کنندگان، بازگشت ترکیب، سنی و وضعیت، علل و نتایج حرکت، اشکال سرکوب و... و احتمالاً سابقه کوتاهی از مبارزات آن بخش تهیه گردد. بقیه در صفحه ۲۰



بررسی اشکال

بقیه از صفحه ۱۹

تنباید بنمایان بررسی و تحلیل
در قیق تر مبارزات و اتحادیه نمود های
شخصی تر و عملی تر برای هدایت و -
ارتقاء آنها ممکن خواهد بود .

رقبا! ما بعنوان پشاهنگ به پیشرو
کمونیستی و طائف خطری سر دوش
داریم . سازماندهی انقلابی و ارتقاء
مبارزات خود ما تا برای اعتصاب
عمومی سیاسی و قیام مسلحانه در
دستور است . جنبش انقلابی میهنمان
بخودی خود به پیروزی نخواهد رسید .
چون با توفان انقلابی خلق هستی رژیم
جنایتکار را بر باد دهد ولیکن میوه
چینائی در بیکر حکومت خزند . لنین
گیر در ریاست اتحادیه کمپوزی ها میانه
می برسدند . آیا انقلاب بوقوع
خواهد پیوست ؟ طاعانه با سنج
خیزد از : یک مار کمپست میبوید ؛
تبلغیات ما و تبلیغات تمامی سوسیال
و مگر انتهای کارگری یکی اموالی است
که تعیین خواهد کرد انقلابی صورت
خواهد گرفت یا نه . (۹)

پس رفا به نقش خود در سازماندهی
و ارتقاء مبارزات خود مهاجم به
شد هید ، خواستهای کارگران و
زحمتکشان را در راستای خواستهای
عمومی مرحله ای جنبش تعمیم و ارتقاء
بخشید . فعلا نه در مبارزات و
اعتراضات کارگران و زحمتکشان شرکت
کنید . عهد منبروی خود را بر روی طبقه
تا به آخر انقلاب یعنی طبقه کارگر
متمرکز کنید و واحدهای استراتژیک
جنبشی را در اولویت قرار دهید ضمن
آنکه مبارزاتی مبارزات دیگر اقشار
خلق را سازمان داد و هم مبارزات
پرولتاریا پیوند زیند . خواستهای
کارگران و زحمتکشان را که در جریان
سازم مطرح میشود هر چه بیشتر از
خواستهای تد افعی به تمایز سیاسی
تبدیل کرده و در راستای خواستهای
عمومی جنبش تعمیم و ارتقاء بخشید .
اشکال مبارزات خود را به هر چه
پرولتاریا ارتقاء دهید و
روحیه انقلابی را در آنها تقویت
کنید . کمیته های مخفی اعتصاب و
کمیته های مخفی مقاومت را برپا دارید .
اخبار مبارزات خود را به هر رابطه
گسترده میبخش کنید . نشان دهید
که مبارزه ای سراسری در جریان است .
تبلغیات خود را برای سرتلونسی
انقلابی رژیم از طریق اعتصاب عمومی

سیاسی و قیام مسلحانه افزایش
دهید . برنامه عملی اینها را در
بهرید و هر چه بیشتر اثرات آنها
در مکرانیک را برایشان مشخص
ملوس تر سازید . مبارزات کارگران
و زحمتکشان را هر چه بیشتر بر حصول
برنامه عمل سازمان منطبق کرده و
بیش برید .

بهروزی قیام و بهروزی جنبش تنها
تحت رهبری کمونیستها ممکن و مقدر
است و تنها با برقراری حکومت
کارگران و زحمتکشان با برقراری جمهوری
و مکرانیک خلق .

- (۱) لنین ، تجربه درس میدهد
- (۲) لنین ، بحران منسوبم و . . .
- (۳) لنین ، قطعنامه در باره مصلیات
چریکی
- (۴) لنین ، اشکال جنبش طبقه کارگر
- (۵) لنین ، جنگ چریکی
- (۶) لنین ، اشکال جنبش طبقه کارگر
- (۷) لنین ، جنگ چریکی
- (۸) لنین ، پلاتفرم فرمیستها و
پلاتفرم سوسیال د مکرانسی
انقلابی

تجربیات

بقیه از صفحه ۱۶

انقلابی در هفتان که
بعد از قیام ۵۲ ، آشکار گشت و
همچنین مبارزات ملی خلقها برای
آزادی و خود مختاری میباشست
مبارزات انقلابی پرولتاریاها هانگ
شود و تحت رهبری یواحد پرولتری در
جهت بهروزی قومی قدم بردارد .
مبارزات مسلحانه طولانی مدت که
بویژه در روستاها و در میان دهقانان
ارائه داشته است میباشست
قیام شهری ، کشتک اصلی قومی
تودهای در کشور ما است ، هماهنگ
شده و تحت رهبری واحد در جهت
سرنگونی رژیم خصمی به پیش روند .
میباشست از درجهای که شسته
بیاوریم و ننگ آریم ارتجاع از
تا هماهنگی جنبش انقلابی استفاده
کند و انقلاب را شکست دهد .

مبارزات مسلحانه تودهای طولانی
مدت نیست بلکه هر یک بدین معنی
است که نقش واقعی آنرا در کل جنبش
انقلابی خلق باز شناسیم و با در نظر
گرفتن ظرفیت تاریخی آن ، با رکل
مبارزه انقلابی آنها را اصلی جنبش
انقلابی خلق را به و شران محول نکنیم .

جنبش انقلابی مسلحانه خلق کرد
و مبارزات مسلحانه انقلابی در ترکمن
صحرا و در جنگلهای شمال بود در بگر
مناطق کشور و سایر مبارزات قومی
آزاد مجازی که در خدمت اعتلای
جنبش تودهای بود رخدمت تد ارف
قیام انجام میباید ، طبرغم اینکه در
مقابله قیام سراسری نقش فرعی در
کل جنبش انقلابی خلقمان دارند ،
ولی با وجود این قادر گشته اند زمانیکه
سایه شوم سرد ارتجاع در جامعه
گسترده شده است موقعا آتش راغ
مبارزه را گرم نگه دارند و تد اوم مبارزه
انقلابی را حفظ کنند و حتماه نفاط
بسیار روشن عدم قدرت ارتجاع در

سرکوب همه جانبه خلق ، تهدید بخش
باشند و آتش تد اوم مبارزه را در دل
تودها همچنان روشن نگه دارند .
ارتجاع با وجود جنبشهای انقلابی و
کانونهای مبارزاتی در مناطق مختلف
عدم توانائی سرکوب همه جانبه ،
قادر نیست در یک نقطه نیز کاملاً بر
انقلاب بهروزگرد ، چراکه عملاً با
تد اوم جنبش انقلابی در نقطه ای -
دیگر و گسترش آن ، بهروزی ارتجاع
در هر منطقه مشخص ، عملاً محدود و
موقتی خواهد بود . این جنبشها
صرفاً ملولود شرایط بومی و محلی و
تبعیفات ملی نیستند بلکه ملولود
شرایط قیام نیز میباشند . این
جنبشها بعد تا بعد از قیام ۵۲ و
در هنگام آن شکل گرفته اند ، و تد اوم
بگسترش آنها و تکامل بیش از پیش آنها
در شرایط کنونی ، بیان این واقعیت
انکارناپذیر است که جنگ داخلی
هنوز به اتمام نرسیده است و این
اشکال مبارزه ، اشکال مبارزه پسین
دورگوری بزرگ در جنگ داخلی
است . بنابراین وظیفه پرولتاریاهاست
که با این اشکال و بز مبارزه توجه کافی
کند و آنها را در چهارچوب تد ارف
قیام نوین سازمان دهد و رهبری و -
هدایت آنرا بعهده گیرد .

در مبارزات انقلابی خلق ما ، قیام
نقش اصلی قهر تودهای و مبارزه
طولانی مدت ، نقش فرعی را دارد .
داشتن نقش فرعی به معنی نفی نقش

خلق کرد را سرکوب کند ؟

وبالا خرده ر مقام مقایسه با پسند گفت که خمینی در جمهوری اسلامی اش اراد همدار آن ریپنها ایران عملابه ظهور رساند و آقای رجوی نیز در برنامه اش از مردم میخواهد که یکبار هم بدوا اجازه دهند که اراده خدا را در ریپنها اجتماعی از طریق جمهوری اسلامی اش بظهور رساند . حقیقتا خیلی شهامت میخواهد !! بیخشید پرروئی میخواهد کسی بد فاع از آن - جمهوری بر خیزد که بر پیشانی آن مهر ارتجاع که پدید شده است . بنا بر این می بینیم که در اینجا دو عوارض کلمه اسلام بد نیال جمهوری نیست . تمام مضمون این جمهوری ارتجاعی است . شکل آن ارتجاعی ست . کلیتتش ارتجاعی است . هر کسی که بخواهد از این جمهوری بد فاع کند ، صریح و بی پرده بگویم بد مراسی اعتقاد ندارد . و مکراسی را بصخره گرفته است ، تود مردم را بصخره گرفته است . این از مکراسی حزب د مکران برای سراسر ایران حال به مسئله خود ساختاری بیرون ازیم .

حزب د مکران کردستان از کسانی بد فاع میکند که حتی از برسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت برای خلق کرد سر باز زد ه اند . وقتی که در برنامه دولت موقت آقای رجوی از برسمیت شناختن ملیت کرد سر باز زده شده است و از "قومیت محلی مثلا کردستان" سخن بیگانانده است . این نشان میدهد که آقایان رجوی - بنی صدر حتی خود مختاری را نیز برای ملیت تحت ستم کرد برسمیت نخواهند شناخت . بنا بر این "قومیت محلی" بجای ملیت کرد چه معنایی میتواند داشته باشد ؟ آیا این خود توهین به ملیتی که در بار سال تمام یا ناچار خون خود هزاران فرزند خود ، برای حق تعیین سرنوشت خود بمشابه یک ملیت تحت ستم میارز کرده است ، محسوب میشود ؟ حزب د مکران کردستان اگر حقیقتا به خود مختاری کردستان اعتقاد داشته باشد چگونه بخود اجازه میدهد که از کسانی بد فاع کند و زیرسندی را امضا نماید که بجای ملیت تحت ستم کرد از قومیت محلی کردستان صحبت شده است ؟

را د یوی حزب د مکران کردستان ، محوض پاسخ باین مسائل اساسی به طرح مسائل میبرد از که هر آدم عامی را نیز بخندد . بر امید آرد . این را د یوی مدعی است که وقتی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از سرمایه داران ، به آزادی و بهروزی با اصطلاح لیبرال

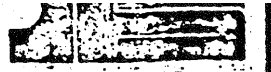
سخن میگوید مردم کوچه و بازار چیزی از آن نمی فهمند . از بد و حال خارج نیست . یا باید نویسندگان این مقاله آنقدر رعیب مانند باشند که این حرفها را بر زبان آورند ، یا خود را به نفهمی زد باشند . اولاً ما این واژه های من در آوردی ، مثل مردم کوچه و بازار را برسمیت نمی شناسیم . ما از طبقات اجتماعی سخن میگوئیم . جامعه ما از دو طبقه اصلی ، طبقه سرمایه دار و طبقه کارگر تشکیل شده است . نیروی اصلی جامعه میان این دو طبقه است . میلیونها کارگری که با فروش نیروی کار خود گذران میکنند . بطور مداوم و مستمر نیروی اشکار و پنهانی را علیه طبقه سرمایه دار پریش میبرند . کسی نمیتواند این واقعیت روشن انکار کند ، کارگران خوب میدانند که سرمایه دار ، بورژوازی دشمن طبقاتی است . فقط شاید حزب د مکران این را نداند !! خرده تولید کنندگان نیز که زیر فشار سرمایه های بزرگ قرار دارند ، معنای حرف ما را خوب می فهمند . تنها کسانی که خود را به ندانی زد ه اند ممکن است تصور کنند که تود مردم نمیدانند بورژوازی چیست ؟ سرمایه دار چه موجود کثیفی ست ؟ آیا ممکن است کسی فراموش کند روزهایی را که میلیونها تن از توده های مردم در خیابانهای تهران و شهرهای بزرگ ایران فریاد میزدند ، مرگ بر امپریالیسم ، مرگ بر سرمایه دار ، مرگ بر لیبرال ؟ مسلماً خیر ! طرح این مسئله که تود مردم تنها خواهان رفیقین خمینی و آزادی هستند . یا عبارت دیگر شعار مردم در شعار مرگ بر خمینی . بلا صمیمی ، این نیز سرایا فریب و دروغ است . این شعار بهمان انداز شعار مرگ بر د یکتا توری شاهمی محتواست . مردم اینرا در تجربه دریافتند که شاه رفت اما د یکتا توری او به خمینی منتقل شد ، امروز بسیاری از کسانی که شعار مرگ بر خمینی را میدهند ، سلطنت طلبان ، شاپور بختیار ، علی امینی ، مراغه ای مدنی و . . . اما کیست که نداند آنها خود میخواهند بجای خمینی بنشینند و همان د یکتا توری اعمال کنند . بالعکس نیروهای حقیقتا انقلابی و توده آگاه مردم خواهان برافتادن تمام این سیستم هستند . آنها خواهان جمهوری اسلامی برافتادن نیز رژیم جمهوری اسلامی هستند ، آنها خواستار استقرار جمهوری د مکرانیک خلق ، که در آن د یکتا توری کارگران و دهقانان علیه بورژوازی وابسته با امپریالیسم اعمال خواهد شد ، هستند .

حزب د مکران کردستان میگوید که مردم نمیدانند که بورژوازی با اصطلاح لیبرال چیست ؟ ما نشان دادیم که مردم خلق تحت آسایش آمدند ، اما

دوره . . .

بقیما از صفحه ۸

اگر حزب د مکران این را نمیداند ، ما نه با بحث های تئوریک بلکه به زبان ساده هم اکنون این را نشان میدهم ، بورژوازی با اصطلاح لیبرال با مشکل جنایتکاری نظیرینی صدرا طلاق میشود که برای فریب مردم از آزادی - سخن میگویند ، اما در عمل لحظه ای از سرکوب توده های مردم و بد فاع از طبقه سرمایه دار را امپریالیسم غفلت نمیکنند . مگر همین آقای بنی صدر هم پیمان آقای رجوی نبود که فرمان سرکوب خلق ستم دیده کرد را صادر کرد . همین بنی صدری که همیشه برای فریب مردم از آزادی سخن گفته است ، بفرماندها از تیش مردم و بد فاع است که برای سرکوب خلق کرد از همین لحظه حقیقت دارند پوتین ها را از آزاد آوردند ، مگر اینکه آن خطر از وجود یاعی ها پاک کنند . هم او بود که دستور اد ارتش تا آخرین نیرو در بنانه بچنگد ، در - منند چ فرمان جنایت آفرینی ارتش را صادر کرد . در مراسم ندای جمعه تبریز جنبش انقلابی خلق کرد را دست نشانده آمریکا خواند و از افراد ارتش ضد خلقی خواست که با تمام قوا علیه جنایتکار بود که دستور جنگ خانه به خانه در ترکمن صحرا صادر کرد . همین عنصر بلید بود که روز ولادت حاکمیت دولت را بر روی اجساد آغشته خون دانشجویان در دانشگاه جشن گرفت . آیا اکنون دیگر حزب د مکران فمید هاست که بورژوازی لیبرال یعنی چه ؟ وجهه کسانسی هستند ؟ ما امید داریم که اگر حزب تاکنون این را نفهمیده بود ، حالا دیگر فهمیده باشد . چه کسی میتواند این انبوه حقایق را کتمان کند و از - شورای ملی مقاومت جمهوری اسلامی رجوی بد فاع کند ؟ حزب د مکران که از قبل نیز گویایی برد هاست که حرفهایش در میان مردم خریداری ندارند و با هر د فاعی از شورای ملی مقاومت بیشتر خود را به مخمسه من اندازد . حزب د مکران که خوب میدانند گفتار و نوشته های ما انعکاس خواستها و منافع توده های میلیونی مردم است و هر مقاله ای در اقصای شورای ملی مقاومت اثرات غیر قابل انکاری بر بی اعتباری این موجود محتضرباتی خواهد شد گذشت ، با آخرین حرفهای متوسل میشود که دو سال است مد روز شده است . بله ! حزب د مکران نیز هیچ زانو چاره ای برای پیش باقی نمانده است جز اینکه بگوید اینها بیبا انشعابات که



داشته اند تمام شده اند. اما گویا با حرف میتوان واقعتاً را انکار کرد، اکنون مدتهاست که رژیم جمهوری اسلامی، تودهای و اکثریتش مزدور، ترسکینستهای خائن، مجاهد ناپیکر، سپندی، راهفدائی، حزب د مکرآت و... هم میگوید افریگار میزنند، تمام شد، دیگر فدائی نیستی دیگر سازمانی نیست! اما معلوم نیست که چرا این جمع نا متجانس هم از چیزی که موجودند ارد اینهمه وحشت دارند؟!!

حقیقت امر این است اینان که هر چند مدت یکبار خبر از نابودی سلیمان و شکست مارکسیسم - لنینیسم در ایران میدهند و بیروزی خود را جشن میکنند آرزوی خود را بجای واقعتاً قرار داده اند. آنها همانند کبک سرشان را از بر برف کرده اند و نمیخواهند واقعتاً را ببینند. آنها بدین طریق شبایک چیز انهم ترس و وحشتشان را از سازمان فدائی و طبقه کارگر ایران بیان میدارند. چرا که امروز در ایران سازمانی که قادر است در مقابل همه این گروهها و دستههای ریز و درشت بایستد و یکایک آنها را افشاء و بسی اعتبار کند و تود همیونی را علیه رژیم جمهوری اسلامی بسیج کند، سازمان جریکهای فدائی خلق ایران و عنصر تاریخی فدائی است. آنها چنین فکر میکنند که اگر این سد سازش ناپذیر را از میان بردارند، آنکار راحت و آسوده میتوانند بساخت و پیاخت خود را آموه دهند و کارها موافق میل و خواست آنها پیش خواهند رفت. اما اینان همی در اشتباهند. بهتر است آنها سرشان را از بر برف بیرون آورند و واقعتاً را ببینند و بدانند که این آرزویشان بر باد رفته است. برخلاف آرزوی تمام کسانی که خواستار نابودی سازمان هستند، و مدام این آرزو را تحقق یافته اعلام میکنند. تاریخ چنین مقرر داشته است که سازمان طبرعم اینکه در محاصره انبوه دشمنان قرار گرفته است باقی بماند و رسالت تاریخی خود را در امر رهبری انقلاب ایفا کند و همین رسالت و عنصر تاریخی - طبقاتی فدائی است که سبب میگردد بجای هر فدائی که در مبارزه طبرعم بخاک می افتد، در هفا فدائی بیباک خیزند. رژیم جنایتکار ضد خلقی جمهوری اسلامی ماهی نمیکرد که در هفا فدائی را بخاک و خون نکشد، اما فدائی از زمین و آسمان سبب میشود و سر بر می آورد و نمرد لا ینقطع خود را علیه دشمن طبقاتی ادامه میدهد. رژیم جمهوری اسلامی هر ماه در هفا فدائی را دستگیر میکند و هر بار تمام شدن آنها را اعلام میکند اما باز هم فدائیان در هر شهر و روستا در هر کارخانه و مدرسه، در هر اداره و -

دوره

بقیه از صفحه ۲۱

بارگان و... وجود دارند. این امر بیان چیزی جز رسالت تاریخی سازمان نیست. همین امر است که سبب میگردد ما بگوئیم اگر روزی آرزوی همه این گروههای ریز و درشت بحقیقت پیوند، اما شبایک فدائی باقی بماند همین کافی است که در سازمان سازمان بر باری خود قرار گیرد، چرا که اید ثولوژی فدائی یعنی مارکسیسم - لنینیسم زنده است و در میان تودها نفوذ دارد. چرا که عنصر تاریخی ایمان و اعتماد تودها به سازمان زنده است و وجود دارد. این راهیجکس نمیتواند انکار کند. حتی بسیاری افراد و گروهها کوشیدند در ست از همین عنصر تاریخی ایمان و اعتماد تودها سازمان سو استفاده کنند و بر خود نام فدائی بگذارند. اما تودهای زحمتکش و در راس آنها طبقه کارگر آنها را از میان خود طرد کردند و هیچ اعتمادی بآنها نکردند. مگر سر نوشت رقت بار اشرف و هفاتی این را نشان نداد؟ مگر سر نوشت اکثریت خائن این را نشان نداد؟ و...

پس بی دلیل نیست که امروز آوازی پیش از همه در شش خود را با سازمان نشان میدهند و حکم گروهها و سازمانهای مردم و ناپیکر، سازمان را آماج انتقاد های خود قرار میدهند. و بعد اگر منظور حزب د مکرآت از انشعابات بی درین همان اخراج شش تن از عناصر منززل و سازشکار طرفدار شورای ملی مقاومت در رکنگ سازمانی و یا اخراج چهار تن از خائنین ترسکینست از سازمان است؟ آری! ما قبلاً در نشریه کار اعلام کردیم و اکنون نیز با افتخار اعلام میکنیم که سازمان ما خود را از شر عناصر سازشکار هوادار شورای ملی مقاومت، مجاهد زده و غیره و لک خلاص کرد و با آنها تسویه حساب اید ثولوژیک نمود و خیال همه را راحت کرد. پس اگر چیزی در سازمان از بین رفته باشد، طرفداری از شورای ملی مقاومت و بیاد فاع از سیاستهای انحرافی مجاهدین است. نوشتن مقالاتی علیه شورای ملی مقاومت و افشای ناپیکری مجاهدین خلق بیانگر قدرت سازمان و وحدت و انسجام اید ثولوژیک - سیاسی آن است که در سالهای اخیر سابقه نداشته است. ما اکنون در چنان موقعیتی قرار گرفته ایم و این را وظیفه خود میدانیم که کارگران و هفاتیان، روشنفکران انقلابی و همه نیروهای انقلابی را مورد خطاب قرار

داده و بگوئیم: بر سینه تمام کسانی که از جمهوری اسلامی بهر شکل آن دفاع میکنند دست رد بزنید و بر زیر پرچم سرخ رهائی بخش سازمان جریکهای فدائی خلق ایران جمع شوید. ما کارگران، هفاتیان و کلیه زحمتکشان ایران را در زیر این پرچم و بر نامه انقلابی آن بصرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری د مکرآتیک خلق یعنی جمهوری د مکرآتیک انقلابی کارگران و هفاتیان و کلیه زحمتکشان شهر و روستا که مبتنی بر شوراهای و یکرهها و های مسلح تودها است فرامیخوانیم.

ما در همان حال که پیوسته در جهت هدف نهائی پرولتاریا یعنی سوسیالیسم و کمونیسم، برانداختن مالکیت خصوصی بر وسائل تولید، برانداختن استثمار انسان از انسان و محوطبات یعنی تحقق برنامه حد اکثر پرولتاریا مبارزه میکنیم در مرحله کنونی انقلاب یعنی در مرحله انقلاب د مکرآتیک بر اساس برنامه حد اقل پرولتاریا در انقلاب که همانا تامین کنند منافع عموم خلق در مرحله کنونی است همفکرانهای انقلابی و مترقی را بصرنگونی رژیم جمهوری اسلامی فرامیخوانیم. ما درهای از این برنامه انقلابی عدول نخواهیم کرد. هر کس هم که میخواهد بر خود نام د مکرآت و انقلابی بگذارد باید این برنامه را بپذیرد. چرا که این برنامه قابل تحقق است و هیچکس نمیتواند در روپانهای بیابارد که این اقدامات سوسیالیستی است.

در برنامه عمل سازمان در جهت برقراری یک د مکراسی واقعی و پایداری بر نابودی ارتش ضد خلقی و نابودی کلیه کارگانهها و نهاد های سرکوب و - دستگیری رژیم، نابودی دستگاه نیرو و کراتیک، در یک کلام انحلال ماشین پرور کراتیک - نظامی و در عوض اعمال حاکمیت تودهای از طریق شوراهای و کمیتههای انقلابی، تسلیح عمومی خلق و ایجاد ارتش تودهای - تصریح شده است در برنامه ما کلیه آزاد بیهای مدنی و سیاسی بی قید و شرط پذیرفته شده است. بر جدائی کامل دستگاه دولت از مذ هب و مدارس از مذ هب، بر حق تعیین سر نوشت برای ملتیبهای تحت ستم ایران، بر تساوی کامل حقوق اجتماعی و سیاسی زن و مرد تصریح شده است. در جهت مبارزه قاطع با سلطه امپریالیسم، ملی کردن کلیه سرمایههای بزرگ، سرمایه های امپریالیستی و تجارت خارجی خواسته شده است. بر کنترل شوراهای کارگران بر کلیه بقیه از صفحه ۲۱

لنین از هر خورد بر نشستن و کسانی که از این در مکر اسی کمونی استنباط مکر اسی بدوی را دارند میگوید : این در مکر اتیسم بدوی استی سر سرمایه داری و تمدن آن در مکر اتیسم بدوی نیست که در از منافع و لیوهار در بران ما قبل سرمایه داری وجود داشته است . . . وظایف قدرت دولتی سابق چنان ساده شده است و میتوانند بصورت آنچنان اعمال ساده ساری از قبیل ثبت و بار داشت و واری در آید که کمالات در دسترس هر آدمی سواد ی قرار گیرد و میتوان این وظایف را در مقابل دستمزد معادلی یک کارگر انجام داد و اولاد میتوان (باید) هر گونه جنایات را از بیست مای را از این وظایف سلب کرد . انتخاب شدن کامل تمام صاحبان مشاغل و قابل تعویض بودن آنها بدو استثناء در هر زمان و در ساندن حقوق آنها بسطج عادی دستمزد یک کارگر اخیس اقدامات و مکر اتیسم ساده و خودی خود قابل فهم که در میان اینک منافع کارگران و اکثریت و هفتان را کاملاً در خود جمع میکنند (همچنین منزلت پلس است که سرمایه داری سوسیالیسم میسراند .

کمونی با از میان برداشتن ارتش و اعی و پلیس و هر هم زد ن اساسی اداری بورژوازی که قوای مادی و قهری به نظم پیشین بودند ، میبایست قوای معنویان نظم پیوسته را که توجیه کننده ما ختقاق بود از میان بردارد . باید سلطه کلیسا و قدرت اهریضی کشیشان و روحانیانی را که وحشیگری موهبه میکردند و خفت و اجاود انگسی می بخشیدند ، نیز هم گوید ، این گانون ارتجاعی با آن گرگهای بدظلم ساز کلیسای جوان بر تن داشتند و تمامی تاریخ کلهای بشری را مظلومانه در قربانکاستم برانوردی آوردند باید بعنوان حامیان مستم گران و صاحبان ثروتهای انبوه شده از قدرت کفهای سفره فقیران فقیرین شدگان خاک خلع میدهند (کمونی تهاد ربیک فقره ۸۰۰۰ فرانک از اموال فحسی کلیسا را به خزانه عمومی برگرداند) باید اسناد تبعی گریهای این گانون جنایت را از سینتاریخ بیرون می کشید و در مقابل شمار کهنه رستانی که بازگشت بکلیسا را بعنوان تهنات اجابت فرانسه از انقلاب بدامن گذشته زانند و زبانشان صد انستدر از هائی را چون اسمار کلیسای سن لوران و یک پوس که در آن استخوان زنانی که مورد تجاوز کشیشان قرار گرفتند میگویند میباید ، بر ملا می ساخت و کمون چنین کرد . کمون روحانیت کلیسا را بسوی آرمش زندگی خصوصی فرستاد تا با تاسی از پیشینان خود یعنی حواریون از امدت مضمونان ارتزاقی نمایند . و این نوی بدینی را یک

امر خصوصی شمرد و قرار بر این شد که هر کسی به اختیار خود و جیبی را که اگر نیازند ارد به کلیسا هدیه کند .

کمون کلیه موسسات آموزشی را که تا آن زمان در انحصار سرمایه داران و زمینداران بود مجاناً بر روی تمامی خلق باز کرد و هر گونه اعمال نفوذ کلیسا و دولت را در آن طغی ساخت . باین ترتیب در انش نیز از زیر بار پیش قضاوتهای طبقاتی و نیروی حکومتی و منوحتهای کلیسائی بیرون آورد شد . کمون در خد مستعالی زندگی مادی همه انسانها قرار گرفت و تعلیم و تربیت خصلت جهانی پیدا میکرد . در دستری که قضاوت در آن بر مبنای حق بلا منازع مستمران در دسترس بود التي و سمانعت از دست یافتن ستمدیدگان بر حقوق زندگی سعادت بخش استوار بود و تر از وی عدالتش همیشه منفع طبقات مستکرمسار سنگینی میکرد . از اساس میبایست در گون شود . کمون قضات و دایرمان را از استقلال در وضعی که فقط پوشش اطاعت نفرت انگیزشان از تمام حکومتی بود که یکی پس از دیگری می آمدند رها کند . اینان نیز زمانند و بگر خاد مین ملت در همین انتخابی بودن مسئول و هر لحظه قابل انفصال شد ند . کمون اگر چه شمار هشت سالت کار در روز تحقق بخشید و نیز خاطر هر کویا هشی نتوانست در زمینه های صرفاً اجتماعی و بگر کارهای زیادی انجام دهد اما هر اقدامی را که در این عرصه انجام داد بیباک خصلت کارگر یک حکومت خلقی بود . کمون کارشنانا شاگرد و ناها را طغی ساخت . طبق تصویرنا کمون سیستم جرائم مالیاتی که طبق آن کار فرما مجاز بود به بر بهانه های کمسخواست بخش و بگری از سترنج کارگران را اجاود کند منسوخ و قابل مجازات شناختند . کمون قانون دیگری را که بویزها و وضعیت آن زمان پاریس شهرت و اهمیت خاصی داشت تصویب نمود که عبارت بود از سپردن امور کلیه کارخانه ها ، کارگاهها و موسساتی که بدوین ملت یا بعنوان توطئه طبقاتی اقتصاد پاریس توسط صاحبان آنها تعطیل شده بود ، بدست سازمانهای تعاونی و اتحادیه های کارگری آن موسسات . و وقتی کمون پاریس حکومت را در دست گرفت کارگران بود بگر کمونارد هائی که جرات کرد بودند امتیازات بالادستی های خود را در هم شکستند و خود بسادگی و بی هیچ درغلیازی کار خود و جا معهود را سازمان دهند طبرغم شرایط بسیار دشوار با شکستی و دل سوژی بود از آزادی حقوق با چیزی که محضت به یک پنجم حقوق منشی بی از مد ارس لنسیدن می رسید از بر فتن سرخ کمون این مظهر جمیوری کارگر که بر فراز شهر داری پاریس

کمون . . .

بقیه از صفحه ۱۵

راحت از اسد اری میدادند . چنین بود انقلابی که طبقه کارگر بر پا داشت . همین شایستگی بود که جز سرمایه داران کلان و تودمهای وسیع طبقه متوسط پاریس که در آن زمان بگفته مارکس کشور خرید مهرزوها بود اعجازد کاند اران ، تجار ، پیشوران . . . طبقه کارگرا بعنوان طبقه ای انقلابی که لیاقت ابتکار اجتماعی دارد بحساب می آورد .

کمونی تصویب نامه هوشمندانه ای در روز ۲ مارس ابتدا ایراد اخست در یون براتا اکتبر ۱۸۷۱ به تصویب انداخت و در ۱۸ آوریل طی تصویب نامه دیگری این برداختها را بکلیس بخشید . فروش اموال رهنی مردم را که در گروبانگ شهر داری بود متوقف ساخت . مال الا جارها را از اکتبر تا آوریل بخشید و گرایه های برداخت شد در بحساب آینده گذاشت طبقه متوسط اجتماعی می دید که اگر چه خود در سرکوب قیام ژوئن ۱۸۴۸ کارگران به کمک امراطوری شتافتند اما بعد از استقرار امراطوری خود توسط مجلس قربانی طلبکاران شد و بدو حد ها نیز امراطور با حذف مجلس بکلی آنها از صحنه سیاسی دور کرده بود . آنها در برابر اقدامات بنا بپارت که فرورطیشان را از احمیل یک جنگ خفت با جرحه د ار کرد بود حزب نظم واقعی خود را در اتحاد جمیوری خواهان که کمون پیوست یافتند .

کمون در یکی از اعلامیه های اولش تصریح کرد که بر با کنندگان جنگ خود باید مخارج اتم تحمل شوند و به این ترتیب در هفتان را از مالیات خون معاف کرد و نیز انواع مالیاتهای را که بورژوازی برای مخارج عشرتهای شرقی به لقمندان و تکمزمین در هفتان بستند بود طغی ساخت . در هفتان که تحت تاثیر تبلیغات بورژوازی فکر میکردند مالیات ه سمانتیم بر هر فرانکی برای تامین مخارج کارگران از آنها گرفته میشود (بورژوازی سخواست میان این و طبقه هم زنجیر شکاف ایجاد کند) اکنون میدید که کمون ویرولتاریه حاکم بر آن حکومت ارزان واقعی را برای اظهارمغان آورده است . در هفتان - فرانسوی که پیش از هر چیز مرد حساب بود احساس میکرد که کمون شر تمام زاکوها یا اجتماعی از قبیل ژاندارم و کلیسا و کلیای عدلیه و ما موران اجرائی و قضائی و با غواران از سرش کم میکنند . او در مقابل قوا این کمون و امراطوری در می یافت که

کمون . . .

بقیه از صفحه ۲۳

د ر قوانین امپراطوری هر جا حقوق او مورد تعدی است و در قوانین کمون سروری او بر کارش تضمین میشود. کمون برای د هقانان این ارمان آورد که آنها نیز بتوانند مسئولین قانونگذار و اجرائی خود را انتخاب و در صورت لزوم معزول نمایند. این بود که بورژوازی خزید در روسای از وحشت و هراس همه جا گیر شدن "طاعون" کمون شدید ترین حصارها را به گرد پارسیس می کشید (محاصره اقتصادی کمون سنگین تر از زمان محاصره آن توسط پروسی ها) او امید آنست اگر رابطه کمون پارسیس با سایر ایالتها حتی برای چند ماه تا مین شود دیگر نمیتواند از شیوع این "طاعون" جلوگیری کند. البته آینه همه هرگز نتوانست از ایجاد کمونهای مشابه در ماریسی، تولوز و چند مرکز دیگر جلوگیری کند.

اگر بخواهیم ویژگیهای د ولت ورژیم نمونه کمون را که مظهر د یکتا توری انقلابی کارگران و زحمتکشان علیه سرمایه داران و زمین داران بود در چند سطر خلاصه کنیم بهتر است آنچه را که در این باره گفته است تکرار کنیم: مشخصات اصلی این نوع د ولت عبارت است از: ۱- منبع قدرت، قانونی نیست که قبلا در پارلمان مورد بحث قرار گرفته و بتصویب رسید میباشد. بلکه ابتکار مستقیم توده های مردم از این جهت محلیها با اصطلاح رایج "تصرفی" مستقیم است. ۲- تسلیم مستقیم تمام مردم بحای بیس و ارتش که مسامتی جد از مردم و در نقطه مقابل مردم هستند. در شرایط وجود این قدرت نظام امور د کشور توسط خود کارگران و هقانان مسلح و خود مردم حفظ میشود. ۳- مستخلمین د ولت و دستگا مبرور و کراتیک نیز جای خود را بقدرت بلا واسطه ناشیه از خود مردم میدهند و یا حداقل تحت کنترل مخصوصی قرار میگیرند و نه تنها انتخاباتی میگردند بلکه با اولیین د رخواست مردم قابل تعویب حتی خواهند بود یعنی تا مقام عاملین ساد منتزل بنمایند و از قشر ممتاز د ارای "مقامات" با حقوق هالیسی بورژوازی بکارگزینی از رسته مخصوص بدل میشوند که حقوق آنها از حقوق معمولیک کارگر خوب بالا تر نخواهد بود.

کمون انترناسیونالیست

کمون نه تنها نمایند د حقیقی تمامی

عناصر سالم جامعه بود و از این لحاظ یک حکومت ملی واقعی بود. در عین حال بعنوان حکومت کارگران بمثابة قهرمانان جسور هائی کار خصلتی بین المللی داشت. در برابر تلاش ارتش پروسی برای ضمیمه کردن آلمانی و لنین کمون با سرفرازی و بسا د گی کلیه کارگران جهان را از طریق سازمان انترناسیونال ضمیمه فرانسه کرد. اگر تی رزمینه غارت فرانسویان را برای همه سرمایه داران اروپائی فراهم کرد میبود و جنایتکارانی چون کانسکو و لامشی و مارکوفسکی جاسوس روس را دست چپ و راست خود نموده بود کمون یک کارگر قهرمان آلمانی را وزیر کار خود کرد، افتخار فرماندهی مدافعان د لیر پارسیس را یکی از فرزندان د لا ورلستان داشت. لپستانی که امپراطوری تی بر همیشه آنرا وجه المصالحه و رابط خود بسا روسها کرد میبود. کمون ستون و اوندوم را که مظهر فتوحات ناپلئون در جهانبگیریهای جنایتکارانه اش بشمار میرفت و در نزد بورژوازی بمنزله ستون افتخارات ملی و نزد کارگران مایه شرساری د ریپشگاه بسا دری انترناسیونالیستی بود رهم فروریخت.

خصلت جهانی کمون، دشمنی همه متحدان جهانی بورژوازی فرانسه را صرف نظر از تضاد هایشان برای کمون بوجود آورد میبود. پیش از این نیز کمونیزم همچون شیخی د سراسر اروپا پنجه افکنده بود اکنون کمون دیگر بعنوان یک شیخ بدل چون یک واقعت اتفاق افتاد و بورژوازی اروپا آنرا چون اژدهائی که قرار از سینه اش نشسته بیا آتشی که از کام آن زیانه میکشد هستی زورم دارانه اش را میسوزاند، با سنگینی تمام احساس میکند. در این میان، سرمایه داران امپراطوری آلمان و یاب بیش از همه احساس خطر میکنند و در توطئه علیه کمون نیز پیش از دیگران مایه میگردد. کمون در محاصره مشترک ارتش پروسی و ژاندارمهای روسای و مزدوران کلیسا از هر طرف زیر فشار توطئه قرار داد میشود.

اولین تلاش ضد انقلاب برای اید را آوردن پارسیس پیشنها داشتال آن توسط ارتش مهاجم بود که بیسمارک جرات اینکار را داشت. د وین تلاش در د مارس باشکست مقتضایان د اورد سته تی پروفران آنها بورسای ناگام ماند. تی بر که از آغاز نیروی کافی برای حمله به پارسیس را د اختیار نداشت سعی کرد با شروع مذاکرات کاذب از فرصت بسا تی تقویت نیروی خود استفاد کند. او د ریک پیام فوری از زولایات مختلف فرانسه تقاضای فرستادن بقایای

نیروهای گارد ملی و بپار د نظام را نمود ولی تنها عدد های او با شری و یاقی با فریاد های زند مبار شاه بسیاری وی شتافتند. بعد از مدتها سبها بانی که تدارک دید بود تشکیل میشوند از ارادگی زمین ملاحان، سر بازان پیاد نظام نیروی دریائی، مزدوران کلیسا، ژاندارمهای والتین و گروهبانهای فاسد شهری و جاسوسان تیری. رابطه حکومت تی بر بسا ولایات آنچنان بود که حتی یک پیام یشتیبانی نیز دریافت نکرد بعکس هر پیام و هیئتی که از ولایات می آمد بسا قاطعیت خواستار شناسائی کامل جمهوری بهیذ پرش از آزادی بپای کمونی و انحلال مجلس که در وراهش مدتها بود بسا آمد میبود همه بپایها خواستار آشتی با پارسیس بودند.

تی بر د ر حالیکه هرگونه آشتی با پارسیس را ساری نا بودی خود ورژیمش مید آنست هرگز جرات نکرد علیه این شعار موضعگیری نماید او بر عکس میخواست با کمیدی آشتی تلاش خود را برای استقرار سلطه وحشت بر فرانسه همرا سازد و ولایات را فریب دهد و عناصر متزلزل بورژوازی کمون و پارسیس را بسوی خود جلب کند و با تبلیغات د روغین د باره کشتار مردم و با اصطلاح جنایتهای کمونار د ها افکار عمومی جهان را علیه پارسیس بسیج نماید و آنگاه که زمینه آماده شد د مجلس است دست نشاند پروسی ها اعتراف نمود هر طور میخواهد بشود من علیه پارسیس لشکر کشی میکنم "بار د بگر گفت: من جمهوری را واقعتی انجام شد مید آنم سخت مصمم آنرا حفظ کنم بدین ترتیب او بنام جمهوری مشغول خرید کردن انقلاب در لیون، ماریسی و... بالا خیره پارسیس میشود.

د در و آن مذاکرات امتیازاتی که از سوی حکومت به پارسیس یا مراکز دیگر داد میشود در همان حد بود موهبید باقی میماند اما هنگامی که تصمیم به سرکوب آشکار گرفته میشود عملیات وسیع جهت مقرر ساختن یک قانون وحشیانه برای تثبیت رژیم ترور و خفقان، زندان و شکنجه و تبعید بی وقفه ادامه یابد، در این میان طبق برنامه کمیدی آشتی همزمان بسا بسط سرکوب بعنوان یک رفیسرم انتخابات سراسری صورت میگیرد. در ۳۵۰۰۰۰ برزن از ۷۰۰ هزار مشاوران شهر مجموع مشروطه خواهان، بنا پارتیست ها و اورگنائیستها فقط ۸۰۰ نفر بودند بسا بین ترتیب تی پرو د اورد سته اش بسا فضاحت کامه نماینده آراء عمومی فرانسه نبودن خود را ثابت کرد و زمانی که شوراهای بقیه د صفحه ۲۵

جدید بد نسیال خواستههای قبلی خلق مبنی بر انحلال مجلس ملی تهید کردند که مجلس جدیدی در برود و تشکیل خواهند داد بیسمارک احساس کرد لحظه مناسبی را که مدتها در پی آن روز شماری میکرد برقرار شده است. از پی درخواست نمایندگانی جهت مذاکره با سوسیال دموکراتها صلح نمایندگانی به فرانکفورت فرستاد. او به نمایندگانی که تی پریشکل آمرانه ای گفت: یا قبول صلح یا شرایط مورد نظرش از جمله در اختیار داشتن کلیه ژوهای تسخیر شده و تا وقتی که بیسمارک از وضعیت حاکم بر فرانسه ارضی شود با بازگشت امپراطوری در مقابل نیمی بعنوان تضمینی بر حسن نیت خود اولین پرداخت غرامت جنگی از سوی فرانسه را منوط به آرام شدن پاریس نمود. پی بر که در طول مذاکره با روس شمشیر برهنه را جهت کشتار پاریس زیر نقاب آشتی پنهان کرد. بعد وقتی خبر تضمین بیسمارک با ورسید بلا فاصله در مجلس نمره زد که قانون بدست وارد پاریس خواهد شد و تقاضای تشبیه تمام جنباتیکارانی را خواهد کرد که زندگی سر بازان را فدای او اینجمله عمومی را خراب کرده اند و وقتی هم که در آستانه حمله به پاریس بود و یکسری نقابها بر چهره داشت و روزگوشان میگفت من در پاریس بی رحم خواهم بود، پاریس محکوم است او به آهزتان بنا پارتی اجازه داد تا از پاریس تا خرخره انتقام بگیرند و روزی که با وحشیانه ترین جنایتها توانست از روزهای پاریس داخل شود اعلام کرد که نظم و عدالت و تمدن بنا لاخره به روز شد.

مارکس چند رست و شیوا میگردد: همینطور است. تمدن و عدالت به روز و آبی هر بار که بلند گان و زجر کشان این نظام طهارت با نشان قیام کنند و نورشوم خود ظاهر میشوند در آن وقت این تمدن و این عدالت صورت توحشی بی نقاب و انتقامی بی قانون در آید. هر بحر آن جد بد در جنگ طبقاتی بین فاسد و تولید کننده این واقعیت را با وضوح هر چه بیشتری نشان میدهد.

بنا بر گزارش تنظیم شد توسط انگلس از روز اول ماهه نبرد آشکار وجدی ای علیه مزدوران روسای آغاز شد. بعد از ۷ روز گذر کارود خانه سن در رجب به قریب سقوط کرد روز ۱۱ کمونارد ها در رجب جنوب شکست فاحشی بر لشکر پاریس وارد آوردند.

کمون

بقیه از صفحه ۲۴

در تمام این مدت پاریس مدام زیر آتش توپخانه روسیهایی و ولتی قرار داشت پروسس ها نیز به تقاضای پروسای ۱۰۰۰۰۰۰ صربا تا صبر را برای شرکت در حمله علیه پاریس آزاد کردند. روز ۲۳ - آوریل مذاکرات پاریس روسای توسط تی پرقطع شد. بعد نبال آن بسیاری از اسیران پاریس که در دست دولت بود اعدام یا تبعید شدند و پیشنها کمون مستی بر تعویض اسقف پاریس (گروگان کمون) با ضافهیک دستگیر از کشیشان مزدور کلیسا با بلانکی (در اسارت دولت) از سوی روسای رد شد.

روز چهارم هم روسای با تسخیر چند روز دیگر خود را بهای حصار پاریس رسانید و روز بیست و یکم در نتیجه غفلت و خیانت دستهای از - محافظین قسمتی از شهر به تصرف روسای درآمد. پروسس ها نیز در این روزها رسماً به روسای اجازه دادند تا از منطقه تحت اشغال آنها که برای پاریس ها بمنزله منطقه آتش بس محسوب میشد بگذرند و وارد پاریس شوند قسمت غربی شهر یعنی منطقه ایسان نشین بعد از مقاومت ضعیفی سقوط کرد ولی هر چه سیاهیان روسای به منطقه شرق یعنی منطقه سکونی زحمتکشان و در واقع مناطق کارگری نزدیک میشدند مقاومت بیشتری برپا میشدند. برای نمونه بعد از ۷ روز جنگ و در روز آخرین مدافعان کمون در ارتفاعات بلویل و مونتانی از پای درآمدند از این پس قتل عام مردان و زنان و کودکان بی دفاع که در تمام طول هفته های گذشته بطور روزافزونی در جریان بود به اوج خود رسید. کمونارد های شکست خورده و خلق خانه پیران شده را صد صد جلوی لوله های مسلسل قرار میدادند. دیوار کلیسای نیرلا نیز که شاهد کشته شدن صد هاتن از کمونارد هائی بود که تا آخرین نفس قهرمانانه از آرمان خویش دفاع کردند امروز بنا بر حصار کمونارد ها همچون لگنتی بر دامان بهروز و آبی باقی است. این حصار صعب مقاومت سرخ پرولتاریا است. در دوران مقاومت در دهها هزار تن از شهروندان قهرمان پاریس فقط بدست جوجه فاشیستهای روسای بخاک افتادند و آد گاههای

زمان جنگ تا ژانویه ۱۸۷۰ - ۱۳/۷۰۰ نفر را محکوم کردند. پاریس همچون ویرانه ای بر روی دیوایی از خون کمونارد ها به اشغال مجدد بهروز و آبی درآمد و کمون در خون غلطید تا از خون سر بر آورد و پرچم افتخار آفرین خود را بر بلندترین کوشک و باروهای سر مایه اری برافرازد.

امروز پس از یکصد و نوزده سال که از کمون میگذرد، جایز است برای درس گیری از این تجربه غرور آفرین پرولتاریائی پر اشتباهات و خطاهای آن دست گذاشته شود. کمونارد ها جز معدودی که به سوسیالیزم علمی المانی آشنائی داشتند مابقی از کسانی تشکیل میشدند که عمدتاً از لحاظ غیر فکری انقلابی و پرولتری سوسیالیست بودند این سوسیالیستها عمدتاً تحت تاثیر پروتن قرار داشتند.

مارکس مینویسد: اساس اشتباهات شوم سوسیالیستهای فرانسوی در اقدام و وظایف متضاد سوسیالیستی و وطن پرستی قرار داشت که بر اثر این اشتباهات شعرات بهروزی در معرض خطر قرار گرفت و پرولتاریا در نهمراه متوقف ماند. بجای آنکه به مبارزه اموال فاسدین بپردازد به خاطر تسلط تئوری سادله عادلانه پرود و نیستی بانک فرانسه را که بیش از هزار گروگان ارزش داشت محاصره نکردند و در این تصور بودند که با جمهوری اجتماعی در سایه وحدت ملی بخودی خود برابری عمومی بوجود می آید. اشتباه دیگر خوش قلبی بیش از حد پرولتاریا بود. او بجای بنا بود کردن دشمنان خود تحت تاثیر اخلاقی قرار دادن آنها را مد نظر داشت و به اهمیت اقدامات نظامی در جنگ کم بها میداد. به جای آنکه بهروزی خود را در پاریس با حلقه روسای تکمیل کند، به ساسامه در ایام مبرم و فروشان روسای که تحت پوشش آشتی دروغین در پی گرد آوری نیرو بودند در عمل امکان توطئه گری را داد. بالاخره اگر چه مارکس روزهای قبل از حمله نهائی روسای به پاریس درباره ضرورت ایجاد بریگاد و مواضع دفاعی مستحکم در مون مارترو مواضع مقابل جبهه پروسسها تاکید کرده بود کمون با خوش باوری در بار رعایت قوانین آشتی پس از طرف ارتش مهاجم بیسمارک از این امر غفلت نمود. همچنین توصیه دیگر مارکس درباره اهمیت کافی در این به امر بقیه در صفحه ۱۴

حقوق ملل در تعیین سرنوشت خویش حق مسلم آنهاست



ایمانی با آن طایفه فدائی که بر زمین بیرون جوتی و دشمنی می‌کنند

اول اردیبهشت

روز حماسه و مقاومت

بقیه از صفحه ۱

خود شاهد و ناظر بود ند که چگونه جماداران رژیم ماسلران سرمایه با تهاجم وحشیانه خود به دانشگاه، این سنگ مبارزه در راه آزادی را بخون کشیدند و روزهای خونین قیام را در آن‌ها نژد مکرند. تود مها ریدند که بیکرهای خونین دانشجویان انقلابی چگونه صحن کوجه‌ها و خیابانهای اطراف دانشگاه را گلگون کرد و اثر آموها نسها گشتار رژیم را گواهنی دادند.

در اینجاستها تصد آن داریم که باین مسئله بر رژیم که چرا رژیم دانشگاه را بخون کشید و چرا تمامی رژیمهای ضد خلقی و سرمایه داری در لحظاتی که ناقوس مرگ خود را می‌شنوند بیورش به دانشگاهها را بر میگزینند.

نگاه‌های مبارزات دانشجویان در سالهای اخیر رویتیه نقشی که در قیام خونین ۲۲ بهمن و پس از آن ایفا کردند بسیار انگارین واقعیت است که دانشجویان انقلابی بدلیل آگاهی خود، قادرند نقش بسزایی در اشاعه فرهنگ مبارزاتی ایفا نمایند و در پیوند با توده‌ها قادرند این آگاهی را بهمان توده‌ها برسانند. کارگران و پرکرزحمتکشان را از چگونگی استتار و نحوه مبارزه باستم طبقاتی آگاه سازند. آندسته از روشنفکران انقلابی که با کسب آگاهی طبقاتی به ترک پایگاه خرد بورژوازی خود دست می‌یابند، وظیفه بریدن آگاهی سوسیالیستی را بدرون طبقه کارگر محسوس می‌دارند و همین قشر است که نه افت مبارزات توده‌ها اورا از میدان بد ر میسازد و نه سه سرکوب وحشیانه عمالی رژیم ام اورا مایوس و ناامید می‌کند. پیشرو مصمم به پیش می‌تازد و نقش تاریخی خود را در قبال طبقه کارگر و کل جنبش به‌شماره پیشروان واقعی ایفا می‌نماید و وحشت سرمایه‌داران و استثمارگران نیز همد تا از این قشر آگاه و انقلابی می‌است. بیاد آوریم روزهای قیام صلحانه خلق را که چگونه در پشت سنگر دانشجویان توده‌های مردم روش بند و ش هم و در ز بقیه در صفحه ۱

میشوند و مورد ضرب و جرح قرار می‌گیرند و این همه جد از جنایاتی است که در هنگام بازجویی تحمل می‌شوند و زندانیان رشت با آتش افروزی رژیم بشهادت می‌رسند. اکنون دیگر سر جنایتی که جلادان ساواک در مورد رفیق بیژن و دیگر رفقا با اجرا و آوردند روش معمول رژیم شده است. رژیم اکنون هر آنکس را که عزیزم شکنجه‌های وحشیانه حاضر به توبه و تسلیم نیست به رگبار می‌بندد و گشتار وسیع دوماه پیش حاکم از این امر است که رژیم جمهوری اسلامی پیش از شاه و مزدورانش از انقلابیون در بند می‌هراسند. رژیمندگان قهرمانی که در آیین بستر می‌برند هر روز شاهد آندند که جلادان جلا در بند دارند و فریاد می‌زنند چه کسی هنوز توبه نکرده اعلام کرده، کوه‌های اوین منتظر است جلادان جمهوری اسلامی همچون رژیم شاه از هرگونه روحیه مقاومت و مبارزه در زندان بشدت می‌هراسند. اگر شاه در مقابلها ارامه مبارزه در زندانها به گشتار چند تن از بهترین رفقا و رهبران سازمان توسل جست، رژیم گنونی نه تنها هیران که کلیه زندانیانی را که تسلیم مطامع جنایتکارانه رژیم نشده‌اند، در جوخه‌های اعدام شرکت نجسته‌اند و حاضر به مصاحبه تلویزیونی نشده‌اند، به رگبار می‌بندد. گشتاری که رژیم شاهد رتق می‌دارد حاکمیت سنگینش با انجام رساند رژیم جمهوری اسلامی در ظرفی یک هفته و یکماه انجام میدهد. تمامی این اعمال، توده‌ها را به یک تجربه بزرگ رسانده است و آن اینکه تمامی رژیمهای سرمایه داری برای حفظ و حراست از منافع طبقات استثمارگر، ارگانهای سرکوب و مستم طبقاتی را بکار می‌گیرند، تنها تفاوت در شدت و شیوه‌های سرکوب است. اکنون دیگر توده‌ها در تجربه زند از رژیم سرمایه داری و ضد خلقی دارند که جوخه مشترکشان کشتار خلق و حفظ و حراست از سرمایه است و برای پایان بخشیدن به همه جنایات کشتارها، اعدام‌های دستجمعی، شکنجه‌های وحشیانه و قرون وسطایی، سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دیمکراتیک انقلابی کارگران و زحمتکشان را تنها راه خواهند یافت.

در تاریخ ۳۰ فروردین ۴۰ هنگامی که رژیم شاه خیر از شهادت رفیق بیژن و دیگر رفقا را در آن دروغ - سخنه را که آنها در حین فرار کشته شده‌اند اعلام نمود، توده‌های مردم نه تنها این دروغ را باور نکردند بلکه برای آنها پیش از پیش ماهیت جنایتکارانه رژیم شاه افشاء شد، برژیوی که زندانی را پس از تعیین حکومت به جوخه اعدام سپرده است و این مسئله زمانی بعینه آشکار گردید که تهرانی جلاد این مزدور - ساواک پس از قیام در دادگاه علنی ای که تحت فشار جنبش توده‌های بر رژیم جمهوری اسلامی تحمل شده بود به این جنایت اعتراف کرد و گفت که چگونه این فرزندان دلیخ خلق را در کوه‌های اوین به رگبار بسته است و آن در استان فدائی فرار را ترتیب داد و ماند. این جنایت فحیح در آن روزها بسیار انگارین ام بود که رژیم شاه حتی از انقلابیون در بند که به یکسر و عقاوم بودند و حتی در زندان نقش بسزایی در رهبری وادامه مبارزه داشتند بشدت می‌هراسید.

در آن روزهای پس از پیروزی قیام، توده‌های مردم بر این تصور بودند که دیگر ساواک منحل گردید و دوران جنایتها بسر آمد، رژیم جمهوری اسلامی با اتکا به توهم توده‌ها اعلام کرد که زندانیهای شاه را بموزه تبدیل خواهد کرد! اما دیری نپایید که همان جنایتها اما با وسعتی به مراتب گسترده‌تر توسط رژیم جمهوری اسلامی تکرار شد. ساواک تجدید سازمان یافت و ارگانهای سرکوب و شکنجه در ابعاد و وحشیانه تر وارد عمل شدند.

اکنون که ۸ سال از آن جنایت هولناک میگذرد، توده‌ها شاهد آندند که فرزندان انقلابیشان تنها بجرم مخالفت با رژیم جمهوری اسلامی جوخه مرگ سیرد میشوند. شاهد آندند که زندانیان یک بند اوین بخاطر اعتصاب غذا در اعتراض به اعدام‌های دستجمعی و شرایط زیست یکجابه سلخ می‌روند. همان زندانیانی که محکومیتشان به زهم رژیم و باجرمهای باهی تعیین شده و در آن حکومت برآمدند و شاهد آندند که زندانیان از لحصار در داخل بند به رگبار بسته

سرنوشت باند رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمه وری دمکراتیک خلق